



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام
دانشکده: علوم سیاسی، تاریخ و علوم اجتماعی
پایان نامه جهت اخذ درجه دکتری
رشته: علوم سیاسی

عنوان:

تأثیر مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راه کارهای مدیریت مناقشات

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر بهروزی نک

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر آل غفور

دانشجو:

علی آقاجانی

اردیبهشت 1395



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

تقدیم به؛

شهدای راه دیانت و عدالت و آزادی

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

تقدیر و تشکر

«من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبدا»

حمد و تسبیح مختص خداوندی است که جان را فکرت آموخت و آگاهی را در نهاد و فطرت او به ودیعت نهاد. سپاس خداوندی را که نعمت ولایت خویش و محبت و مودت برگزیدگانش، خاندان عترت را ارزانی داشت و انقلاب عظیم اسلامی را برای ملتی بزرگ تدارک نمود.

با قدردانی از راهنمایی‌های اندیشمندانه حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر بهروزی لک که در تدوین این پژوهش مرا یاری نمودند و با تشکر از حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر آل غفور که با مشاوره استنادانه خود بر غنای کار افزودند. نیز با سپاس از جناب آقایان حجج اسلام و المسلمین آقایان دکتر لک زایی، دکتر رهدار، و دکتر نعیمیان که با تذکر نکته‌های محققانه، نویسنده را در پویایی و تعمیق هر چه بیشتر پژوهش یاری رساندند.

نیز از پدر و مادرم که در دامان آنان بالیدم و دوستی با آموختن و پژوهیدن را فرا گرفتم؛ از خانواده ام و فرزندانم که مرا یاری دادند و همه آنانی که یاری گر و تسهیل کننده مسیر دانش افزایی ام بودند. از اساتیدم در طول دوره تحصیل در حوزه و اساتید دانشگاه باقر العلوم (ع) به خصوص در گروه علوم سیاسی-آقایان دکتر لک زایی، دکتر بهروزی لک، دکتر ستوده و دکتر آل غفور- که به تعلیم و تعلم مشتاقم ساختند. همچنین از بنیادگذاران شجره طیبه دانشگاه باقر العلوم به ویژه از حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر آل غفور و مسئولان دانشگاه در طول دوره تحصیلی به ویژه حجج اسلام و المسلمین آقایان پارسانیا، واعظی، ارسطا و مریجی سپاسگذارم.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

چکیده

پرسش اصلی پژوهش آن است که مناقشات کلام سیاسی چه تأثیراتی بر رقابت‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران داشته و سازوکارهای لازم برای ایجاد قاعده‌مندی در این رقابت‌های سیاسی چه می‌تواند باشد. از دیدگاه تحقیق به علت ماهیت دینی جمهوری اسلامی و جناح‌های سیاسی مؤثر در آن، مؤلفه‌های کلام سیاسی (مانند قلمرو سیاسی دین، انتظار سیاسی بشر از دین و...) متأثر از زمینه‌های ذهنی و عینی در تکوین و صورت بندی جریان‌ها و جناح‌های سیاسی - فکری جمهوری اسلامی نقشی اساسی داشته است. همچنین افزوده شدن مناقشات کلام سیاسی موجب بی قاعده‌گی و چالش در رقابت‌های سیاسی و کاسته شدن آن موجب کاهش بی قاعده‌گی و چالش در رقابت‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران می‌شود. راه حل نیز پردازش و شفاف سازی نگرش جریان‌های سیاسی - فکری به مؤلفه‌های کلام سیاسی، اجماع سازی بر اساس کلام سیاسی اعتدالی و انفکاک در سطح کلان نظام، به منظور مدیریت رقابت حداکثری است. بدین ترتیب با بررسی زمینه‌های ذهنی و عینی، صورت بندی مناقشات کلامی سیاسی و تأثیرات مناقشات کلامی سیاسی بر رقابت‌های سیاسی چهار دوره تأسیس 1357-1360 تثبیت 1360-1368. سازندگی و اصلاحات 1368-1384 اصول گرایی 1384-1392 در اکثر موارد فرضیه تحقیق یعنی عاملیت اساسی مناقشات کلامی سیاسی بر رقابت‌های سیاسی و ارتباط قاعده‌مندی و بی قاعده‌گی رقابت‌ها با مناقشات کلامی سیاسی قابل اثبات است. در تمامی ادوار رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی سطح چسبندگی و وابستگی رقابت‌ها به مناقشات کلامی سیاسی بالاست. اما در میان ادوار، دور دوم ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی در دوره سازندگی و دور نخست ریاست جمهوری احمدی نژاد در دوره اصول گرایی حدت و شدت مناقشات کلامی سیاسی و سطح تنش و تنازع پایین‌تر است و سطح قاعده‌مندی بالاتر است.

کلید واژگان: مناقشات کلام سیاسی، رقابت های سیاسی جمهوری اسلامی ایران ، بی‌قاعده‌گی و

قاعده‌مندی رقابت سیاسی، راهبردها و راهکارها.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه: طرح تفصیلی	1
1- بیان مسأله	2
2- اهمیت و فایده	4
3- سابقه تحقیق	4
4- جنبه نوآوری موضوع	6
5- اهداف تحقیق	6
6- سئوالات تحقیق	7
6-1- سؤال اصلی	7
6-2- سئوالات فرعی	7
7- چارچوب نظری تحقیق	8
8- فرضیه تحقیق	8
9- پیش فرض‌های تحقیق	9
10- روش انجام تحقیق	10
11- سازمان دهی تحقیق	10
فصل اول: کلیات	11
گفتار اول: مفاهیم	12
1- تاثیر:	12
2- کلام سیاسی	13
2-1. تعریف کلام سیاسی و موضوع آن	15
2-2. کلام سیاسی و فلسفه سیاسی اسلامی:	22
رابطه فلسفه سیاسی و کلام سیاسی:	24
اشتراکات و افتراقات کلام سیاسی و فلسفه سیاسی:	24
الف. افتراقات	24

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

- 26..... 2-3. کلام سیاسی و فقه سیاسی: 26
- 29..... 2-4. کلام سیاسی و اصول فقه 29
- 30..... 2-5. کلام سیاسی و تفسیر سیاسی: 30
- 32..... 2-6. مسائل کلام سیاسی 32
- 34..... 3- رقابت سیاسی 34
- 36..... 3-1. رقابت سیاسی در لغت 36
- 38..... 3-2. رقابت سیاسی و مشارکت سیاسی 38
- 39..... 3-3. فرهنگ رقابت 39
- 40..... 3-4. الگوهای رقابت سیاسی 40
- 40..... 3-5. رقابت سیاسی و ثبات سیاسی: 40
- 41..... 3-6. قاعده‌مندی و بی قاعده‌گی رقابت سیاسی: 41
- 41..... 4. بازیگران رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی 41
- 44..... 4-1. دوره بندی جناحها در جمهوری اسلامی 44
- 46..... 4-2. معیارهای گزینش افراد و گروه‌ها: 46
- 49..... **گفتار دوم: چارچوب نظری** 49
- 52..... 1. تفصیل مراحل چارچوب نظری 52
- 52..... 1-1. زمینه‌های ذهنی و عینی جدید 52
- 54..... 1-2. افزایش مناقشات و پیدایش دستگاههای مختلف کلام سیاسی 54
- 55..... 1-3. بی ثباتی و صورت بندی رقابت‌های سیاسی جدید 55
- 56..... 1-4. بی قاعده‌گی رقابت‌های سیاسی 56

فصل دوم: تأثیرات مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی در دوره تأسیس نظام

Error! Bookmark not defined. (57-68) جمهوری اسلامی ایران

Error! Bookmark not defined. مقدمه

Error! Bookmark not defined. گفتار اول: جریان‌ها و احزاب سیاسی دوره تأسیس

گفتار دوم: زمینه‌های تأثیرگذار بر مناقشات کلام سیاسی در دوره تأسیس نظام جمهوری اسلامی

Error! Bookmark not defined. ایران

Error! Bookmark not defined. 1. زمینه‌های ذهنی

Error! Bookmark not defined. 1-1. تراث کلام سیاسی:

Error! Bookmark not defined. 1-2. ایدئولوژیهای رقیب درونی:

Error! Bookmark not defined. 1-3. ایدئولوژیهای رقیب بیرونی:

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

2. زمینه‌های عینی..... Error! Bookmark not defined.

1-2. از نظر سیاسی:..... Error! Bookmark not defined.

2-2. زمینه فرهنگی:..... Error! Bookmark not defined.

2-3. زمینه اجتماعی:..... Error! Bookmark not defined.

2-4. زمینه اقتصادی:..... Error! Bookmark not defined.

2-5. زمینه سیاست خارجی:..... Error! Bookmark not defined.

گفتار سوم: وضعیت و صورت بندی مناقشات کلام سیاسی در دوره تأسیس نظام جمهوری اسلامی. Error! Bookmark not defined.

1. دین و سیاست..... Error! Bookmark not defined.

2. ابعاد سیاسی توحید..... Error! Bookmark not defined.

3. جامعیت اسلام..... Error! Bookmark not defined.

4. نبوت و سیاست..... Error! Bookmark not defined.

5. امامت و سیاست..... Error! Bookmark not defined.

6. مشروعیت و حاکمیت در اسلام..... Error! Bookmark not defined.

7. اسلام و حاکمیت مردم (ملّی)..... Error! Bookmark not defined.

8. اسلام و آزادی..... Error! Bookmark not defined.

گفتار چهارم: تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر رقابت‌های سیاسی دوره تأسیس. Error! Bookmark not defined.

1. قاعده‌مندی و بی قاعده گی رقابت‌های سیاسی..... Error! Bookmark not defined.

1-1. تغییر رژیم:..... Error! Bookmark not defined.

1-2. تغییر حکومت:..... Error! Bookmark not defined.

1-3. چالش‌های مسالمت آمیز..... Error! Bookmark not defined.

1-3-1. چالش‌های مسالمت آمیز مستقیم:..... Error! Bookmark not defined.

1-3-1-1. چالش‌های مستقیم حداکثری:..... Error! Bookmark not defined.

1-3-1-2. چالش‌های مستقیم حداقلی:..... Error! Bookmark not defined.

1-3-2. تأثیر مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی به صورت غیر

مستقیم:..... Error! Bookmark not defined.

1-3-2-1. چالش‌های غیر مستقیم حداکثری:..... Error! Bookmark not defined.

1-3-2-2. تأثیر غیر مستقیم حداقلی:..... Error! Bookmark not defined.

1-4. چالش‌های خشونت آمیز (تأثیر غیر مستقیم):..... Error! Bookmark not defined.

1-4-1. خشونت‌های لفظی... Error! Bookmark not defined.

1-4-2. درگیریه‌های خیابانی:..... Error! Bookmark not defined.

1-4-3. ترورها:..... Error! Bookmark not defined.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

Error! Bookmark not defined...... جمع بندی

Error! Bookmark not defined. بی ثباتی و بی قاعده گی رقابت‌های سیاسی

فصل سوم: تأثیرات مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی در دوره تثبیت نظام

Error! Bookmark not defined...... (60-68) **جمهوری اسلامی ایران**

Error! Bookmark not defined...... مقدمه

Error! Bookmark not defined. **گفتار اول: جریان‌ها و احزاب سیاسی در دوره تثبیت جمهوری اسلامی ایران.**

Error! Bookmark not defined. **گفتار دوم: زمینه‌های تأثیر گذار بر مناقشات کلام سیاسی در دوره تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران.**

Error! Bookmark not defined...... 1. زمینه‌های ذهنی

Error! Bookmark not defined...... 1-1. 1. تراث کلام سیاسی:

Error! Bookmark not defined...... 1-1. 1. ایدئولوژیهای رقیب درونی:

Error! Bookmark not defined...... 1-1. 3. ایدئولوژیها و نظریه‌های تأثیر گذار بیرونی:

Error! Bookmark not defined...... 2. زمینه‌های عینی

Error! Bookmark not defined...... 2-1. 1. از نظر سیاسی:

Error! Bookmark not defined...... 2-2. 2. از نظر فرهنگی:

Error! Bookmark not defined...... 2-3. 3. از نظر اقتصادی:

Error! Bookmark not defined...... 2-4. 4. از نظر اجتماعی:

Error! Bookmark not defined...... 2-5. 5. سیاست خارجی

Error! Bookmark not defined. **گفتار سوم: صورت بندی مناقشات کلام سیاسی در دوره تثبیت:**

Error! Bookmark not defined...... 1. اسلام و عدالت اجتماعی:

Error! Bookmark not defined...... 2. اسلام و کارآمدی:

Error! Bookmark not defined...... 3. مشروعیت حکومت و حاکمیت مردم در اسلام.

Error! Bookmark not defined...... 4. آزادی در اسلام

Error! Bookmark not defined. **گفتار چهارم: تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر رقابت‌های سیاسی در دوره تثبیت.**

Error! Bookmark not defined...... 1. بی ثباتی و صورت بندی رقابت سیاسی

Error! Bookmark not defined...... 1-1. 1. قاعده مندی و بی قاعده گی رقابت‌های سیاسی

Error! Bookmark not defined...... 1-1-1. 1. تغییر رژیم:

Error! Bookmark not defined...... 1-1-2. 2. تغییر حکومت:

Error! Bookmark not defined...... 1-1-3. 3. چالشهای مسالمت آمیز:

Error! Bookmark not defined...... 1-1-3-1. 1. چالشهای مسالمت آمیز به صورت مستقیم:

Error! Bookmark not defined...... 1-1-3-1-1. 1. چالش های مسالمت آمیز مستقیم حداکثری: **defined.**

Error! Bookmark not defined...... مرام نامه ها:

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

1-1-3-2. چالش های مسالمت آمیز مستقیم حداقلی: **Error! Bookmark not defined.**

1-1-3-1. چالش های مسالمت آمیز غیر مستقیم حداکثری: **Error! Bookmark not defined.**

شکل گیری احزاب جدید..... **Error! Bookmark not defined.**

1-1-3-2. چالش های مسالمت آمیز غیر مستقیم حداقلی: **Error! Bookmark not defined.**

. تأثیر بر رخدادها و حوادث سیاسی..... **Error! Bookmark not defined.**

1-1-4. چالشهای خشونت آمیز (تأثیر غیر مستقیم): **Error! Bookmark not defined.**

1-1-4. تداوم تروریسم: **Error! Bookmark not defined.**

1-1-4. برخورد های کلامی و فیزیکی: **Error! Bookmark not defined.**

1-1-4. حمله به تجمعات: **Error! Bookmark not defined.**

جمع بندی **Error! Bookmark not defined.**

فصل چهارم: تأثیر مناقشات کلام سیاسی بر رقابت های سیاسی جمهوری اسلامی ایران

در دوره سازندگی و اصلاحات..... **Error! Bookmark not defined.**

مقدمه **Error! Bookmark not defined.**

گفتار اول: احزاب و جناح های سیاسی دوره سازندگی و اصلاحات. **Error! Bookmark not defined.**

گفتار دوم: زمینه های عینی و ذهنی مناقشات کلام سیاسی در دوره سازندگی و اصلاحات. **Error! Bookmark not defined.**

1. زمینه های ذهنی **Error! Bookmark not defined.**

1-1. تراث کلام سیاسی اسلامی: **Error! Bookmark not defined.**

1-2. ایدئولوژیها و نظریه های تأثیر گذار درونی: **Error! Bookmark not defined.**

1-3. ایدئولوژیها و نظریه های تأثیر گذار بیرونی: **Error! Bookmark not defined.**

2. زمینه های عینی **Error! Bookmark not defined.**

1-2. از نظر سیاسی: **Error! Bookmark not defined.**

2-2. از نظر اقتصادی: **Error! Bookmark not defined.**

2-3. از نظر اجتماعی: **Error! Bookmark not defined.**

2-4. از نظر فرهنگی: **Error! Bookmark not defined.**

2-5. سیاست خارجی: **Error! Bookmark not defined.**

گفتار سوم: صورت بندی مناقشات کلامی سیاسی در دوره سازندگی و اصلاحات: **Error! Bookmark not defined.**

1. دین و سیاست **Error! Bookmark not defined.**

2. نبوت و سیاست **Error! Bookmark not defined.**

3. امامت و سیاست **Error! Bookmark not defined.**

4. قلمرو دین **Error! Bookmark not defined.**

5. مشروعیت حکومت و ولایت فقیه **Error! Bookmark not defined.**

6. اسلام و دموکراسی (مردم سالاری) **Error! Bookmark not defined.**

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

7. اسلام و آزادی..... Error! Bookmark not defined.

8. اسلام و حقوق بشر..... Error! Bookmark not defined.

گفتار چهارم: تأثیر مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی دوره سازندگی و اصلاحات. Error! Bookmark not defined.

1. قاعده مندی و بی قاعدگی رقابت‌های سیاسی.. Error! Bookmark not defined.

1-1. تغییر رژیم:..... Error! Bookmark not defined.

1-2. تغییر حکومت:..... Error! Bookmark not defined.

1-3. تغییر جامعه:..... Error! Bookmark not defined.

1-4. چالش‌های مسالمت آمیز:..... Error! Bookmark not defined.

1-4-1. چالش‌های مسالمت آمیز به صورت مستقیم:..... Error! Bookmark not defined.

1-4-1-1. چالش‌های مسالمت آمیز مستقیم حداکثری:..... Error! Bookmark not defined.

مرام نامه‌های احزاب..... Error! Bookmark not defined.

مرام نامه‌های جناح اصلاح طلب..... Error! Bookmark not defined.

- مرام نامه‌های احزاب جناح اصول گرا..... Error! Bookmark not defined.

1-4-1-2. چالش‌های مسالمت آمیز مستقیم حداقلی:..... Error! Bookmark not defined.

رویکردها و مواضع احزاب گروه‌ها و افراد شاخص جناحها:..... Error! Bookmark not defined.

1-4-2. چالش‌های مسالمت آمیز به صورت غیر مستقیم:..... Error! Bookmark not defined.

1-4-2-1. چالش‌های مسالمت آمیز غیر مستقیم حداکثری:..... Error! Bookmark not defined.

شکل گیری احزاب جدید..... Error! Bookmark not defined.

1-4-2-2. چالش‌های غیر مستقیم حداقلی:..... Error! Bookmark not defined.

. تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر حوادث و رخداد‌های سیاسی... Error! Bookmark not defined.

1-5. چالش‌های خشونت آمیز (تأثیر غیر مستقیم)..... Error! Bookmark not defined.

1-5-1. حمله به تجمعات:..... Error! Bookmark not defined.

1-5-2. ترور حجابیان:..... Error! Bookmark not defined.

1-5-3. غائله 18 تیر:..... Error! Bookmark not defined.

1-5-4. قتل‌های زنجیره ای:..... Error! Bookmark not defined.

جمع بندی:..... Error! Bookmark not defined.

فصل پنجم: تأثیر مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران

در دوره اصول گرایی (1392-1384)..... Error! Bookmark not defined.

مقدمه..... Error! Bookmark not defined.

گفتار اول: احزاب و جناح‌های دوره اصول گرایی..... Error! Bookmark not defined.

گفتار دوم: زمینه‌های ذهنی و عینی

1. زمینه‌های ذهنی

1-1. تراث کلامی سیاسی:

1-2. ایدئولوژیهای رقیب درونی:

1-3. ایدئولوژیها و نظریه‌های تأثیرگذار بیرونی:

2. زمینه‌های عینی

1-2. از نظر سیاسی:

2-2. از نظر اقتصادی:

2-3. از نظر فرهنگی و اجتماعی:

2-4. از نظر سیاست خارجی:

گفتار سوم: صورت بندی مناقشات کلام سیاسی در دوره اصول گرایی:

1. دین و سیاست

2. انتظار بشر و قلمرو دین

3. مشروعیت حکومت و ولایت فقیه

4. اسلام و مردم سالاری

5. اسلام و آزادی

6. اسلام و حقوق بشر

7. اسلام و تسامح و تساهل و خشونت

گفتار چهارم: تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر رقابت‌های سیاسی دوره اصول گرایی:

1. قاعده مندی و بی قاعدگی رقابت‌های سیاسی

1-1. تغییر رژیم:

1-2. تغییر حکومت:

1-3. تغییر جامعه:

1-4. چالش‌های مسالمت آمیز:

1-4-1. تأثیر مناقشات کلام سیاسی بر چالش‌های مسالمت آمیز مستقیم:

1-4-1-1. چالش‌های مسالمت آمیز مستقیم حداکثری:

1-4-1-2. چالش‌های مسالمت آمیز مستقیم حداقلی:

1-4-2. چالش‌های مسالمت آمیز به صورت غیر مستقیم:

1-4-2-1. چالش‌های مسالمت آمیز غیر مستقیم حداکثری:

1-4-2-2. چالش‌های مسالمت آمیز غیر مستقیم حداقلی:

1-5. تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر چالش‌های خشونت آمیز (تأثیر غیر مستقیم):

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

جمع بندی Error! Bookmark not defined.

فصل ششم: سازوکارهای مدیریت مناقشات کلام سیاسی و تأثیر گذاری آن بر رقابت

های سیاسی در جمهوری اسلامی Error! Bookmark not defined.

مقدمه Error! Bookmark not defined.

1- گزارشی از روند رقابت سیاسی و فراز و فرود آن: Error! Bookmark not defined.

گفتار اول: چالش های مدیریت مناقشات: Error! Bookmark not defined.

1. پارادوکس کلام حداکثری و کلام حداقلی: Error! Bookmark not defined.

2. پارادوکس اسلامیت و جمهوریت: Error! Bookmark not defined.

3. پارادوکس وحدت و تکثر: Error! Bookmark not defined.

گفتار دوم: راهکارهای مدیریت مناقشات: Error! Bookmark not defined.

1. راهکارهای معطوف به ساختار کلامی - سیاسی: Error! Bookmark not defined.

1- 1. کلام سیاسی اعتدالی انفکاکي: Error! Bookmark not defined.

1- 2. مشارکت سیاسی حداکثری بر مبنای اندماج اسلامیت و جمهوریت: Error! Bookmark not defined.

1- 3. تمهید و تاکید بر تکثر، و آزادی سیاسی در اسلام: Error! Bookmark not defined.

راهکارهای معطوف به ساختار حقوقی - سیاسی: Error! Bookmark not defined.

1. توجه به اقتدار نظام سیاسی: Error! Bookmark not defined.

2. نهادمندی Error! Bookmark not defined.

3. اهتمام به رسمیت نظام تحزب Error! Bookmark not defined.

4. تقویت نظارت پذیری حکومت و جامعه Error! Bookmark not defined.

4. توجه بیشتر به آزادی در عرصه عمومی Error! Bookmark not defined.

5. گفت و گو در سطح نهادها و مراکز حکومتی و جناحهای سیاسی پیرامون مفاهیم و

روشهای اعمال حاکمیت Error! Bookmark not defined.

5- 1. راهکارهای معطوف به ساختار فرهنگی - آموزشی: Error! Bookmark not defined.

5- 1- 1. مدارای اسلامی: Error! Bookmark not defined.

5- 1- 2. تقویت و ترویج مبانی و سلوک اخلاق سیاسی: Error! Bookmark not defined.

5- 1- 3. توجه به تربیت سیاسی شهروندی در مراکز فرهنگی - آموزشی: Error! Bookmark not defined.

5- 1- 4. مراکز و برنامه های مرتبط با اخلاق و تربیت سیاسی: Error! Bookmark not defined.

5- 1- 4- 1. خانواده و شبکه خویشاوندان: Error! Bookmark not defined.

5- 1- 4- 2. آموزش و پرورش: Error! Bookmark not defined.

5- 1- 4- 3. دانشگاه: Error! Bookmark not defined.

- رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی: Error! Bookmark not defined.

نهادهای مذهبی: Error! Bookmark not defined.



Error! Bookmark not defined. 5-2- راهکارهای معطوف به ساختار فرهنگی - اقتصادی:

Error! Bookmark not defined...... جمع بندی

Error! Bookmark not defined...... **خاتمه: نتیجه گیری**

Error! Bookmark not defined. (چشم انداز آینده): پیشنهادهای مطالعات آینده:

Error! Bookmark not defined...... **منابع و مأخذ**

Error! Bookmark not defined...... 1. کتابها

Error! Bookmark not defined...... 2. مقالات و مجلات

Error! Bookmark not defined...... 3. روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها و مجلات:

Error! Bookmark not defined...... 5. منابع اینترنتی

مقدمه:

طرح تفصیلی

1- بیان مسأله

ماهیت دنیای سیاست رقابت و کنش گری متکثرانه برای نیل به منابع سیاست است. اما منابع در ساحت سیاست همچون پهنه طبیعت نه همه یاب و نه بی نهایت بلکه کم یاب است. همین نکته موجب تلاش مجدانه افراد و گروه‌ها برای فرا چنگ آوردن سهم و نقش بیشتر از این منابع و در نتیجه ظهور چرخه رقابت است. در این میدان هنر سیاستگران رعایت قواعد رقابت و کنش گری در عرصه سیاست با بهره گیری از تمامی امکانات ذهنی و عینی موجود است تا رقابت بسامان و بهنجار گردد. چنانچه خللی در این مسأله پیش آید بی قاعده‌گی بر عرصه سیاسی غالب شده و تأثیرات مخربی خواهد داشت. آن گونه که در ایران معاصر شاهد آن بوده‌ایم.

نظام جمهوری اسلامی در حالی در ایران با ابتنا بر مبانی اسلامی شکل گرفت که یکی از چالش‌های عمده در ایران معاصر بی قاعده‌گی رقابت‌های سیاسی و در نتیجه عدم اجماع نخبگان و بی سامانی‌های فزاینده و در نهایت حرکت نسبتاً گند توسعه در ایران بوده است. در تاریخ سیاسی معاصر ایران قبل از انقلاب مشروطه، همواره رقابت سیاسی زیر یوغ ثبات سیاسی استبداد مدار بوده و محلی از اعراب نداشته است. در دوره مشروطه، رقابت سیاسی افزایش یافت، اما از آن سو ثبات سیاسی به اضمحلال رفت؛ و در اثر آزادی رها، امور معیشت و اعتقادی مردم دچار التهاب شد. به گونه‌ای که هر گروهی در جایی برای به دست گرفتن قدرت سر برآورد. در دوره پس از مشروطه، خصوصاً از ۱۳۰۴ به بعد، رقابت سیاسی قربانی ثبات سیاسی شد. در دوران ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ این بار رویه باز هم معکوس شده و شاهد دوره‌ای بسیار مشابه با آزادی امنیت ستیز دوران مشروطه بودیم که ثبات سیاسی کشور را از میان برد. در دوران ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ این بار رویه باز هم معکوس شده و شاهد دوره‌ای بسیار مشابه با آزادی افسار گسیخته و امنیت ستیز دوران مشروطه بودیم که ثبات سیاسی کشور را از میان برد. در دوره زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ و پیش از وقوع انقلاب اسلامی، شاهد دورانی شبه رضاخانی شدیم به گونه‌ای که رقابت سیاسی به سود ثبات سیاسی؛ مجدداً قربانی شد.

این چرخه معیوب در جمهوری اسلامی نیز از کار نایستاد و همچنان با شدت و ضعف ادامه یافت. این مسأله در نقاط عطفی مانند رفراندوم جمهوری اسلامی. مسأله قانون اساسی... انتخابات ریاست جمهوری و مجلس اول. قانون کار. نظارت استصوابی و... رخ نموده است. از

دیگر سو فروپاشی ائتلاف‌هایی مانند ائتلاف خط امام با برخی علمای سنتی، ائتلاف خط امام با لیبرال‌های اسلامی، ائتلاف خط امام با سوسیالیست‌های اسلامی، ائتلاف لیبرال‌های اسلامی با سوسیالیست‌های اسلامی، ائتلاف راست سنتی و راست مدرن و... را شاهد بوده‌ایم. این مسأله گاه در مقاطعی نظیر اوایل دهه 60 و یا پس از انتخابات 88 به صورت خشونت فراینده و بحران موثر تداوم یافته است.

در تبیین و تحلیل این مسأله برخی علت اصلی را در نقش ویژگی‌های شخصیتی نخبگان و رهبران سیاسی، برخی در دخالت‌های خارجی، برخی در علل جامعه‌شناختی و فرهنگی و پاره‌ای در مسائل اقتصادی و اختلاف و تضاد منافع طبقاتی پی‌گیری کرده‌اند. در این میان نکته اساسی آن است که دریاپیم این بی‌قاعده‌گی و نابسامانی در رقابت‌های سیاسی شاید تفاوتی مهم با دوران پیش از تأسیس جمهوری اسلامی دارد. جمهوری اسلامی بر مبنای تعالیم دینی و مشارکت سیاسی مبتنی بر آموزه‌ها یا زمینه‌های دینی اکثریت ملت شکل گرفت. در این نظام عمده جناح‌های سیاسی مؤثر از همان ابتدای انقلاب نوعی وابستگی دینی و ترکیبی از اندیشه دینی را در تفکر خود داشته‌اند. در حالی که پیش از انقلاب محور رقابت‌های احزاب و جریان‌های مؤثر حاکمیت ارتباط مستقیمی با دین پیدا نمی‌کرد. اما پس از انقلاب این ارتباط شکل مستقیمی به خود گرفت. از این رو انواع تفاسیر و تعبیر دینی از زندگی سیاسی به کانون و محور رقابت‌های سیاسی بدل گشت.

از میان این مسائل دینی به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های کلام سیاسی گرانیگاه رقابت‌های سیاسی و موجب ائتلاف‌ها و فروپاشی ائتلاف‌ها و تعارض‌های سیاسی بوده است به گونه‌ای که مناقشات پیرامون آن و عدم اجماع نسبی درباره آن موجب بی‌قاعده‌گی‌های رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی شده است. پس از انقلاب مناقشات مختلفی حول مؤلفه‌های کلام سیاسی میان طیف‌های گوناگون فکری - سیاسی شکل گرفت. این مناقشات در میان اسلام‌گرایان و حتی طرفداران اسلام فقاهتی نیز با شدت و ضعف وجود داشته است. بر این اساس چنانچه مقاطع دوره تأسیس 1357-1360، دوره تثبیت 1360-1368، دوره توسعه اقتصادی 1368-1376، دوره توسعه سیاسی 1376-1388 و دوره عدالت 1392-1388 را وارسیم متوجه این نکته می‌شویم که الگوی رقابت بر مدار تفسیر از مؤلفه‌های کلام سیاسی چرخیده است و اکثریتی از ائتلاف‌ها و فروپاشی ائتلاف‌ها از این منشا بوده است. بر این پایه تأثیری که مناقشات مربوط به مؤلفه‌های کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی در جمهوری اسلامی گذاشته است آن است که این محور را تبدیل به مهم‌ترین عامل رقابت در قالب‌های مختلف در طول 35 سال نموده است.

بر این اساس تحقیق در صدد است تا این مسأله را در طی پنج دوره از دوران 35 ساله نظام (دوره تأسیس 1357-1360، دوره تثبیت، 1360-1368، دوره سازندگی و

اصلاحات، 84-1368 و دوره اصول گرایی عدالت خواه 1392-1388) به آزمون بگذارد و بررسی نماید. در این مسیر از مرام نامه‌ها، موضع گیری‌های احزاب و گروه‌ها و رهبران آنها و شخصیت‌های فکری منتسب به آنها بهره گیری خواهد شد.

2- اهمیت و فایده

بررسی موضوع تأثیر مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی دوره جمهوری اسلامی از آن رو دارای اهمیت است که بر مهم‌ترین بسترهای بسامانی و نابسامانی رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی پرتو می‌افکند و عوامل آن را در بعد نظری روشن می‌سازد. از دیگر سو میان دو رشته مستقل کلام سیاسی و جامعه شناسی سیاسی در ظرف زمانی و مکانی جمهوری اسلامی ایران ارتباط برقرار می‌سازد و مطالعه‌ای میان رشته‌ای که نیاز امروز دانش سیاسی و جامعه ایرانی است را موجب می‌شود. از زاویه دیگر این تحقیق می‌تواند نوعی جریان شناسی سیاسی مبتنی بر مؤلفه‌های کلام سیاسی را که چندان بدان پرداخته نشده است را به بار نشاند. اما در فواید کاربردی آن می‌توان به بهره گیری از آن در تنظیم سیاست‌های کلی نظام و نیز مدیریت رقابت‌های سیاسی و قوانینی مانند قانون انتخابات و قانون احزاب و مانند آن اشاره کرد. همچنین این تحقیق برای مراکز تحقیقاتی چون مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت، دبیر تشخیص مصلحت، مرکز پژوهش‌های مجلس، مرکز تحقیقات وزارت کشور و مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌تواند مفید باشد.

3- سابقه تحقیق

در عنوان و موضوع و محتوای پژوهش تا کنون به شکل خاص پژوهشی مستقل صورت نگرفته است. البته برخی پژوهش‌هایی که مربوط به تاریخ اندیشه در ایران و یا اندیشمندان سیاسی است به شکل ضمنی و یا گاه صریح اما گذرا و با ادبیات غیر کلام سیاسی به آن پرداخته‌اند. کتاب‌هایی مانند جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران از غلامرضا بهروزی لک^۱ که تأثیر جهانی شدن بر گفتمان‌های اسلام سیاسی را بررسی کرده است. اسلام سیاسی در ایران اثر سید محمدعلی حسینی زاده^۲ نیز چگونگی شکل گیری اسلام سیاسی در ایران را می‌کاود. اسلام، سنت و دولت مدرن اثر سید علی میر موسوی^۳ نیز تأثیر نوسازی دولت بر تحول اندیشه سیاسی معاصر شیعه را مورد دقت قرار می‌دهد. اما هیچ یک تمرکزی بر مناقشات مربوط به

1. غلامرضا بهروز لک، *جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.

2. محمدعلی حسینی زاده، *اسلام سیاسی در ایران*، قم: دانشگاه علوم انسانی مفید، ۱۳۸۶.

3. علی میرموسوی، *اسلام، سنت، دولت مدرن: نوسازی دولت و تحول در اندیشه سیاسی معاصر شیعه*، تهران: نشر نی، 1384.

کلام سیاسی و ارتباط آن با رقابت‌های سیاسی ندارد. یا برخی کتاب‌هایی که بحث عرف‌گرایی و سکولاریسم و یا روشنفکری در ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند به برخی مسائلی پرداخته‌اند. دو کتاب دین‌شناسی معاصر از مجید محمدی^۱ و آسیب‌شناسی دین پژوهی معاصر از عبدالحسین خسروپناه^۲ نیز در این زمینه قابل توجه است. یا کتاب‌های جریان‌شناسی فرهنگی از خسروپناه و با همین عنوان از میر سلیم^۳ و جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها از خسروپناه^۴. نیز کتاب انتظار بشر از دین: بررسی دیدگاه‌ها در دین‌شناسی معاصر، از عبدالله نصری^۵، بازسازی اندیشه دینی در ایران (تحریر و تبیین جریان‌های مسلط) از فردین قریشی^۶ قابل ملاحظه است. کتاب‌های مربوط به جناح بندی‌های سیاسی در ایران و جمهوری اسلامی نیز مفید است. کتاب رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران اثر غلامرضا خواجه سروی^۷ از نزدیک‌ترین آثار به متغیر وابسته تحقیق است. اما هیچ اشاره‌ای به متغیر مستقل و کلام سیاسی ندارد. کتاب اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه در جمهوری اسلامی ایران اثر یوسف ترابی^۸ و منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران اثر امیر عظیمی دولت‌آبادی^۹ و چارچوب‌های قانونی رقابت سیاسی از منظر امام خمینی (س) تالیف مسعود فولادفر^{۱۰} نیز در زمینه عدم اجماع قابل توجه است. نیز رویکرد کتاب جامعه‌شناسی سیاسی ایران اثر محمود شفیعی^{۱۱} به تحقیق نزدیک است.

1. مجید محمدی، *دین‌شناسی معاصر*، تهران: نشر قطره، ۱۳۷۴.
2. عبدالحسین خسروپناه، *آسیب‌شناسی دین پژوهی معاصر: تحلیل دین‌شناسی شریعتی، بازرگان و سروش*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. سازمان انتشارات ۱۳۸۸.
3. مصطفی میرسلیم، *جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۰)*، مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز)، ۱۳۸۴.
4. عبدالحسین خسروپناه، *جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها: تبیین و تحلیل جریان‌های فرهنگی معارف با فرهنگ ناب محمد(ص) و علوی(ع)...*، تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۸۹.
5. عبدالله نصری، *انتظار بشر از دین: بررسی دیدگاه‌ها در دین‌شناسی معاصر*، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
6. فردین قریشی، *بازسازی اندیشه دینی در ایران (تحریر و تبیین جریان‌های مسلط)*، قصیده‌سرا، ۱۳۸۴.
7. غلامرضا خواجه سروی، *رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382.
8. یوسف ترابی، *اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه در جمهوری اسلامی ایران*، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
9. امیر عظیمی دولت‌آبادی، *منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
10. مسعود فولادفر، *چارچوب‌های قانونی رقابت سیاسی از منظر امام خمینی (س)*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.
11. محمود شفیعی، *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق، 1389.

اما نزدیک‌ترین کتاب‌ها به کلیت تحقیق کتاب اندیشه سیاسی در ایران بعد از انقلاب^۱ و کتاب تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران^۲ اثر یحیی فوزی و اسلام سیاسی در ایران اثر سید محمدعلی حسینی زاده است^۳ که تا حدودی به جوانب تحقیق موجود پرداخته است.

با این حال پژوهش حاضر نخستین پژوهشی است که به شکلی روشمند و بر پایه کلام سیاسی و رصد مناقشات کلام سیاسی به بررسی تأثیر آنها بر رقابت‌های سیاسی پرداخته است. در کتاب اندیشه سیاسی در ایران بعد از انقلاب و کتاب اسلام سیاسی در ایران اگر چه اشارات خوبی به مسائل کلامی شده است اما تمرکز بر کلام سیاسی ندارند.

4- جنبه نوآوری موضوع

از جنبه‌های نوآوری این رساله آن است که به بررسی چرایی و چگونگی تأثیرگذاری مناقشات مربوط به کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی در جمهوری اسلامی می‌پردازد. امری که تا کنون به این گستردگی و شمول بدان پرداخته نشده است. از دیگر جنبه‌های نوآوری جریان‌شناسی سیاسی دوره جمهوری اسلامی بر اساس مؤلفه‌های کلام سیاسی است. تلفیق مباحث کلام سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی جهت تبیین فضای سیاسی کشور و تبیین تطور و تحول نگاه جریان‌ات سیاسی نسبت به مؤلفه‌های کلام سیاسی در طول دوره‌های مختلف جمهوری اسلامی از دیگر نوآوری‌های رساله است.

5- اهداف تحقیق

ضرورت پاسخ‌گویی به مسائل و مشکلات جامعه اسلامی ایران از دریچه نگاه دینی و کلام سیاسی: جامعه ایرانی جامعه‌ای دینی و اسلامی است که اگر چه از جهت کلیت متغیرهای تأثیرگذار بر آن تفاوتی با سایر جوامع ندارد اما به جهت رنگ و نشان و بنیاد متغیرها متفاوت است. از این رو نمی‌توان تنها با بهره‌گیری از برخی فاکتورهای کلیشه‌ای مسائل ایران را واکاوی کرد گرچه آنها نیز در جای خود لازم است بر این اساس شاید ریشه بسیاری از مسائل در نگره‌های نظری و یا فرهنگ سیاسی عملی جامعه اسلامی باشد. بر این اساس به نظر می‌رسد بحث رقابت‌های سیاسی و تأثیری که مؤلفه‌های کلام سیاسی بر آن می‌گذارد از جمله این مسائل باشد.

مباحث مربوط به مؤلفه‌های کلام سیاسی امروزه یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین مباحث

1. یحیی فوزی، *اندیشه سیاسی در ایران بعد از انقلاب*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، 1388.

2. یحیی فوزی، *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*، تهران: عروج، 1384.

3. محمدعلی حسینی‌زاده، *اسلام سیاسی در ایران* دانشگاه علوم انسانی مفید. مؤسسه انتشارات ۱۳۸۶.

مطرح در جامعه اسلامی ایران است. هر چه زمان گذشته بر دامنه و هیمنه آن افزوده شده است. مناقشات مربوط به آن تأثیرات فراوانی بر کنش‌های سیاسی در جمهوری اسلامی گذاشته است. از این رو پرداختن به آن و آثار خاص سیاسی اش از موارد لازم در مطالعات سیاسی است. رقابت‌های سیاسی از زوایای گوناگونی مورد مطالعه قرار گرفته است اما کمتر از زاویه اندیشه سیاسی و به ویژه کلام سیاسی بررسی شده است. در حالی که به نظر می‌رسد مؤلفه‌های کلام سیاسی بتواند به خوبی رقابت‌های سیاسی در جمهوری اسلامی را توضیح دهد. در دوره 30 ساله نظام جمهوری اسلامی تلقی‌های مختلفی از مؤلفه‌های کلام سیاسی نزد رهبران نظام و احزاب و گروه‌های موافق و مخالف نظام وجود داشته است که بر رقابت‌های سیاسی و نابسامانی آن تأثیر گذاشته است. با نگاهی به دوره جمهوری اسلامی متوجه می‌شویم که استراتژی مشخصی بر ارکان تصمیم‌گیری حاکم نبوده است. یا اگر بوده از شفافیت برخوردار نبوده است و یا با محک تجربه آزموده نبوده است. در واقع نظام به صورت ممتدی دچار نوسانات و روزمرگی‌های ناشی از فقدان استراتژی‌های سیاستی مطالعه شده. هدفمند و کارآمد و قابل تطبیق با شرایط زمانی مختلف بوده است. از این رو شاهد چرخش‌ها و تحولات مختلف در رویکردهای مربوط به مؤلفه‌های کلام سیاسی در نظر و عمل و تصمیم و اجرا هستیم. مباحث و مناقشات مربوط به قانون‌گذاری در گذشته و مباحث مربوط به حجاب در زمان کنونی و تغییرات متعدد در آن از نمودهای این نوسانات است. به نظر می‌رسد که پس از 30 سال از عمر پر برکت نظام اسلامی در ایران امروزه می‌توان با برآورد همه تجربیات و بر پایه مبانی دینی به نقد رویکردهای عمده گذشته و در انداختن استراتژی مناسب برای نظام جمهوری اسلامی در کلام سیاسی و نسبت آن با رقابت‌های سیاسی پرداخت.

6- سؤالات تحقیق

6-1- سؤال اصلی

تأثیرات مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران و سازوکارهای لازم برای ایجاد قاعده‌مندی و مدیریت رقابت‌های سیاسی چیست؟

6-2- سؤالات فرعی

- ماهیت و جایگاه کلام سیاسی در هندسه دانش سیاسی اسلامی و دوره‌های رقابت سیاسی و محورهای آن در دوره‌های مختلف جمهوری اسلامی چیست؟
- زمینه‌ها و تأثیرات مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی در دوره تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران (68-57) چه بوده است؟
- زمینه‌ها و تأثیرات مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی در دوره تثبیت نظام

- جمهوری اسلامی ایران (68-57) چه بوده است؟
- زمینه‌ها و تأثیرات مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی در دوره سازندگی و اصلاحات (82-68) چه بوده است؟
- زمینه‌ها و تأثیرات مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی در دوره اصول‌گرایی (92-82) چه بوده است؟
- سازوکارها و راه‌حل‌های کاستن از مناقشات مربوط به کلام سیاسی و تأثیرگذاری آن بر رقابت‌های سیاسی در جمهوری اسلامی چیست؟

7- چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری مدلی است که در آن رابطه میان مناقشات کلامی سیاسی با رقابت‌های سیاسی توضیح داده شده است. در این زمینه با دخل و تصرف، از دیدگاه‌های توماس اسکینر و دیوید ساندرز به صورت تلفیقی و گزینشی نیز بهره برده شده است. در این مدل با استشهاد به هرمنوتیک قصد‌گرایی اسکینر و نظریات ساندرز درباره رقابت سیاسی همراه با ابداعات و دخل و تصرفاتی می‌توان مجموع رساله را پوشش داد.

به اعتقاد اسکینر به جای تکیه صرف بر خود متن و یا تکیه صرف بر زمینه‌های سیاسی اجتماعی شکل‌گیری متون، باید در یک تعامل چندجانبه میان متن و زمینه‌های زبان شناختی عام از جمله زمینه‌های فکری - فرهنگی و شرایط و زمینه‌های سیاسی اجتماعی به مطالعه و فهم تفکر سیاسی اندیشمندان بپردازیم. بنابراین بر اساس الگوی روشی اسکینر، متون متفکران هر دوره تاریخی به مثابه کنش گفتاری مقصود رسان آنها، زمانی برای ما به صدا درمی‌آیند که ما آن متون را به عنوان عمل ارتباطی قصد شده ایشان در فضای زبان شناختی گسترده اعم از بستر فکری فرهنگی و سنت‌های فکری حاکم قرار داده و آنها را با در نظر گرفتن زمینه‌های سیاسی اجتماعی که این متون بی توجه به سؤال و معضلات برخاسته از آن شرایط نبوده‌اند مورد مطالعه قرار بدهیم. لازمه این کار آن است که فضای فکری - فرهنگی و زمینه‌های سیاسی اجتماعی آن عصر را نیز برای فهم متون مذکور باز آفرینی نماییم.

اما ساندرز در بحث رقابت، رقابت سیاسی را در حیطه‌های تغییر رژیم، تغییر حکومت، تغییر جامعه، چالش‌های خشونت‌آمیز و چالش‌های مسالمت‌آمیز دانسته و برای هر یک شاخص‌هایی بر می‌شمارد. البته در بحث ما تغییر در جامعه نمی‌تواند مورد بحث باشد و بخصوص چالش‌های مسالمت‌آمیز و چالش‌های خشونت‌آمیز جایگاه جدی دارند.

8- فرضیه تحقیق

به علت ماهیت دینی جمهوری اسلامی و جناح‌های سیاسی مؤثر در آن، مؤلفه‌ها و

مناقشه های کلام سیاسی (مانند قلمرو سیاسی دین، انتظار سیاسی بشر از دین و...) متأثر از زمینه های ذهنی و عینی، بیشتر مواقع و به شکلی طیف گون در تکوین و صورت بندی جریانها و جناح های سیاسی - فکری جمهوری اسلامی نقشی موثر و قابل توجه داشته و با آن تقارن و تقارب به صورت مستقیم یا غیر مستقیم حداکثری و یا حداقلی یافته است. همچنین افزوده شدن مناقشات کلام سیاسی موجب بی قاعده گی در رقابت های سیاسی و کاسته شدن آن موجب کاهش بی قاعده گی و چالش در رقابت های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران شده است. راه حل نیز پردازش و شفاف سازی نگرش جریانات سیاسی - فکری به مؤلفه های کلام سیاسی، اجماع سازی بر اساس کلام سیاسی اعتدالی و انفکاک در سطح کلان نظام، به منظور مدیریت رقابت حداکثری است.

توضیح: رویکرد انفکاک یا تفکیکی بدین معناست که می باید میان دین و شریعت تفکیک قائل شد. دین شامل اخلاق، عقاید و احکام است. اما شریعت عمدتاً دربر دارنده حوزه احکام است. بر این اساس دین در همه حوزه ها ورود دارد. اما شریعت در برخی حوزه ها ورود می کند و در برخی حوزه ها ورودی پیدا نمی کند. اما در حوزه های سیاسی ای که ورود می یابد در برخی عرصه ها حداقلی و در برخی حوزه ها حداکثری است. در برخی ساحتها پاسخ گوی کلیات است. در برخی نیز علاوه بر کلیات پاسخ گوی جزئیات یا برخی جزئیات نیز می باشد. بنابراین می باید میان عرصه ها تفکیک قائل شد. هم چنین در سطوح مدیریتی نیز تمایز وجود دارد که با توجه به این تمایز میزان حضور شریعت نیز از حداکثری تا حداقلی متمایز می تواند باشد. ضمن آن که در حوزه های حداکثری دو حالت اولیه یا بالاصاله و ثانویه یا بالعرض وجود دارد. بدین معنا که اگر در مواردی که دین حضور خود را برای هدایتگری که غرض دین است بالاصاله حداکثری می داند چنانچه در عمل نتواند به هدایت بینجامد و یا موجب دوری از دین و هدایت دینی گردد. براساس اصل قرآنی و کلامی هدایت و قاعده قرآنی «لا یكلف الله نفساً الا وسعها» می تواند از حداکثری به حداقلی تبدیل گردد.

9- پیش فرض های تحقیق

- 1- رقابت های سیاسی برخاسته از عوامل متعدد به ویژه بازی گری های عرصه قدرت است اما به جز برخی عوامل سیاسی قدرت، ریشه در باورها و تلقی های فکری جریانها دارد.
- 2- عوامل ذهنی و عینی بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند.
- 3- عوامل تأثیر گذار بر کنش سیاسی بازی گران رقابت ساسی در هم تنیده گی و پیوستگی و هم زمانی پیچیده ای دارند که امکان جداسازی را ممتنع می سازد اما شفاف سازی نشانه های آن عوامل امکان پذیر است.
- 4- ذات مناقشات کلام سیاسی و رقابت های سیاسی فاقد بار منفی است.

5- طرح افراد یا گروه ها به جهت عمق فکری و یا درستی دیدگاه آنان نیست بلکه تنها به جهت تاثیری است که بر عرصه کنش گری سیاسی داشته اند.

10- روش انجام تحقیق

نوع روش پژوهش: توصیفی O همبستگی O تجربی O تاریخی O علی □
روش گرد آوری اطلاعات: میدانی O کتابخانه ای ■ موارد دیگر ذکر شود.
ابزار گرد آوری اطلاعات: پرسشنامه ای O مصاحبه O مشاهده O فیش ■ موارد دیگر ذکر شود.

جامعه آماری و تعداد نمونه ها و روش نمونه گیری (در صورت نیاز):
روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: توصیفی تحلیلی

11- سازمان دهی تحقیق

تحقیق در شش فصل و یک نتیجه گیری سامان یافته است. فصل نخست به کلیات می پردازد. در این فصل ابتدا مفاهیم مؤثر در تحقیق و سپس چارچوب نظری آن تبیین شده است. فصول دوم تا پنجم چهار دوره تأسیس، تثبیت، سازندگی و اصلاحات و اصول گرایي را به ترتیب زمانی مورد بحث و بررسی قرار داده است و دارای جمع بندی در پایان فصل می باشند. ذیل هر یک از این فصول چهارگانه (2 تا 5) سه محور مورد پژوهش است. محور نخست زمینه های ذهنی و عینی تأثیرگذار بر مناقشات کلامی سیاسی و رقابت های سیاسی است. محور دوم صورت بندی مناقشات کلامی سیاسی است که گفتمان های کلان را می کاود. محور سوم تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر صورت بندی رقابت های سیاسی است که در همه دوره ها این سه محور مشترک است. فصل ششم به ارائه راه کارهایی جهت مدیریت بهتر تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر رقابت های سیاسی پرداخته است که در دو محور راهکار نظری که در بر گیرنده کلام سیاسی اعتدالی است و راهکار عملی ارائه گردیده است. در نتیجه گیری مروری بر فصول گذشته، ارزیابی فرضیه تحقیق، بررسی تطور جناح ها در مناقشات کلامی سیاسی و تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر رقابت های سیاسی لحاظ گردیده است. منابع و مأخذ نیز در انتهای تحقیق ضمیمه گردیده است.

فصل اول:

کلیات

گفتار اول: مفاهیم

1- تاثیر:

تاثیر مصدر باب تفعیل است. تاثیرگزار به معنای ذی نفوذ و صاحب نقش در روند فعل و انفعال وقایع و مسایل است که غالباً با بار مثبت مؤثریت همراه است. این واژه با اثر هم معنا است. در لغت نامه دهخدا نشان، جای پای، نشان قدم؛ قطع الله اثره؛ ببرد خدا نشان قدم او را؛ نشانه باقیمانده از شی، بقیه چیزی، کارساز، نتیجه داشتن، پیرو. تابع، کارگر شدن، نشانه نهادن، و علامت گذاشتن آمده است.¹ در فرهنگ عمید نیز نشان، علامت، جای پا، نشان قدم، و باقی مانده آمده است.² این کلمه با واژه هنایش و هناییدن نیز مترادف است.³ البته برخی هنایش را به معنای تاثیر سریع دانسته اند.⁴ تأثر نیز به معنای اثر پذیری، احساس، انفعال است.

در عربی همان معانی پیش گفته را می رساند. المحيط فی اللغة اثر را باقی مانده قابل مشاهده هر چیزی انگاشته؛⁵ مفردات، آن را حصول ما یدل علی وجوده تعبیر کرده است که جمعش نیز آثار است.⁶ در قرآن نیز آثار کاربرد داشته است و آیاتی در بردارنده این لفظ بدین معنا وجود دارد. مانند *ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا (حدید/ 27)*، و *وَأَنزَلْنَا فِي الْأَرْضِ (غافر/ 21)*، و *فَأَنْظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ (روم/ 50)*. دیگر فرهنگ لغات عرب نیز بر همین نظرند.⁷

در انگلیسی واژه influence هم معنای تاثیر است که نفوذ، تاثیر، اعتبار، برتری، تفوق، توانائی، تجلی نفوذ کردن بر، تحت نفوذ خود قرار دادن، تاثیر کردن بر، وادار کردن، ترغیب

¹ علی اکبر دهخدا، *لغتنامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران، سازمان لغت نامه، شرکت افست، 1325، ص 1005-1003.

² حسن عمید، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: امیر کبیر، چاپ هجدهم، 1379، ص 116.

³ حسن عمید، همان، ص 1269.

⁴ شنبه 1 آذر 1393 <http://new-word.mihanblog.com>

⁵ صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، 10 جلد، بیروت - لبنان، عالم الکتب، چ اول، 1414 هـ ق، ج 10، ص: 166.

⁶ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، در یک جلد، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه، اول، 1412 هـ ق، ص: 62.

⁷ ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، 15 جلد، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت - لبنان، سوم، 1414 هـ ق؛ ج 4، ص: 5؛ واسطی زبیدی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، *تاج*

العروس من جواهر القاموس، 20 جلد، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان، اول، 1414 هـ ق ج 6، ص:

6؛ حسن مصطفوی، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، 14 جلد، مرکز الکتب لترجمة و النشر، تهران - ایران، اول، 1402 هـ ق؛ ج 1، ص: 31.

کردن را می رساند.^۱

بر این پایه تاثیر را به معنای نشانه و علامت گرفته و تحقیق را بر این اساس پی می ریزیم. البته در علوم و مفاهیم انسانی به طور کلی تاثیر، حالت مقارنه ای دارد و انحصارا وضعیت علی و معلولی ندارد. در لغت، مقارنه به معنای به هم نزدیک شدن، به هم پیوستن و با هم همراه شدن است. ۲ بر این اساس در تاثیر گذاری مناقشات بر رقابت ها اصولا شاهد مقارنه مناقشات با رقابت ها هستیم. در تحقیق نیز منظور از تاثیر، مقارنه و تقارن و تقارب است. اما به صورت جزئی تر آن را به مستقیم و غیر مستقیم و تاثیر گذاری غیر مستقیم را به حداکثری و حداقلی تقسیم می نماییم. اما تذکر این نکته نیز لازم است که چون روش تحقیق کیفی است تا حدودی مطابق با سلیقه و دیدگاه نیز خواهد بود گرچه با این تقسیم بندی در جهت مهار آن حرکت می کنیم.

تاثیر گذاری و تاثیر پذیری حالتی مشکک و دارای مراتب است. بر همین مبنا به دو شکل مستقیم، و غیر مستقیم می تواند باشد. تاثیر مستقیم تاثیری است که در آن اثر گذاری و اثر پذیری بدون واسطه است و میزان کمی و کیفی تاثیر گذاری و تاثیر پذیری بسیار بالا است و تاثیر عامل تاثیر گذار بدون تغییر و یا با کم ترین تغییر بر تاثیر پذیرنده عمل می کند. تاثیر گذاری مستقیم می تواند حداکثری به معنای حداکثر تقارب و تقارن مستقیم یا حداقلی به معنای حداقل تقارب و تقارن مستقیم باشد.

اما تاثیر غیر مستقیم تاثیری است که اثر گذاری و اثر پذیری با واسطه صورت می گیرد؛ وسعت میدان تاثیر گذاری بسیار است و همین از کمیت و کیفیت میزان اثر کم کرده و مفاهیم، متعدد و گوناگون می شوند؛ عوامل و متغیر های گوناگون به شکلی متداخل حضور پیدا کرده و نفوذ را کاهش می دهند. تاثیر گذاری غیر مستقیم را نیز می توان به دو شکل تاثیر غیر مستقیم حداکثری که دربر دارنده حداکثر تقارب و تقارن غیر مستقیم میان تاثیر گذار و تاثیر پذیر است و تاثیر غیر مستقیم حداقلی که حاوی حداقل و یا میزان کم تری از تقارب و تقارن غیر مستقیم میان تاثیر گذار و تاثیر پذیر است تقسیم بندی نمود.

2- کلام سیاسی

متغیر مستقل پژوهش مناقشات کلام سیاسی است. این مناقشات عمدتا حول اصول، مسائل و قواعد کلام سیاسی می چرخد. از این رو پرداختن به کلام سیاسی که دیدگاه های گوناگون اما پر ابهامی پیرامون آن است ضرور است.

^۱ علی محمد حق شناس و دیگران، فرهنگ معاصر هزاره، تهران، فرهنگ معاصر، چاپ هفدهم، در یک جلد، 1389. ص 823.

^۲ حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، 1379، ص 1146.

پیرامون تکوین کلام سیاسی دیدگاه‌های مدوّن یکپارچه‌ای وجود ندارد. اما می‌توان گفت که تکوینی تدریجی و طبیعی داشته است. کلام سیاسی را به طور اساسی می‌توان مرحله نخست اما غیر مدون و منظم از تکوین دانش کلام به شمار آورد که به صورت گام به گام از عینیت پرسش‌ها و چالش‌های زمان خود برخاسته و سپس توسط اندیشوران و محافل دانش ساختار و قواعد یافته است. در دوران اولیه مسائل کلامی ارتباطی اساسی با واقعیت عینی ملموس که چالش‌های سیاسی بر آمده از موقعیت‌های خاص جامعه و روابط سیاسی حاصل از آن است دارد و عمده مسائل کلامی از درون مایه و ساختار سیاسی برخوردار است. بر همین اساس است که برخی اندیشه‌گران بر آنند که اساساً 60 سال نخستین اندیشه اسلامی مرحله کلام سیاسی است و بدین معنا که در این دوره کمتر مسأله کلام اسلامی است که برخاسته از یک مسأله اجتماعی و سیاسی نباشد.¹

به طور نمونه بر خلاف نظر کسانی که اولین مسأله کلام سیاسی را امامت دانسته‌اند، نحوه خوانش از نبوت به نظر می‌رسد اساسی‌ترین مسأله کلام سیاسی صدر اسلام است. در این زمان به نظر می‌رسد دیدگاه کسانی که حجیت پیامبر و عصمت ناشی از آن را تنها در اخذ وحی می‌پذیرند در مقابل کسانی قرار می‌گیرد که حجیت پیامبر را در کلیت مدیریت سیاسی اجتماعی او نیز جاری و ساری می‌دارند. از این رو است که این دو نگرش پس از رحلت رسول اکرم (ص) آرایش سیاسی جامعه را رقم می‌زند

چنانچه برخی اندیشوران بر این مسأله تأکید کرده‌اند و دو اتفاق را موجب سستی در کلام و کلام سیاسی دانسته‌اند. یکی انفصال اندیشه‌های کلامی از بستر عینی و واقعی و دیگر انشقاق و انفصال دانش‌های اسلامی از همدیگر.² این دو مسأله با هر علتی بوده باشد موجب انفصال میان ذهن و عین در حیطه کلام و انتزاعی شدن دانش کلام و دور شدن آن از متن زندگی اجتماعی - سیاسی مردم گردید. از سوی دیگر حیطه بندی دانش‌های اسلامی موجب از میان رفتن ارتباط نزدیک آنها گردید به گونه‌ای که فقه و اخلاق را از کلام جدا نمود و به ویژه با فرایند هژمونیک فقهی کلام در سیطره فقه قرار گرفت. از سوی دیگر، خصوصیت اجتماعی سیاسی کلام را در هیچ یک از دانش‌های دیگر اسلامی بدین پیرنگی نمی‌توان یافت. آن نیز ذات درگیرانه و اجتماعی دانش کلام به ویژه در مورد مسائل درگیر با متن واقعی و عینی جامعه است.

از این رو است که اگر در چنین صورتی گفته شود کلام به جز منطقی فکری منطبق مواجهه و مفاهمه اجتماعی نیز هست بی راه گفته نشده است. زیرا کلام جز در محیط مواجهه و رقابت فکری و گفتگوی مؤثر فکری - اجتماعی امکان رشد و بالندگی و رونق و شکوفایی

1. محمدتقی سبحانی. کلام شیعی، ماهیت، تحولات و چالش‌ها. اخبار شیعیان. 1387 شماره: 38.

2. محمدتقی سبحانی. همان.

نمی یابد.

2-1. تعریف کلام سیاسی و موضوع آن

تعریف کلام سیاسی مبتنی بر تعریف دانش کلام است. دانش کلام نیز خود بر دو قسم کلام سنتی و کلام جدید است.

تعریف کلام: تعریف عالمان علم کلام بسته به آن که از کدام زاویه و نیز در کدام بستر تاریخی بدان نگریسته اند متفاوت است. دسته بندی‌هایی چون تعاریف غایی و موضوعی. تک وظیفگی و چند وظیفگی. عقلی و عقلی و نقلی. ابزاری و معرفت زایی از جمله این نگرش‌هاست که با دقت در این اختلاف تعبیر سیر تاریخی آن روشن می‌شود.

فارابی با تاکید بر هویت ابزاری علم کلام آن را صنعتی دانسته است که انسان به وسیله آن می‌تواند به اثبات آرا و افعال معینی بپردازد که واضع ملت به آنها تصریح کرده است، و نیز به وسیله آن می‌تواند دیدگاه‌های مخالف آرا و افعال یاد شده را باطل نماید^۱. شیخ صدوق (381 ق) نیز همانند فارابی کلام را علمی ابزاری و شامل کلام عقلی و نقلی می‌داند که می‌تواند با آن عقاید مخالفان را به وسیله کلام خداوند متعال و سنت معصومان یا تنها با تحلیل آن آرا، رد و ابطال کرد^۲. شیخ مفید (413 ق) تعریفی نزدیک به تعریف صدوق دارد و آن این است که «کلام دانشی است که از طریق استدلال، برهان و جدل به طرد باطل می‌پردازد»^۳. علم کلام در نگاه عضالدین ایجی علمی است که به واسطه آن انسان توانایی اقامه استدلال و دفع شبهات بر اثبات عقاید دینی را می‌یابد^۴.

از نظر شیخ طوسی (460 ق) «کلام دانشی است که در آن از ذات خداوند متعال و صفاتش و مبدأ و معاد بر اساس قانون شرع بحث می‌شود»^۵. قطب‌الدین شیرازی (711 ق) معتقد است: هر آنچه از معارف دینی را که با دلایل عقلی بتوان اثبات کرد، اعم از اینکه با نقل نیز قابل اثبات باشد یا نه، آن را علم اصول دین گویند^۶.

تعریف عبد الرزاق لاهیجی (1072 ق) در کتاب شوارق الالهام آن است که: «لام

1. فارابی، *احصاء العلوم*، تقدیم الدكتور علی بوملحم، بیروت، دار و مکتبه الهلال 1996 م. ص 8.

2. شیخ صدوق، *اعتقادات*، ترجمه سید محمد علی حسنی، تهران: انتشارات رضوی، 1371 ش. ص 45، نیز ر. ک:

مکدموت، *اندیشه‌های کلامی شیخ مفید*، ترجمه احمد آرام، انتشارات دانشگاه تهران: 1372 ش. ص 9.

3. ر. ک: مکدموت، *اندیشه‌های کلامی شیخ مفید*، ص 10.

4. عضالدین ایجی، *المواقف*، مکتبه المتنبی، [۱۳]، ص 7.

5. *شرح العبارات المصطلحه عند المتکلمین*. تحقیق محمد تقی دانش پژوه، مشهد، الذکری الالفیه للشیخ المفید، 1351 ش. ج 2، ص 237.

6. قطب الدین شیرازی، *دره التاج*. تصحیح سید محمد مشکوه، تهران: انتشارات حکمت، 1369 ش 86/1-85.

صناعت نظری است که به واسطه آن می توان عقاید دینی را اثبات نمود.^۱ در میان معاصران شهید مطهری از زمره کسانی است که به تعریف علم کلام دست زده است. وی در تعریف علم کلام گفته است: «علم کلام علمی است که درباره عقاید اسلامی، یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت، بحث می کند؛ به این نحو که آنها را توضیح می دهد و درباره آنها استدلال می کند و از آنها دفاع می نماید».^۲

جعفر سبحانی از متکلمان بزرگ معاصر نیز علم کلام را علم دفاع از عقاید دینی معرفی می کند.^۳ صادق لاریجانی تعریف علم کلام به علمی که دفاع عقلانی از اعتقادات دینی را متکفل است، دور از واقعیت نمی داند. مقصود وی از «عقلانی» معنایی موسع است بطوری که استناد به نقل را نیز، در صورتی که اصل استناد توسط عقل، تصحیح و توجیه شده باشد، را نیز شامل می شود. مقصود از «دفاع» نیز امری است اعم از «اثبات»، «تقویت» و «توجیه» و اعم از «تبیین» و «تفسیر» مفاهیم دینی.^۴ از نظر ملکیان «علم کلام علمی است که در آن کوشش روشمندان ای می شود، برای این که گزاره های موجود در متون مقدس یک دین و مذهب خاص و نیز پیش فرض ها و لوازم منطقی آن گزاره ها ارائه منظومه وار، تفسیر و توجیه شود».^۵ بر این اساس کلام هم ابزاری مهارتی و هم دانشی نظری و معرفتی همانند منطق خواهد بود. از سوی دیگر نگرش دفاعی و نه معرفت زایانه به علم کلام موجب آن می شود که هم گزاره های ناظر به هستی و هم گزاره های ارزشی را در حیطه دانش کلام برشماریم. بدین ترتیب از دیدگاه پژوهش علم کلام را این گونه می توان تعریف نمود: فهم. تبیین. اثبات. تنسیق. تنظیم (به نظام در آوردن) تصحیح. توجیه. کارآمدسازی و دفاع از آموزه های اعتقادی و ایمانی و نظام های دینی که با روش های گوناگون عقلی و نقلی و با دغدغه دینی صورت می گیرد علم کلام نامیده می شود.

تعریف کلام جدید: خاستگاه کلام جدید دگرگونی های معرفتی برساخته تحول در ابعاد زندگی بشری است که موجب طرح پرسش ها و مسائل جدید در حوزه الهیات و کلام در دوره معاصر شده است. عنوان «کلام جدید» در سخنرانی سرسید احمد خان^۶ شبلی نعمانی

1. ر. ک: لاهیجی، *سوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام*، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)، ۱۳۸۷ = ۴۳۰۰ اق، ص 5.
2. مطهری. *آشنایی با علوم اسلامی*، بخش کلام، درس اول. قم: انتشارات صدرا، بی تا، ص 30.
3. جعفر سبحانی .. *مدخل مسائل جدید در علم کلام*. قم. مؤسسه الامام الصادق (ع)، 1375، ص 5.
4. صادق لاریجانی، در اقتراح مجله نقد و نظر درباره «کلام در روزگار ما». فصلنامه نقد و نظر، 1375، شماره 9، زمستان ۱۳۷۵ 10 تا 36.
5. مصطفی ملکیان در اقتراح مجله نقد و نظر درباره «کلام در روزگار ما». فصلنامه نقد و نظر، 1375، شماره 9، زمستان ۱۳۷۵ ص 36-10.
6. میان محمد شریف، *تاریخ فلسفه در اسلام*، نصرالله پورجوادی، مرکز نشر دانشگاهی، 1370، ص 201 و 202.

(1273-1332ق)^۱ و استاد مطهری (1298-1358ش) آمده است که با به کار گیری این واژه بر تحول کلام و ضرورت پرداختن به آن و تأسیس نظام کلامی جدید تأکید کرد که همین در بسط آن تأثیر مهمی داشت.

درباره هویت و ماهیت کلام جدید در مجموع دو تلقی یا کلان نظریه را می توان در میان اصحاب دانش کلام رصد نمود. گروهی آن را علمی متمایز و جدید انگاشته و بر تغییر ماهوی آن تأکید کرده و تجدد را در ناحیه ذاتیات کلام مفروض گرفته اند. پاره‌ای دیگر که در اکثریت به سر برده و موضع غالب صاحبان کلام در حوزه‌های علمیه است بر آنند که به هیچ روی پسوند جدید نشانگر تولد علمی جدید و تغییر کلی ساختار کلام نیست. بلکه تجدد در ناحیه عوارض این علم است.

نکته قابل توجه در این اختلاف مبنا نوع نگرش به وضعیت کلام در دوران نوین است. در واقع یکی از محورهای مهم اختلاف، تغییر پارادایم دین شناسی از خدا به انسان و جهت گیری بردارها به سوی انسان است که پذیرش یا عدم پذیرش تلقی انسان گروهی به جای خدا گروهی یا خدا محوری به دانش کلام در زیست جهان جدید را رقم زده است. تلقی نخست این شیفت پارادایمی را می پذیرد اما تلقی دوم به نوعی هم چنان در مقابل آن مقاومت می کند.

عدم تمایز میان مقام تعریف و تحقق^۲، تمایز میان مقام تعریف و تحقق^۳ و انکار تجدد علم کلام در اثر نفی هویت واحد برای علم کلام^۴ سه تقریر نظریه نخست است. تجدد در دلایل و شبهات جدید^۵، تجدد در مسائل^۶، تفاوت در روش^۷، تجدد در مسائل و روش‌ها^۸، تجدد در مسائل و روش‌ها و مبادی^۹، تجدد عالمان^{۱۰} و تجدد در موضوع^{۱۱} از مهم‌ترین تقریرهای نظریه دوم است.

1. شبلی نعمانی. *تاریخ علم کلام*، برگردان: محمدتقی فخر داعی، تهران. اساطیر. ص: 7.

2. ر.ک: مجتهد شبستری، محمد؛ *هرمنوتیک، کتاب و سنت*، تهران، طرح نو، چاپ ششم، ۱۳۸۴، ص ۱۸۸.

3. خسروپناه، عبدالحسین؛ پیشین، ص 15. احد فرامرز قراملکی، *هندسه معرفتی کلام جدید*، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، 1378، ص 119-120.

4. احمد واعظی، *ماهیت علم کلام جدید*. مجله نقد و نظر. سال سوم. ش اول. 1375: 97 - 100.

5. مطهری، مرتضی؛ *پیرامون جمهوری اسلامی*، تهران، صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، ص ۳۸.

6. صادق لاریجانی، *تأملی در «کلام جدید»*، مجله اندیشه حوزه، سال دوم، شماره پنجم، 1375، ص 50.

7. خرمشاهی، *کلام جدید در گذر اندیشه ها*. 1375، ص 219 - 223.

8. سبحانی، جعفر؛ *مدخل مسائل جدید در علم کلام*، قم، موسسه امام صادق، چاپ دوم، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۷-۹.

9. اوجیبی، علی؛ *کلام جدید*، مبانی و آموزه‌ها. تهران: اساطیر، ۱۳۸۷، صص ۵۶-۵۷.

10. جوادی آملی، عبدالله؛ قیسات، *مقاله علم کلام {تعریف، وظیفه، قلمرو}*، سال اول، شماره دوم، سال ۱۳۷۵، ص ۶۳.

11. ملکیان، مصطفی؛ *اقتراح درباره دفاع عقلانی از دین*، مجله نقد و نظر، سال اول، شماره دوم، سال ۱۳۷۴، صص ۳۵ - ۳۶.

کلام سیاسی: از آنجا که کلام سیاسی حوزه‌ای تازه پا گرفته است هنوز غور و پژوهش بایسته آن صورت نگرفته است. از این رو تعاریف متعدد و متکثری نیز در میان نیست. اما تعریف‌های صورت گرفته را بدین شکل می‌توان احصا نمود:

1. غلامرضا بهروزی لک: کلام سیاسی، شاخه‌ای از علم کلام است که به تبیین و توضیح آموزه‌های ایمانی و دیدگاه‌های دین در باب مسائل و امور سیاسی پرداخته، از آن‌ها در برابر دیدگاه‌ها و آموزه‌های رقیب دفاع کند.¹

مقرر این تعریف بر آن است که در این تعریف، کوشیده شده است سه ویژگی موجود در تعریف علم کلام ملحوظ شود: ارتباط با عقاید ایمانی، ویژگی تبیینی و توضیحی کلام، و ویژگی دفاعی آن. موضوع کلام سیاسی را نیز می‌توان «اصول و عقاید سیاسی دینی» دانست. چنین موضوعی با موضوع برگزیده علم کلام متناظر است که در آن «اصول و عقاید دینی» محوریت دارند. وجه جامع بودن این موضوع به شمول آن بر آموزه‌های سیاسی دینی بر می‌گردد که با اصول اعتقادی مرتبط است و وجه مانعیت آن در خارج شدن مباحث فقه سیاسی است که به فروع دین برمی‌گردد و بیش‌تر به تکالیف جزئی در عرصه سیاسی مربوط می‌شود. مقصود از عقاید دینی در اینجا، نگرش کلان دین به امور گوناگون است.

2. عبدالحسین خسروپناه «کلام سیاسی» را چنین تعریف کرده است: «آموزه‌های سیاسی است که از وحی الهی سرچشمه می‌گیرد. به عبارت دیگر، اگر پرسش‌های مربوط به فلسفه سیاسی، که با روش انتزاعی و عقلی پاسخ داده می‌شوند، از طریق وحی الهی و متون دینی پاسخ داده شوند، کلام سیاسی تحقق می‌یابد».² ظاهر این تعریف چنانچه برخی گفته‌اند صرفاً شامل کلام سیاسی نقلی می‌شود و تلاش‌های صورت گرفته از جانب متکلمان شیعی را در توضیح و تبیین عقلی آموزه‌های سیاسی دینی دربر نمی‌گیرد.

3. همین نویسنده در جای دیگری می‌نویسد: «کلام سیاسی به معنای آموزش‌های سیاسی برگرفته از کتاب و سنت، برای هر انسان آگاه به دین اسلام غیر قابل انکار است.»³ این تعریف نیز، که گویا به تعریف نخست اشاره دارد، مانع نیست و فقه سیاسی را نیز در برمی‌گیرد. این امر بدان جهت است که فقه سیاسی عمدتاً بر اساس ادله نقلی، به توضیح تکالیف سیاسی مکلفان می‌پردازد. البته در این ویژگی، کلام سیاسی نقلی نیز چنان که گذشت با فقه سیاسی مشترک است. تمایز فقه سیاسی و کلام سیاسی نقلی به موضوع و غایت این دو برمی‌گردد. در حالی که فقه سیاسی دغدغه کشف و اثبات حکم تکلیفی را بر عهده دارد، کلام سیاسی نقلی عمدتاً به اثبات نقلی دیدگاه‌های کلان دین و شارع درباره مسائل سیاسی می‌پردازد.

1. غلامرضا بهروز لک، چپستی کلام سیاسی، فصلنامه قیسات، تابستان 1382، شماره 28، ص 79-105.
2. عبدالحسین خسروپناه، انتظارات بشر از دین. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، 1382. ص 504.
3. همان، ص 509.

4. در جهان مسیحیت نیز تعاریفی از «الهیات سیاسی» صورت گرفته که با کلام سیاسی، که خاص تفکر اسلامی است، متناظر هستند. برای نمونه، می توان به تعریف اشتراوس اشاره کرد. مترجم متن اشتراوس در برابر واژه لاتین «Political Theology» از واژه «کلام سیاسی» استفاده نموده و در نتیجه، تعریف اشتراوس را چنین ترجمه کرده است. «آنچه ما از کلام سیاسی می فهمیم، تعلیمات سیاسی است که از وحی الهی ناشی می شود».¹ به هر حال، اشتراوس نیز در تعریف خود، بر نشأت گیری آموزه های الهیات سیاسی از وحی اشاره کرده است. البته چنان که در تعریف خسروپناه نیز بدان اشاره شد چنین تعریفی را اگر بخواهیم در سنت اسلامی مد نظر قرار دهیم، فقه سیاسی را نیز در بر می گیرد. تعریف مزبور می تواند در نهایت، کلام سیاسی نقلی را در بر بگیرد، اما مباحث کلام سیاسی عقلی از آن خارج خواهند ماند از این رو، این تعریف جامع و مانع نمی باشد.

5. تعریف دیگر از غلام رضابهرز لک بر آن است که «کلام سیاسی شاخه ای از علم کلام است که به توضیح و تبیین آموزه های ایمانی و دیدگاه های کلان دین در باب مسائل و امور سیاسی می پردازد و از آنها در قبال دیدگاه ها و آموزه های رقیب دفاع می نماید».² در این تعریف، سعی شده است سه ویژگی علم کلام ملحوظ شوند: ارتباط با عقاید ایمانی، ویژگی تبیینی و توضیحی کلام و ویژگی دفاعی آن. موضوع کلام سیاسی را نیز می توان «عقاید سیاسی دینی» دانست. چنین موضوعی متناظر با موضوع برگزیده علم کلام است که در آن «عقاید دینی» محوریت دارند. وجه جامع بودن این موضوع به شمول آن بر آموزه های سیاسی دینی برمی گردد که مرتبط با اصول اعتقادی می باشد. وجه مانعیت آن هم در خارج شدن مباحث فقه سیاسی است که به فروع دین برمی گردد و بیشتر به تکالیف جزئی در عرصه سیاسی مربوط می شود. مراد از «عقاید دینی» در اینجا، نگرش کلان دین به امور گوناگون می باشد. از این حیث، عقاید دینی صرفاً اصول اعتقادی دینی را در بر نمی گیرند، بلکه هر دیدگاه کلانی را که به نگرش دین به امور دنیوی و اخروی و امور انسانی تعلق دارد، شامل می شود. به دلیل تکثر روشی علم کلام، که متناسب با شرایط و موقعیت های گوناگون، از روش های متنوعی در علم کلام بهره گرفته می شود، کلام سیاسی نقل و عقلی، هر دو در این تعریف جای می گیرند.

6. تعریف مختار بر اساس تعریفی است که از علم کلام و نحوه تجدد در آن ارائه می شود. علم کلام دارای تعاریف مختلف است که در قالب دو نظریه دفاعی یا معرفت زایی تبیین می شود. در نظریه دفاعی دو دیدگاه به چشم می آید. دیدگاه نخست آن را صناعت به معنای

1. لئو اشتراوس، *فلسفه سیاسی چیست؟*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1373، ص 6.
2. غلامرضا بهروز لک، *روش شناسی کلام سیاسی*، مجله علوم سیاسی، زمستان 1383 - شماره 28، ص 241 تا 276.

مهارت عملی و نه دانشی نظری می‌شناسد که انسان متدین را بر دفاع از باورهای دینی تجهیز می‌کند. اما گروه دیگری که امروزه اکثریت قاطعی را تشکیل می‌دهند علم کلام را عاری و خالی از هویت علمی و معرفتی نمی‌انگارند.

در مثال ابن ابی جمهور احسائی را می‌توان نام برد که کلام را صناعت علمی دانسته است.¹ بر این اساس کلام هم ابزاری مهارتی و هم دانشی نظری و معرفتی همانند منطق خواهد بود. از سوی دیگر نگرش دفاعی و نه معرفت‌زایانه به علم کلام موجب آن می‌شود که هم گزاره‌های ناظر به هستی و هم گزاره‌های ارزشی را در حیطه دانش کلام برشماریم. در چنین صورتی وظیفه متکلم و ساحت دانش کلام محدود به اصول دین یا جهان‌بینی نمی‌شود و شامل دفاع از فروع دین نیز می‌شود. اگر چه فروع دین در حوزه فقیه است اما تفاوت ورود فقیه و متکلم در این است که فقیه در پی به دست آوردن مدرک حکم و بیان احکام خمس آن است. اما متکلم در پی یافتن حکمت حکم و دفاع از آن است.

سوی دیگر، تعریف از کلام جدید است که همبستگی زیادی با کلام سیاسی دارد. دربارهٔ هویت و ماهیت کلام جدید در مجموع دو تلقی یا کلان نظریه را می‌توان در میان اصحاب دانش کلام رصد نمود. این دو کلان نظریه در پاسخ به این پرسش که کلام جدید رابطهٔ این همانی با کلام سنتی یا قدیم دارد و یا علمی متمایز و جدید است رویکردی متفاوت در پیش گرفته‌اند. بر این اساس می‌توان از دو کلان نظریه یکسان‌انگاری هویتی و کلان نظریهٔ دو انگاری هویتی کلام جدید و کلام سنتی نام برد که رقیب و بدیل یکدیگر به شمار می‌آیند و هر یک تقریرهایی دارند. کلان نظریه دو انگاری هویتی دارای سه تقریر است. کلان نظریه یکسان‌انگاری هویتی نیز نزدیک ده تقریر دارد.

نظر برگزیده تحقیق میان مقام تعریف و تحقق تمایز قائل شده و معتقد است که در مقام تعریف، مسائل، روش و موضوع و مبانی - با حفظ اصول گذشته - تحول یافته است. اما در مقام تحقق، کلام از نظام‌های هندسی مختلفی تشکیل شده است که بسیاری از آن‌ها هیچ سنخیتی با یکدیگر و با کلام قدیم ندارند. با این توضیح که پایگاه معرفتی در نگرش به نسبت کلام و تجدد تعیین‌کننده است. اگر دیدگاهی معتقد به نسبت همه پدیده‌ها و عدم امکان تطابق نفس الامری مسائل با واقعیت باشد و دست یافتن به یقین و حقیقت را مشخصه دوران قدیم بینگارد طبیعتاً این چرخش را تغییر ماهیت می‌داند. اما اگر چنین اعتقادی نباشد به تغییر ماهیت نیز اعتقادی نخواهد بود. تحقیق بر آن است که به لحاظ معرفتی عدم امکان تطابق نفس الامری مسائل با واقعیت و نسبت تام قابل پذیرش نیست. اما نگرش‌های جدید اضلاع هندسه معرفتی کلام را در مقام تعریف متکامل ساخته است. در مقام تحقق نیز اگرچه پارادایم سنتی دچار چالش جدی شده است. اما در جهان اسلام هنوز پارادایم جدید شکل منسجمی

1. احسائی، «التحفة الکلامیه»، نشریه تخصصی کلام، سال دوم، شماره 9-8، ص 32-38.

نگرفته است و به اصطلاح در مرحله گذار و نه غلبه پارادایم جدید به سر می‌بریم.

بر این اساس تحقیق بر آن است که تقریرهای کلان نظریه یکسان‌انگاری نمی‌تواند توصیف مناسبی از وضعیت فعلی ارائه دهد و به نوعی گذشته‌گرایی و محافظه‌کاری علمی در توصیف پدیده‌ها و نگرش به آن‌ها دچار است. زیرا تجدد در کلام تجدیدی کیفی و ناظر به رویکردهای معرفت‌شناسانه و هم‌رویکردهای روان‌شناسانه است. ناظر بر تلقی انسان‌ها از مقولات دینی و بشری است که در مقوله‌ای به نام انتظار بشر از دین خود را می‌نمایاند. نفی این رویکردها و مهم‌گذاشتن آن‌ها نیز پاسخ‌گو نمی‌باشد. از این رو است که برخی از تقریرهای این کلان‌نظریه در واقع خروج از آن و ورود به کلان‌نظریه دیگر است.

بر این پایه تعریف مختار از کلام سیاسی عبارت است از: فهم. تبیین. اثبات. تنسيق. تنظیم (به نظام در آوردن) تصحیح. توجیه. کارآمدسازی و دفاع از آموزه‌ها و نظام اعتقادی و ایمانی سیاسی که با روش‌های گوناگون عقلی و نقلی و با دغدغه دینی صورت می‌گیرد و می‌تواند پرسش‌های فلسفه سیاسی را پاسخ دهد کلام سیاسی نامیده می‌شود.

از این حیث، عقاید دینی صرفاً اصول اعتقادی دینی را در بر نمی‌گیرد؛ بلکه هر دیدگاه کلانی را که به نگرش دین به امور گوناگون دنیایی و آخرتی و امور انسانی تعلق دارند، شامل می‌شود. این امر به دو لحاظ قابل طرح است. لحاظ نخست طرح شدن مباحث عام در کلام سنتی ما و همچنین بسیاری از مباحث کلام جدید است که به کلیات نگرش دین به مسائل مختلف مربوط می‌شوند. چنان که برخی از استادان نیز خاطر نشان ساخته‌اند، مباحث کلامی بر دو دسته کلی هستند: برخی، مستقیم به اصول اعتقادی، اعم از اصول دین یا اصول مذهب، مربوط می‌شوند، و برخی دیگر، صرفاً به کلیات مباحث اعتقادی بر می‌گردند اختلاف در مباحث اصول اعتقادی ممکن است سبب خروج از مذهب اعتقادی شود؛ اما اختلاف در گروه دوم چنین نیست. طرح بسیاری از مباحث در کلام سنتی یا کلام جدید از چنین نگرشی به علم کلام حاکی است؛ به طور نمونه می‌توان از مباحث حسن و قبح در کلام سنتی و بحث انتظار بشر از دین در کلام جدید یاد کرد که مباحثی کلان هستند و لزوماً مباحث اعتقادی اصولی نیستند و صرفاً به کلیت اعتقاد دینی و مباحث آن برمی‌گردند. مباحث کلامی از جهت دیگری نیز لزوماً اصول اعتقادی دینی به معنای خاص آن نیست. این جهت به وجه دفاعی علم کلام برمی‌گردد؛ به عنوان نمونه، مباحث دفاعی علم کلام که در صدد دفاع از کلیت دیدگاه‌های دینی در مباحث فقهی بر می‌آید، لزوماً به اصول اعتقادی بر نمی‌گردد. متکلم در این جا، وظیفه دفاع از کلیت دیدگاه‌های اقتصادی دینی را دارد؛ در حالی که نقش فقیه، اثبات تکالیف و احکام اقتصادی اسلامی است

2-2. کلام سیاسی و فلسفه سیاسی اسلامی:

نخستین نکته در اینجا نسبت میان فلسفه سیاسی اسلامی با فلسفه اسلامی است.¹ به نظر می رسد بر خلاف نظر بسیاری از پژوهندگان، در تمدن اسلامی سیر تطورات، منطق درونی و قواعد، فلسفه سیاسی، تبعیتی یکپارچه از تحولات تاریخ فلسفه اسلامی محض ندارد. اما در اصل وجود فلسفه سیاسی اسلامی و کلیت آن می توان از سه دسته دیدگاه سخن گفت: نظریه امتناع. نظریه انحطاط و نظریه امکان.

نظریه امتناع دارای دو تقریر است. تقریر نخست از کسانی مانند کربن و سید حسین نصر است. که تفکر شرقی اسلامی را مترادف حکمت الهی می انگارند و از خرد قدسی سخن می گویند و آن را با intellect در فرهنگ غربی همسان می دانند. از این رو فلسفه ای که مترادف با عقل خود بنیاد باشد و از معنای reason برگرفته شده باشد مخصوص غرب می پندارند. اینان این سخن را با هدف برتر نشان دادن تفکر شرقی - اسلامی بر تفکر غربی بیان می کنند.

تقریر دوم از آن کسانی است که اساساً فلسفه اسلامی را ناتوان از پردازش امور سیاسی به نحو مستقل می پندارند. و از این رو برخی فلسفه سیاسی اسلامی را عبارتی تناقض آلود دانسته اند زیرا تأمل مستقل بشری را فلسفه خوانده و معتقدند چنین چیزی مفید به قیود دینی نمی تواند باشد.²

اما نظریه انحطاط وجود فلسفه سیاسی در اسلام را می پذیرد اما به انحطاط آن معتقد است. این نظریه دارای دو تقریر انحطاط بر اثر عوامل خارج معرفتی نظیر خود کامگی و تغلب³ و تقریر دیگری که انحطاط را ناشی عوامل درون معرفتی نظیر غلبه شریعت ظاهری و عرفان و تصوف گرایی می شمارد.⁴

نظریه امکان نیز توانایی دائمی فلسفه اسلامی در امور سیاسی را گوشزد می کند و بر تدارم این نظریه تأکید دارد و بر این اساس بر خلاف دیدگاه قائلان به انحطاط. فلسفه سیاسی پس از فارابی را و بخصوص این سینا را نشانگر زوال اندیشه سیاسی نمی دانند و حتی آن را فراتر نیز انگاشته اند. غلامحسین ابراهیمی دینانی⁵، و ابوالفضل شکوری¹ در این دسته اند. البته

¹ برای مطالعه بیشتر ر.ک. سید صادق حقیقت، "چیستی فلسفه سیاسی"، در فصلنامه نامه مفید، س 1380، ش 25؛ مجموعه مقالات شماره 21-22: فصلنامه پژوهش و حوزه، سال ششم، 1384، ش 21-22 با عناوین مختلف. هم چنین مجموعه مقالاتی را در شماره های مختلف فصلنامه علوم سیاسی می توان یافت.

² آرامش دوستدار، *امتناع تفکر در فرهنگ دینی*، پاریس، نشر خاوران، 2001. ص 270. فشاهی، محمدرضا، *ارسطوی بغداد از عقل یونانی به وحی قرآنی*: کوششی در آسیب شناسی فلسفه ی ایرانی - اسلامی، تهران، نشر کاروان، 1383، ص 55-56.

³ داوود فیرحی، *قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام*، تهران، نشر نی، 1387، ص 325 و بعد.

⁴ جواد طباطبایی، *زوال اندیشه سیاسی در ایران*، تهران، کویر، ویراسته جدید، 1383. ص 292.

⁵ غلامحسین ابراهیمی دینانی، *ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام*، تهران، طرح نو، 1376، ج 2، ص 324.

گروه دیگری مانند جوادی آملی به توان ذاتی و بالقوه فلسفه صدرایی بر خلاف نظریه پردازان انحطاط، تأکید دارند اما عدم پردازش بالفعل آن را می پذیرند با این حال بر آنند که امکان پاسخ گویی پرسش های سیاسی را بر پایه تفکر خاص خود دارد و از دل آن می توان نظریه سیاسی بیرون کشید.^۲ این سه نگرش را در نگاه کلی می توان رصد کرد. اما در نگرش جزئی چند رویکرد را در تبیین فلسفه سیاسی اسلامی می توان لحاظ کرد.

در رهیافت خرد، برخی همانند حکیمی فلسفه سیاسی اسلامی را مترادف اندیشه سیاسی اسلامی گرفته اند که معنایی عام دارد.^۳ این تعریف و نگرش در همان ابتدا به جهت شمول فراتر از اندازه و عدم مانعیت از گزاره های مورد نظر خارج است. نگرش دوم آن است که فلسفه سیاسی اسلامی را به معنای فلسفه سیاسی اندیشوران اسلامی یا مسلمان همانند فارابی، ابن رشد و... بپنداریم. این امر اگر چه عمدتاً تلقی به قبول شده و چالش نداشته است اما اندیشیدان غیر مسلمان جغرافیای اسلامی را مانند ابن میمون در بر نمی گیرد. تلقی سوم آن است که مراد فلسفه سیاسی جغرافیایی جهان اسلام یا کشور های اسلامی باشد که محل چالش نبوده و مقبول می باشد. تلقی چهارم آن است که فلسفه سیاسی به مفهوم اتخاذ بیش قرض های اسلامی در آن باشد.^۴ این نیز قابل بررسی است که در جای خود بدان خواهیم پرداخت. فلسفه دیگر آن است که فلسفه سیاسی اسلامی تبیین عقلی از آموزه های دینی و سیاسی ناظر به حیات اجتماعی است.^۵

تلقی دیگر آن است منظور از فلسفه سیاسی آن فلسفه سیاسی است که در حوزه تمدنی و فرهنگی اسلامی رشد و نما یافته است. تفریر دیگری که می توان در فلسفه سیاسی اسلامی به دست داد آن است که آن را ارائه نظام و انتظامی فلسفی از سیاست و حیات اجتماعی در اسلام بینگاریم. در این دیدگاه بحث بر سر تبیین عقلی آموزه های دینی نیست بلکه نظام سازی فلسفی از سیاست در اسلام مورد نظر است در میان این نگرش ها نگرش نخست به جهت عدم مانعیت آن و بی مرز بودنش عملاً خارج است. تلقی دوم، سوم و ششم تلقی به قبول

۱. ابوالفضل شکوری، *فلسفه سیاسی ابن سینا*، و تاثیر آن بر ادوار بعدی، عقل سرخ، ۱۳۸۴، ص 202-204.

۲. حمیدرضا، آیت اللهی، «*ضرورت ارائه اندیشه سیاسی مبتنی بر دیدگاه صدرایی*»، خردنامه صدرا 1385 شماره 43 صفحه: 19-23. عبدالله جوادی آملی، «*حکمت متعالیه سیاست متعالیه دارد*»، در لک زایی، شریف سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ ص 77-78.

۳. حکیمی، محمدرضا، *دانش مسلمین*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، 1371، ص 267-266.

۴. مرتضی یوسفی راد، (به اهتمام)، *امکان فلسفه سیاسی اسلام*، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1386، ص 93-77.

۵. میرباقری، صدرا، حاج ابراهیمی، سبحانی، یوسفی راد، رک، یوسفی راد، *امکان فلسفه سیاسی اسلام*، 1386، ص 204، 94، 65، 228.

بوده و چالشی بر نینگیخته است اما تلقی هفتم به نظر می رسد که می تواند معنای محصل داشته باشد و ضمن آن که به کلام سیاسی نگراید همچنان در حوزه فلسفی بماند. این تلقی می تواند در کنار تلقی چهارم تکمیل کننده یکدیگر باشد. اما تلقی پنجم از فلسفه سیاسی اسلامی که برخی بر آن مصرند در واقع همان کلام سیاسی است و نمی تواند از آن فارغ باشد. در حقیقت هرگونه تبیین عقلانی از دین و یا برآوردن استدلالات و مسائل عقلی از درون متون دینی ورود به حوزه کلام و کلام سیاسی خواهد بود. مگر آن که خلق اصطلاح نماییم که در این صورت به جهت وجود اصطلاح متعارف و متفاهم پیشین میان اصحاب دانش در واقع تحریف اصطلاح شده است و ثمری نیز در بر ندارد.

رابطه فلسفه سیاسی و کلام سیاسی:

چنانچه اشاره شد معانی مختلفی از فلسفه سیاسی وجود دارد. تعریف مختار از کلام سیاسی نیز چنانچه آمد عبارت است از فهم، تبیین، اثبات، تنسیق، تنظیم (به نظام درآوردن) تصحیح، توجیه، کارآمدسازی و دفاع از آموزه ها و نظام اعتقادی و ایمانی سیاسی که با روش های گوناگون عقلی و نقلی و با دغدغه دینی صورت می گیرد و می تواند پرسش های فلسفه سیاسی را پاسخ دهد کلام سیاسی نامیده می شود.

در مجموع از نظر تعریف می توان تعاریف مختلفی از فلسفه سیاسی اسلامی داشت. اما به لحاظ تحقق و مسیر تاریخی، همواره مسیر تاریخی فلاسفه سیاسی از متکلمان سیاسی متمایز بوده است. این دو خط سیر دو مسیر موازی را پیموده اند. در تاریخ اندیشه اسلامی طبقه متکلمان سیاسی و فیلسوفان سیاسی قابل شناسایی است اگر چه در برهه هایی عملاً کلام سیاسی در فلسفه سیاسی اضمحلال یافته است.

بر این پایه کسی چون فارابی را متکلم سیاسی نمی انگاریم بلکه او فیلسوف سیاسی است که با پیش فرض های اسلامی که ریشه در تنفس در فضای تمدنی اسلامی و زیست در جغرافیای جهان اسلام دارد به نظم و انتظام فلسفی از مسایل سیاسی پرداخته است. البته این مساله در باره کسانی چون خواجه نصیر و یا ملاصدرا اندکی با مشکل همراه است و می باید قایل به تشکیک شویم. که در جایی بیشتر به فلسفه سیاسی و در جای دیگری به کلام سیاسی می گرایند. در دوران معاصر نیز کسانی چون مهدی حائری یزدی در واقع فیلسوف سیاسی اند. یا علامه طباطبایی در برخی موارد فیلسوف سیاسی است. اما بیشتر قریب به اتفاق آرای سیاسی مطهری کلام سیاسی است.

اشتراکات و افتراقات کلام سیاسی و فلسفه سیاسی:

الف. افتراقات

1- نخستین تمایز فلسفه سیاسی و کلام سیاسی تمایز در غایت آنهاست. فلسفه سیاسی

اسلامی همه چیز را در جهت انتظام فلسفی خود به کار می گیرد که اگر چه از گزاره های دینی نیز اشاره می برد اما به طور حتم کاملاً گزینشی و در راستای نظم سیاسی ذهن خویش است و دغدغه اثبات و تبیین و فهم متون دینی و اقناع مخاطب را ندارد. به هر میزان که فلاسفه مسلمان از این مسأله فاصله گرفته اند از فلسفه سیاسی دور شده و به کلام سیاسی نزدیک شده اند.

اما در کلام سیاسی انگیزه متکلم از همان ابتدا مبتنی بر دغدغه مندی دینی و به قصد اصطیاد موضع دین صورت می گیرد و در صورت اقناع مخاطبان و اثبات گزاره های دینی هر چند آن گونه که خود می انگارد است. البته برخی از محققان پس از بررسی فلسفه سیاسی اسلامی در مقام مقایسه به جای آن که فلسفه سیاسی اسلامی را با کلام سیاسی بسنجند فلسفه سیاسی محض را با کلام سیاسی سنجیده اند. (بهرروز لک - حقیقت) به طور نمونه صادق حقیقت جریان آزاد خرد در مقابل تقید به متون دینی، استفاده از روش عقلی در مقابل روش عقلی و نقلی. نداشتن بیش فرض درباره عقلی دانستن قضایای دینی را وجوه ممیز کلام و فلسفه سیاسی دانسته است. که به نظر می رسد هر سه مورد فلسفه سیاسی محض است. در حالی که فلسفه سیاسی اسلامی را به خوبی می دانیم که عمدتاً درنگرش توحیدی وفاداران کاملاً عاری از پیش فرض نیست. دیگر آن که از نقل نیز در آرای سیاسی خود بهره می گیرد. بهروز لک نیز بر همین مبنا پیش رفته است و بحث افتراعات و تغایرهای فلسفه سیاسی و کلام سیاسی را بر همین شالوده پی ریخته است.

2- دومین تمایز را می باید در زبان و ادبیات فلسفه سیاسی اسلامی و کلام سیاسی جستجو کرد. اصولاً مواد به کار گرفته شده، ورود و خروج و ادبیات فلسفه سیاسی اسلامی با کلام متمایز و متفاوت است. این مسأله در خلال مطالعه آثار فیلسوفان سیاسی نظیر فارابی و متکلمان سیاسی نظیر علامه حلی و یا امام خمینی، جوادی آملی و یا مطهری قابل برداشت است.

3- سومین تمایز در حیطة روشی است. بدین معنا که فیلسوف سیاسی اسلامی بر اساس روش عقلی و عقلانی و در چارچوب طرح فرادینی خود که البته موضوع آن جامعه دینی است عمل می کند و در این جهت ممکن است از گزاره ها و یا متون دینی هم بهره بگیرد اما روش او درون دینی نیست و فرادینی است.

اما در کلام سیاسی از همان ابتدا پای بندی متکلم سیاسی به روش دینی موضوعیت دارد البته متکلم از روش عقلی نیز استفاده می برد. البته ظاهر کلام برخی محققان آن است که کلام چند روشی است و فلسفه تک روشی است و بر همین اساس از بهره گیری متکلم از روش های علوم تجربی، پدیدار شناسی و هرمتیک سخن گفته اند.¹ این امر به نظر می آید که دچار

¹ . بهروز لک، روش شناسی کلام سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره 28، همو، پیام صادق - فروردین تا شهریور

نوعی کاستی است. زیرا فیلسوف سیاسی نیز اگر چه مبنای کارش بر روش عقلی است اما از علوم تجربی نیز همانند متکلم می تواند بهره گیرد و منعی ندارد از دیگر سو پدیدار شناسی و هرمتونیک نیز اساساً فلسفی اند و از این رو فیلسوف سیاسی از آن بهره می گیرد و ذیل روش عقلی او محسوب می شود چنانچه فیلسوفان سیاسی ای نیز چنین کرده اند. بر این اساس می توان از تنوع بیشتر در روش های کلام سیاسی سخن گفت زیرا از رویکرد نقلی نیز بهره می گیرد.

4- تفاوت دیگری که می توان بیان کرد مربوط به انگاره های ذهنی متکلم سیاسی و فیلسوف سیاسی اسلامی است. در ذهن متکلم عمدتاً گزاره های دینی عقلی، اثبات شدنی و توجیه پذیرمی نماید. و از این رو به سراغ توجیه و تبیین آنها می رود و از این رو ممکن است در جایی نیز بر غیر عقلانی بودن گزاره ای فرعی رای می دهد. اما در نظر فیلسوف سیاسی اسلامی چنین استحکامی وجود ندارد بلکه او از همان ابتدا به صورت گزینشی رفتار می کند و مراد و یا تفسیر خود را برمی نشاند. البته هر دو در اصول بنیادین مانند اصل توحید. اصل نبوت اصل معاد و در شیعه اصل امامت هیچ تردیدی نمی کنند.

5- تمایز دیگر میان فلسفه سیاسی اسلامی و کلام سیاسی تمایز در موضوع و مسایل است. بدین معنا که موضوع فلسفه سیاسی وجود سیاسی است. اما موضوع کلام سیاسی نظام عقاید و ایمان سیاسی دینی است. در مسائل به نظر می رسد که مسایل سیاسی برای فلسفه سیاسی اسلامی حالت ذاتی دارد. اگر فلسفه سیاسی به تدبیر مدن و سیاست مدن می پردازد به شکل بالاصاله و اولیه است. اما در کلام سیاسی به صورت بالعرض و ثانویه است و عمدتاً برای تبیین موضع دین صورت می گیرد. البته به مسائل فلسفه سیاسی نیز می تواند پاسخ دهد و مسأله ای نیست که کلام سیاسی ناتوان از پاسخ گویی به آن باشد و یا از حیطة آن خارج باشد. اما این نکته رسالت اولیه ان نیست و به صورت بالاصاله اتفاق نمی افتد.

3-2. کلام سیاسی و فقه سیاسی:

در تعریف فقه سیاسی ابتدا می باید تعریفی از فقه ارائه داد. تعریف جرجانی از فقه که مشهورترین تعریف از فقه است عبارت است از: «فقه در لغت به معنای فهم مقصود گوینده از طریق کلام او را گویند؛ و در اصطلاح، عبارت است از علم به احکام شرعی عملی که از ادله تفصیلی آن کسب می شود.»¹ تعریفی از فقه سیاسی بر آن است که «فقه سیاسی اسلام مجموعه قواعد و اصول فقهی و حقوقی است که عهده دار تنظیم روابط مسلمانان با خودشان

1385، شماره 63، ص 64 و 65.

¹ - علامه حلی، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*: مجمع البحوث الاسلامیه بنیاد پژوهشهای اسلامی. گروه فقه بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۰، ق ۱۴۱۲، ج 1 ص 7؛ جرجانی، میر سید شریف. *التعريفات*، ناصر خسرو، ۱۳۷۰، باب الف، ج 1، ص 72.

(روابط داخلی) و ملل دیگر عالم (روابط خارجی) بر اساس مبانی دین اسلام (که قسط و عدل است و متضمن فلاح و رستگاری انسان است) که آزادی و عدالت را فقط در سایه توحید عملی می داند.^۱ تعریف دیگر معتقد است فقه سیاسی عهده دار تنظیم و هدایت روابط سیاسی مسلمین با خویشان و نیز دیگر ملل و جوامع غیرمسلمان است.^۲

تعریف دیگر فقه سیاسی را این گونه تعریف کرده است که «مجموعه قواعد و اصول فقهی است که عهده دار تنظیم روابط مسلمین با خودشان و ملل غیر مسلمان عالم بر اساس مبانی قسط و عدل بوده و تحقق فلاح و آزادی و عدالت را در سایه توصیه عملی می داند»^۳ و به عبارت ساده تر «فقه سیاسی عبارت است از پاسخها و مسائلی که دین اسلام نسبت به مسائل حقوق اساسی و مفاهیم سیاسی و حقوق بین الملل ارائه می دهد».^۴

دقت در تعاریف فوق نشان از دو نکته دارد. نخست آن که چنانچه برخی اشاره کرده اند دو رویکرد قابل توجه است. رویکرد نخست که بسامد و شیوع بیشتری دارد آن است که فقه سیاسی به مثابه زیر مجموعه فقه عمومی دانسته شده است. رویکرد دیگر نیز آن است که کلام سیاسی زیر مجموعه دانش سیاسی اسلامی شمرده شود.^۵ اما به نظر می رسد که این تفکیک چندان راه گشا نباشد و تفاوت معنا داری ایجاد نکند. زیرا در صورت نخست نیز می تواند ذیل دانش سیاسی اسلامی قرار گیرد و خللی بر آن وارد نمی کند.

نکته دوم آن است که برخی تعاریف نگرش حداکثری به فقه سیاسی دارند و این ناشی از همان رویه سیطره تاریخی فقه بر کلام است که به فقه سیاسی نیز تسری یافته است. اما به نظر می رسد که می باید تعریفی واقع بینانه از فقه به دست داد و حیطة واقعی آن را نشان داد تا جا برای علوم دیگر به خصوص کلام سیاسی باز شود و از فربهی نه لازم و نه مطلوب آن جلوگیری شود. بر این اساس تعریف ما از فقه سیاسی براساس همان تعریف رایج از فقه آن خواهد بود که فقه سیاسی علم به احکام فرعی شرعی سیاسی از طریق ادله تفصیلی می باشد. در تبیین قلمرو کلام سیاسی و فقه سیاسی دیدگاههای مختلفی وجود دارد برخی بر آن اند که کلام سیاسی به تبیین کلیت دیدگاه سیاسی و چگونگی تنظیم کلان حیات سیاسی از نظر دین می پردازد. اما فقه سیاسی به بیان تکالیف سیاسی مکلفان در سه سطح فردی گروهی

۱. ابوالفضل شکوری، *فقه سیاسی اسلام*، ۱۳۶۱، ص ۵۰.

۲. ابوالفضل شکوری، *فقه سیاسی*، ص ۵۰.

۳. *فقه سیاسی اسلام*، ص ۷۱.

۴. سیدصادق حقیقت، *ارتباط فلسفه سیاسی و فقه سیاسی*، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۳، بهار ۱۳۷۵، ص ۸۳-۱۰۰.

۵. منصور میراحمدی، *مبانی کلامی فقه سیاسی شیعه*. آینه معرفت، زمستان ۱۳۸۴ و بهار ۱۳۸۵، شماره ۷ از صفحه ۱۸ تا صفحه ۴۱.

– و اجتماعی می پردازد.¹ برخی دیگر بر آنند که قلمرو علم کلام فقط مباحث اصول دین یا جهان بینی نیست بلکه در مواردی.. فروع دین و «بایدها و نبایدها» را هم در بر خواهد گرفت. متکلم همان گونه که وظیفه دارد تا کنار تبیین و اثبات اصول عقاید به دفاع از آن‌ها بپردازد، موظف است تا به رسالت خود در دفاع از فروع دین هم همت گمارد. هر چند بحث از «فروع دین» و «احکام عملی» بر عهده «فقیه» و در قلمرو «علم فقه» است، پرسش در زمینه احکام فرعی، گاهی به هدف دست یافتن به مدرک حکم است که پاسخگویی آن در رسالت علم فقه و فقیهان خواهد بود؛ اما اگر هدف شناخت فلسفه یا حکمت حکم باشد، پاسخگویی به آن بر عهده علم کلام و متکلمان است.

تحقیق بر آن است که کلام سیاسی را تنها نمی توان در قلمرو کلیات و اصول اعتقادات محصور کرد و امروزه کلام محدوده و رسالتی فراتر از آن یافته است، چنانچه بیش از این نیز یاد شد کلام سیاسی هم معطوف به ارزش و هم معطوف به عمل است. چنانچه مسأله ای چون امر به معروف که عملی است در زمره مسائل کلامی قرار گرفته است. بر این اساس با توجه به خصلت دفاعی کلام سیاسی، به تعریف و تبیین دوم از رابطه کلام سیاسی و فقه سیاسی نزدیک می شویم. بر این پایه کلام سیاسی دیسیپلینی منعطف است که وظیفه دفاع و پاسخ گویی، به شبهات پیرامون چرایی و علت‌های احکام فقهی ای که خصلت سیاسی اجتماعی می یابند را بر عهده دارد.

این در حالی است که فقه سیاسی وظیفه یافتن حکم و مدرک حکم مسائل سیاسی اجتماعی را بر اساس روش فقهی و ادبیات فقهی بر عهده دارد. بر این اساس دایره دو دانش در برخی مسائل مشترک است گرچه روی کرد به آنها متفاوت است. چنانچه شهید مطهری مسائلی مانند ارتداد، حقوق زن، حجاب و... را با رویکرد کلامی و نه فقهی مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. بر این اساس می توان گفت که کلام سیاسی و فقه سیاسی هر دو مسائل مشترک را با رویکرد و با دو هدف مکمل مورد بررسی قرار می دهند. و فقه سیاسی از دستاوردهای کلام سیاسی اشراق و تغذیه می شود. تمایزات :

1. تمایز کلام سیاسی و فقه سیاسی: نخستین نگاه مربوط به قلمرو و موضوع آنان می شود. بنابر نظر متقدمان متکلمین و برخی معاصرین دامنه علم کلام و کلام سیاسی در حوزه اعتقادی و محدوده فقه و فقه سیاسی در ساختار رفتار است و همین نقطه اصلی تمایز است. البته این دیدگاه از نظر بخشی از محققان و متکلمان معاصر و تحقیق حاضر پذیرفته نیست و حوزه رفتار نیز چنانچه به جهاتی مورد شبهه و هجمه قرار گیرد و یا به دلایلی اجتماعی و سیاسی نیاز مند تبیین و دفاع کلامی باشد در حیطة کلام و کلام سیاسی قرار می گیرد. از این رو در این نگرش تمایز قلمروی کلام سیاسی و فقه سیاسی آن است که فقه

1. غلامرضا بهروز لک، کلام سیاسی شیعه، شیعه شناسی، سال 2، ش 5، 383، ص 87-35.

سیاسی معطوف به مدارک احکام عملیه سیاسی است. حال آن که کلام سیاسی معطوف به تبیین و توجیه کلامی و جهان بینی و فلسفه آن حکم است.

2. دیگر تمایز میان کلام سیاسی و فقه سیاسی را می باید در روش آنها جست. کلام سیاسی دارای تنوع روشی بیشتری نسبت به فقه سیاسی است. حال آن که فقه سیاسی نیز گرچه تنوع روشی دارد اما گستره، میزان و عمق بهره گیری آن کم تر است. ضمن آن که کاربرد روش عقلی در کلام سیاسی گسترده تر و فراتر از فقه سیاسی است و معکوس آن کاربرد روش نقلی در فقه سیاسی گسترده تر از کلام سیاسی است.

3. سومین نقطه تمایز مربوط به تمایزات این دو حوزه است. در کلام سیاسی اثبات، تبیین و دفاع از گزاره های اعتقادی و ایمانی در حوزه اجتماعی غایت به شمار می رود. در حالی که در فقه سیاسی، به دست آوردن حکم اعمال سیاسی مکلفان غایت محسوب می گردد. نکته دیگر در همین جهت آن است که غایت کلام سیاسی متقدم بر غایت فقه سیاسی است. و کلام سیاسی از این نظر اولویت و اولیت نسبت به فقه سیاسی دارد.

4. تمایز دیگری که می توان بر شمرد در حیطة منابع کلام سیاسی و فقه سیاسی است. منابع کلام سیاسی اگر چه مشترک با فقه سیاسی است اما تمرکز کلام سیاسی بیشتر بر منبع عقلی و بهره گیری از منابع عقلی افزون تر و مقدم تر است. حال آن که در فقه سیاسی تمرکز بر نقل و بهره گیری از منابع نقلی افزون تر و دارای اولویت است.

5. پنجمین تمایز میان فقه سیاسی و کلام سیاسی را می باید در زبان و ادبیات این دو جست و جو کرد. کلام سیاسی و فقه سیاسی دو حوزه متمایز اما متقارن هستند. بدین معنا که در اکثریت موارد حول موضوعی واحد اما با غایت روشی متفاوت حرکت می کنند. این مساله موجب آن شده است که در طول تاریخ ادبیات و زبان علمی متمایز و تاریخمندی شکل بگیرد. به طور نمونه در کلام سیاسی مسأله ثابت و متغیر مطرح است که اما در فقه سیاسی مسأله حکم اولیه و ثانویه مطرح می شود که موضوع آن بالا جمال واحد است اما با دو زبان علمی و ادبیات تاریخمند بیان می شود.

4-2. کلام سیاسی و اصول فقه

اصول فقه در تعریف مشهور عبارت است از: «اصول الفقه هی القواعد الممهده لاستنباط الاحکام الشرعیة الفرعیة من ادلتها»¹. آخوند خراسانی در تعریف آن گفته است: «انه صناعة یعرف بها القواعد التي یمكن ان تقع فی طریق استنباط الاحکام، او التي ینتهي اليها فی مقام العمل»²؛ اصول فقه، صنعتی است که به وسیله آن، قواعدی شناخته می شود که یا صلاحیت دارد

1. السید علی نقی الحیدری، *اصول الاستنباط فی اصول الفقه*، بیروت، دار السیره، ص 45.

2. آخوند خراسانی، *کفایه الاصول*، علمیه اسلامیة ق 1363، ص 23.

در راه استنباط احکام شرعی به کار گرفته شود یا مکلف در مقام عمل و امتثال برای رهایی از تردید، به آنها تمسک نموده و عمل خود را به آنها مستند می نماید." ¹
میرزای نایینی نیز در "فوائد الاصول" در این باره می گوید: "ینبغی تعریف علم الاصول بان یقال: ان علم الاصول عبارة عن العلم بالكبریات التی لو انضمت الیها صغریاتها یستنتج منها حکم فرعی کلی" ².

بر این پایه کلام سیاسی تقریباً همان رابطه ای را با اصول فقه و اصول فقه سیاسی دارد که با فقه و فقه سیاسی دارد. می باید بر این نکته اذعان نمود که کلام و کلام سیاسی بخش قابل توجهی از اصول فقه و اصول فقه سیاسی را تشکیل می دهد و در اکثریت قریب به اتفاق، مبانی و زیر بنای آن را می سازد. ضمین آن که تا قرن پنجم بررسی برخی مسایل کلامی در آثار اصولیان نیز دیده می شود. ³ این تأثیرات رامی توان در این نکات مورد ملاحظه قرار داد و نمونه آورد. از عصمت پیامبر در حجیت الفاظ قرآن. از عصمت امام (ع) در حجیت سنت امام (ع) از حسن عدل در مسأله اصولی حجیت حکم شرعی منتج از حکم عقل، از مسأله کلامی، امتناع صدور افعال قبیح از خداوند در مسأله اصولی حجیت ظن. یا آن که هدفمندی افعال الهی و حکمت آمیز بودن آنها مبنای قاعده اصولی تبعیت احکام از مصالح و مفاسد قرار گرفته است و بحث مستوفایی در کتب اصولی پیرامون آن وجود دارد. ⁴

5-2. کلام سیاسی و تفسیر سیاسی⁵:

تفسیر از ریشه "فسر" مصدر باب تفعیل است. از لحاظ اصطلاحی کلبی بر آن است که «معنای تفسیر، شرح قرآن و بیان معنای آن و آشکار کردن چیزی است که با تصریح و اشاره و نجوایش (فحوایش) آن را اقتضا می کند» ⁶ از نظر جرجانی «تفسیر در شرع، توضیح معنای آیه و شأن و قصه آن و سببی است که آیه در آن شرایط نازل شده، با لفظی که با دلالت آشکار بر آن

1. محمد حسین نائینی، *فوائد الاصول*، جماعه المدرسین بقم، مؤسسه النشر الاسلامی، ق 1429، جلد 1 ص 19
2. سید ابوالقاسم نقیبی، *نسبت و رابطه علم کلام با دانش اصول فقه*. فصل نامه اندیشه دینی. زمستان 1387، دوره 10، شماره 29، ص 90-79.
3. ر. ک. سعید ضیائی فر، *مبانی علم اصول*، پژوهش و حوزه، پاییز و زمستان 1385، ش 27، ص 110.
4. برای مطالعه بیشتر ر. ک بمانعلی دهقان منگابادی، *تأثیر دیدگاه های کلامی در تفسیر قرآن*.. مقالات و بررسی های، دفتر 59-60 زمستان 75. علی نصیری، *نقش پیش فرض ها و مبانی کلامی در تفسیر و فهم آیات قرآن*.. فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی. سال سوم، شماره هشتم، تابستان 1386.. فتح الله نجارزادگان، *بازخوانی انتقادی از مقاله «نقش پیش فرض ها و مبانی کلامی در فهم و تفسیر آیات قرآن»*.. فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی. سال سوم، شماره نهم، تابستان 1386. صفحات 52-33. یوسف خان محمدی، *تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر*.. قم. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. 1392.
5. محمد کلبی، *التسهیل لعلوم التنزیل*، دار الکتب العلمیه، ج 1، ص 9.

دلالت نماید. ۱»

از دیدگاه علامه طباطبایی: «تفسیر، بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آنها است.»^۲ از منظر آیةالله خویی: «تفسیر، آشکار کردن مراد خدای متعال از کتاب عزیز اوست.»^۳ علی اکبر بابایی بر آن است که تفسیر بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره^۴ است. همچنین پاره ای دیگر نیز بر همین رایند.^۵

بررسی رابطه کلام سیاسی و تفسیر سیاسی بی آن که ابتدا رابطه کلام و تفسیر را باز کاوی کنیم میسر نیست. رابطه دانش کلام و تفسیر را از سه جهت می توان مورد مطالعه قرار داد. نخست آن که نقش قرآن را در تکوین دانش کلام مورد پرسش قرار دهیم. دوم آن که نقش کلیت علم کلام را در تفسیر آیات مورد توجه قرار دهیم و بررسی کنیم. سوم نیز آن که مبانی کلامی تفاسیر آیات را به پژوهش بگذاریم. در این مجال نکته اول را با الاجمال با پذیرش نقش قرآن در تأسیس کلام پشت سر می گذاریم. نکات سوم و سوم را نیز برآنیم که این گونه تأثیر کلام بر تفسیر کاملاً واضح است. اما پرسش اصلی آن است که این دو حوزه مستقل چه ارتباط منطقی با یکدیگر دارند. در پاسخ به این سوال باید گفت که از جهتی تفسیر اعم از کلام و کلام اخص از تفسیر است و در نتیجه کلام سیاسی اخص از تفسیر سیاسی و تفسیر سیاسی اعم از کلام سیاسی است. زیرا همانطور که ایات کلامی و اعتقادی و ایمانی بخشی از قرآن است. تفسیر کلامی یا تفسیر آیات کلامی نیز بخشی و حوزه ای از حوزه های دانش تفسیر در کنار سایر حوزه هاست. حتی اگر رویکرد کلامی را مد نظر قرار دهیم. آن نیز یکی از رویکردهای به قرآن و تفسیر قرآن است. بر این اساس تفسیر سیاسی آیات قرآن ونه تفسیر آیات سیاسی قرآن که دومی اخص از اولی است نیز اعم از کلام سیاسی است. در تفسیر سیاسی یکی از وجوه تفسیر نگرش کلامی - سیاسی خواهد بود و می تواند نگرش های دیگری چون فقه سیاسی، فلسفه سیاسی و عرفان سیاسی نیز در آن وجود داشته باشد. از سوی دیگر عملیات تفسیری جزئی از دانش کلام است. اما کلیت و تمامی دانش کلام را نمی توان در تفسیر مشاهده کرد. زیرا کلیت دانش کلام فراتر از تفسیر آیات است و به مواد و روش های دیگر نیز محتاج است. بر این اساس تأکید بر تأثیر و تأثر متقابل دانش کلام و دانش تفسیر و به

۱. جرجانی، علی، *التعريفات*، بیروت، دار الکتب العربی، 1405ق، ص 28.

۲. محمد حسین طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، بی تا، ج 1، ص 4.

۳. سید ابوالقاسم موسوی خویی، *البیان*، بیروت، دار الزهراء، 1408ق، ص 397.

۴. علی اکبر بابایی، *روش شناسی تفسیر قرآن*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، 1379. ص 23-24؛ علی اکبر بابایی،

قواعد تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، 1394، ص 11.

۵. محمد علی رضایی، *منطق تفسیر قرآن (2)*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ دوم، 1385 ص 23.

تبع آن تأثیر و تأثر کلام سیاسی و تفسیر سیاسی موجه ترین دیدگاه به نظر می رسد.

2-6. مسائل کلام سیاسی

مسائل دانشی کلام سیاسی طیف وسیعی را دربر می گیرد. چرا که بنا بر تعریف ارائه شده از کلام سیاسی و واقعیت تاریخی آن بسیاری از مسائل فلسفه سیاسی امکان پاسخ گویی توسط کلام سیاسی را داراست. نیز بسیاری از مسائل فقه سیاسی می تواند و توانسته در حوزه کلام سیاسی قرار گیرد. البته نوع مواجهه در کلام سیاسی و فقه سیاسی متفاوت است که در جای خود گذشت. بر این اساس حصر و یا تقسیم بندی ای که برخی پژوهشگران^۱ نسبت به مسائل کلام سیاسی داشته اند دقیق و جامع به نظر نمی رسد و بسیاری از مسائل تحت کلام سیاسی قابل طرح است.

بنابر این امروزه عناوین و موضوعات و مفاهیم نوپدید سیاسی که امکان طرح در کلام سیاسی را دارد به عنوان مسائل کلام سیاسی شناخته می شود. مانند حقوق بشر. انتخابات. حق رای. مشروعیت. مشارکت. سیاسی. و دیگر عناوینی که در این زمره می تواند قرار گیرد. بنابر این می توان مسائل را با مبانی یا قواعد کلام سیاسی خلط نمود. برخی پژوهش گران مسائل کلام سیاسی را عبارت از انتظار از دین. ثابت و متغیر. امامت و ولایت. نسبت عقل و وحی. حسن و قبح عقلی و قاعده لطف دانسته اند.^۲

پاره ای دیگر با تفکیک میان مسائل کلام سیاسی سنتی و جدید مهم ترین مسائل کلام سیاسی سنتی را امامت. حسن تکلیف و شریعت الهی در عرصه اجتماعی. جبر و اختیار. ایمان و کفر. و دفاع از دیدگاه های سیاسی دینی شمرده اند.^۳ مهم ترین مسائل کلام سیاسی جدید را نیز رابطه دین و یاست. انتظار بشر از دین در عرصه سیاسی و اجتماعی. تبیین موضع دین در مسائل جدید و مستحدث. تبیین وضعیت سیاسی جامعه اسلامی در دوره غیبت. دفاع از آموزه های سیاسی اسلامی در برابر مکاتب سیاسی دیگر و ترسیم سیمای کلان مدینه فاضله اسلامی دانسته اند.^۴

در رهیافت نخست اختلاط بی ضابطه مسائل کلام قدیم و جدید و نیز کم شمار و محدود بودن آن را مشاهده می کنیم. در رهیافت دوم نیز گرچه تفکیک صورت می گیرد و از این جهت دارای امتیاز است اما اولاً برخی موارد اصولاً مسأله نیست. مانند دفاع از دین که جزو غایات کلام سیاسی است. یا ترسیم سیمای کلان مدینه فاضله اسلامی که این نیز از اهداف

1. صادق حقیقت. *مسأله شناسی مطالعات سیاسی اسلامی*. بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۳. ص 164-184.

2. صادق حقیقت. *مسأله شناسی مطالعات سیاسی اسلامی*. ص 164-184.

3. غلامرضا بهروز لک. *چیستی کلام سیاسی*. قیسات. ش 28. ص 79-105.

4. همان.

است. البته عنوان مدینه فاضله ذیل مسائل می تواند قرار گیرد. از این رو این مسأله شناسی نیز دچار کاستی های جدی است. ضمن آن که هم کامل نیست و هم وجه دانشی کلام سیاسی بیشتر معطوف به دوران جدید است و مسائل آن می باید منطبق بر آن باشد که جز اندکی بقیه چنین نیست.

بنابراین مسأله کلامی مسأله ای است که در یکی از حوزه های فهم، تبیین، اثبات، تنسیق، تنظیم (به نظام درآوردن) تصحیح، توجیه، کارآمدسازی و دفاع از آموزه ها و نظام اعتقادی و ایمانی سیاسی قرار گیرد. بر این اساس به نظر می رسد که می باید مسائل کلام سیاسی شیعه را در ساختاری جدید تر و منضبط تر ارائه نمود. البته پاره ای ممکن است برخی مسائل کلام سیاسی را در فقه یا فلسفه سیاسی قرار دهند که البته بسنده به ملاک های آنان است. اما از منظر این تحقیق کلام سیاسی دانشی است که تمام مسائل مورد ابتلای سیاسی قابل ارجاع به آن و پاسخ گیری است. در رویکرد دفاعی نیز وظیفه پاسخ گویی به شبهات در حوزه های متعدد را بر عهده دارد. بر این پایه ساختار پیشنهادی آن است که به جز مسائل و موضوعات سنتی نظیر ابعاد سیاسی اصول پنج گانه از مسائلی چون قلمرو سیاسی دین، حاکمیت سیاسی، مشروعیت سیاسی، نقش مردم در حکومت، آزادی سیاسی، حقوق سیاسی بشر، نظارت سیاسی، حقوق سیاسی زنان، اقلیت های دینی و سیاسی، تکثر سیاسی، قانون در عرصه سیاسی... جهانی شدن، حکمرانی خوب، کارآمدی سیاسی، اقتدار سیاسی، استقلال سیاسی، سیاست خارجی و روابط بین الملل از دیدگاه اسلام و مانند آنها را می توان نام برد.

چنانچه مطهری بحث امامت و رهبری از جنبه اجتماعی، فلسفه تاریخ، فلسفه اخلاق، اقتصاد اسلامی و فلسفه اجتماع را از مسائل کلام جدید شمرده است.^۱ صادق لاریجانی نیز مباحث مربوط به دین و دیانت به طور کلی، مباحث مربوط به فهم دین (معرفت دینی)، مباحث مربوط به اعتقادات خاص دینی، مباحث مربوط به جنبه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دین را از امهات مسائل کلام می داند. از دیدگاه وی مسائل زیر پاره ای از این مجموعه را نشان می دهد: الف) ساختار حکومت در اسلام و مشروعیت حکومت، ب) اسلام و مسأله آزادی، ج) اسلام و مسأله عدالت، د) حقوق انسان ها، تحقیق در حق طبیعی و نسبت آن با دین، ه) پاره ای از مسائل خاص در حقوق جزائی و مدنی اسلام و توجیه یا تبیین آنها، و) حقوق زن در اسلام، موقعیت زن در دین اسلام، ز) الگوهای معیشتی در اسلام، مسأله زهد و اسراف، ح) روحانیت و نقش آن در اسلام، ط) فرهنگ عاشورا و قیام حسینی، ی) احیای تفکر دینی، ک) مالکیت در اسلام، و) نسبت دین و ایدئولوژی.^۲

1. مرتضی مطهری، *پیرامون جمهوری اسلامی*، تهران، صدرا، ۱۳۶۴، ص 38. همان، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران، صدرا، ۱۳۶۸، ج 24، ص: 285.

2. صادق لاریجانی، *دراقتراح مجله نقد و نظر درباره «کلام در روزگار ما»*. فصلنامه نقد و نظر، 1375، شماره 9.

نکته دیگر آن است که مسائل و مناقشات کلام سیاسی را می توان به صورت کلی در یک یا دو عنوان دین و سیاست و یا قلمرو دین مندرج ساخت. اما تفکیک آن ها در این تحقیق بر اساس سه متغیر است. یا به دلیل تفکیک در علم کلام و کتاب های کلامی است. یا به جهت تولید ادبیات مستقل در دوره مورد بررسی است و یا به علت دربرگرفتنی هر دو بعد است.

3- رقابت سیاسی

تعریف لغوی و اصطلاحی رقابت سیاسی وابسته به آن است که ابتدا دو واژه رقابت و سیاست بررسی شود تا آن گاه رقابت سیاسی معنا گردد. **رقابت:** در اکثر لغت نامه ها و فرهنگ ها رقابت و رقیب هم طراز یکدیگر توضیح داده شده است. برخی رقابت را نوعی هم چشی کردن همراه با نگرهبانی و مراقبت از مواضع و عملکرد رقیب دانسته اند.¹ فرهنگ عمید رقابت و رقیب را در دو ستون بررسی کرده است. ذیل رقابت نگرهبانی کردن، انتظار کشیدن، چشم داشتن بر چیزی، هم چشی کردن و چشم داشت را آورده است.² ذیل رقیب آن را در عربی به معنای نگرهبان، پاسبان، نگهدارنده، مواظب، منتظر که جمع آن رقباء است آورده است. اما رقیب در فارسی را که جمع آن رقیبان است به معنای دو شخص که به یک چیز یا یک تن مایل و عاشق باشند و هر کدام رقیب دیگری است گرفته است.³

در لغت نامه دهخدا از مراقب نیز سخن به میان آمده است؛ مراقب: هو رقیب نفسه یعنی انتقاد می کند از اعمال خود و راهی را برای انتقاد مردم باقی نمی گذارد.⁴ در لغت نامه دهخدا معانی متناظر دیگری نیز آمده است. مانند آن که «ستاره ای که چون طلوع کند ستاره مقابل او فرو شود و همه منازل رقیب اند مر صاحب خود را» یا «ستاره یا صورتی که فرو شود چون دیگری برآید. چون ثریا که رقیب اکلیل است و بالعکس».⁵ در دهخدا به آیه «ما یلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید»⁶ نیز اشاره شده است: رقیب دست چپ فرشته ای موکل بر اعمال بد شخصی و رقیب دست راست فرشته ای موکل بر اعمال نیک شخصی.⁷ بر این اساس به نظر

زمستان ۱۳۷۵، صص 36 - 10.

1. محمد معین، فرهنگ معین، بوستان توحید، 1383، ص 1666.

2. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، 1379، ص 704.

3. همان، ص 705.

4. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: چاپ دوم از دوره جدید، 1377، جلد هشتم، ص 12203.

5. همان، ص 12203.

6. سوره ق، آیه 18.

7. لغت نامه دهخدا، جلد هشتم، ص 12204.

می‌رسد که رقابت با نقد، مواظبت و محافظت و انتظار رابطه‌ای تنگاتنگ و وجودی دارد و این سه جزء ارکان معنای رقابت محسوب می‌شوند. اما معانی دیگر ممکن است اتفاق افتد و دائمی و ذاتی آن نیست. مانند هم چشمی کردن و در واقع حسادت ورزیدن که می‌تواند همراه رقابت باشد یا نباشد. همچنین دوستی با طرف دوم و سوم و یا افول رقیب می‌تواند گاه باشد و گاه نباشد که همه جزء عرضیات رقابت محسوب می‌شود.

در اصطلاح نیز بیشترین ادبیات کاربردی رقابت در عرصه اقتصادی است که کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره آن نگاشته شده است.^۱ همچنین در زمینه‌های حقوقی، فقهی، روان‌شناسی و اجتماعی نیز رقابت کاربرد دارد.

سیاست: سیاست از واژگانی است که تعریف آن سهل و سخت است؛ کاربرد و فهم آن در گفت و گوهای روزمره آسان اما در مقام تحریر و تشخیص دیرپاب است و سخت در حصار تعریف در می‌آید. سیاست در لغت به معنای اداره کردن **امور مملکت**، مراقبت امور داخلی و خارجی کشور، اصلاح امور خلق و رعیت داری و مردم داری آمده است.^۲

در اصطلاح سیاست همچون مصادیقش تعاریفی گوناگون دارد و هر دانشمند بنا بر خاستگاه فکری و روش شناختی و جهان بینی خود دست به تعریفش زده است. البته باید سیاست به مثابه کنش سیاسی از سیاست به مثابه علم سیاست تفکیک شود. گرچه در یک نگاه ساده علم سیاست علم مطالعه و بررسی کنش سیاسی است. در این تحقیق آنچه مورد کاوش قرار می‌گیرد تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر کنش سیاسی یعنی رقابت سیاسی است. اما کل تحقیق در زمره علم سیاست قرار می‌گیرد.

فیض کاشانی در الوافی سیاست را استعمال عقل علمی و تهذیب اخلاق چه سانس از خارج باشد مثل سلطان و چه از داخل باشد مثل حسن تدبیر نفس می‌داند.^۳ ابونصر فارابی در آثار خود رابطه فرمان‌دهی و فرمان‌بری و خدمات حکومت خوب را سیاست می‌داند. از نظر وی حاصل خدمات سیاست است.^۴ ابو حامد غزالی سیاست را در بالای همه علوم قرار می‌دهد و بر آن است که سیاست تنها دانشی است که زندگی صلح جویانه را در این دنیا به مردمان می‌آموزد

۱. . . ر. ک: اندرو کراوچ، **ذهن رقابتی، برنامه‌ریزی استراتژیک**، شرکت مهندسی نفت و گاز اسپانیر، شیرکوند، فرشید، ۱۳۸۹. **مدیریت تکنولوژی**: رمز موفقیت در رقابت و خلق ثروت خلیل، طارق تکنولوژی - مدیریت، دفتر پژوهشهای فرهنگی، اعرابی، محمد، مترجم، ایزدی، داود، ، ۱۳۸۶. یحیی اردلان، **رقابت آزاد و انحصار، تجربه چند کشور** سازمان برنامه و بودجه. گروه مطالعاتی بررسی قوانین و مقررات مانع توسعه. سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، . . ۱۳۷۴.

۲. حسن عمید، **فرهنگ فارسی عمید**، ص ۸۱۹.

۳. ملا محسن فیض کاشانی، **الوافی**، اصفهان، مکتبه امیر المومنین، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۲۶.

۴. ابونصر فارابی، **احصاء العلوم**، تریب الحسین خدیوچم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸، ص ۱۰۷-۱۰۸.

و نجات دهنده در دنیا و آخرت است.^۱ خواجه نصیرالدین سیاست را در بحث حکمت عملی می‌بیند و آن را نوعی تدبیر می‌داند.^۲

اما سیاست به مفهومی که در زبان‌های اروپایی متداول شده است، ریشه در دولت شهرهای یونان باستان دارد. در زبان یونانی و در دوره باستان به مکان زندگی مردم «asty» گفته می‌شد. Polis نیز قلعه‌ای بود که در پای asty ساخته می‌شد. اما کم کم مفهوم Polis تغییر یافت و به معنای جامعه سیاسی که دارای قدرت حکمرانی است، به کار رفت. بنابراین از آنجا که شهر Polis به تدریج در شکل جامعه منسجم سیاسی که از نعمت حکومت با دانستن حق حاکمیت ظهور کرد سیاست، علم و دانش چگونگی اداره شهر محسوب شد. Policy یا Politics در واقع دانش اداره و تدبیر کشورهاست.^۳ هاروارد لاسول معتقد است سیاست علمی است که به ما می‌آموزد چه کسی می‌برد، کجا می‌برد و چرا می‌برد.^۴

ریمون آرون سیاست را تصمیم‌گیری درباره رویدادهای ناگهانی در جامعه می‌داند. برتراند راسل سیاست را با قدرت معادل دانسته و قدرت را پدید آوردن آثار مطلوب تعریف کرده است.^۵ برخی اساساً موضوع سیاست را رقابت دانسته‌اند: سیاست «کاربرد قدرت» و یا «پیکار بر سر قدرت است یعنی رقابت و هم‌چشمی سیاستمداران در مبارزه برای به دست آوردن قدرت یا حفظ خویش در موضع قدرت.^۶ البته ما در این پژوهش این تعریف را که سیاست اعمال نفوذ به منظور تأمین اهداف اجتماعی است به دیده قبول می‌نگریم و برمی‌کشیم.

3-1. رقابت سیاسی در لغت

در لغت بر اساس معانی پیش گفته می‌توان عنوان کرد که رقابت سیاسی نوعی نقد و محافظت و مترصد رقیب بودن در اداره کشور و کسب قدرت است تا هرگاه دچار خطا یا اشتباهی گردید آن را گوشزد نماید و عیان سازد. البته این مسأله می‌تواند همراه با خویش‌تنداری و دلسوزی واقعی باشد یا آن که همراه حسادت و هم‌چشمی کردن و به قصد تلویت رقیب اتفاق افتد. اما در اصطلاح در ادبیات علوم سیاسی، دانشمندان این علم عمدتاً به طور صریح به تعریف رقابت سیاسی نپرداخته‌اند. بلکه بیشتر به صورت ضمنی و یا در ذیل دیگر

1. غزالی، *احیاء العلوم الدین*، موید الدین خوارزمی، تهران: علمی و فرهنگی، 1368، ص 38.

2. خواجه نصیر الدین طوسی، *اخلاق ناصری*، مجتبی مینوی، ۱۳۶۴، ص 252.

3. سید محمد رضا احمدی طباطبایی، *اخلاق و سیاست*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول، 1387ش، ص 52-53.

4. مک آیور، *جامعه و خدمت*، ابراهیم علی کنی، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، 1344، ص 264.

5. برتراند راسل، *قدرت*، نجف دریابندری، تهران: خوارزمی، 1361، ص 217.

6. موریس دوورژه، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه ابوالفضل قاضی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. ۱۳۶۷ ص 20 به بعد.

مفاهیم هم افق، آن را تعریف کرده‌اند که این یا به دلیل بداهت آن بوده است و یا تعریف آن را با شاخصه‌ها، مقومات، بنیادهای، ملزومات، سازوکارها و نتایج آن شناسانده‌اند. در میان این مفاهیم هم عرض، مشارکت سیاسی نزدیک‌ترین مفهوم به رقابت سیاسی است که معمولاً تفکیکی میان آن دو صورت نمی‌گیرد و در جای خود بدان خواهیم پرداخت.

رقابت سیاسی مفهومی تازه یاب با کارکردی دیرپا است که قدمتی به درازای عمر انسان دارد. این هم به دلیل خصلت ذاتی اجتماعی بشر یا به تعبیر ارسطو مدنی الطبع بودن اوست که همبستگی و گسستگی توامان را به ارمغان می‌آورد. هم به جهت محدودیت منابع در دسترس انسان است که از همان لحظه‌های نخست گریبان او را گرفته است و داستان مشهورهابیل و قابیل را رقم زده است. در واقع نامحدود بودن خواستها و محدودیت امکانات به رقابتی دائمی انجامیده است. اما سرشت یا شاید چهره رقابت سیاسی در گذر تاریخ تفاوت‌های جدی پیدا نموده است. عمدتاً این تفاوت را در دو دوره مدرن و پیشامدرن تعریف کرده‌اند که بیانگر تحولات آن است.

نخستین تفاوت دو دوره مدرن و پیشامدرن آن است که رقابت سیاسی در دوره پیشامدرن قرین با خشونت بوده است. به گونه‌ای که خشونت یکی از خصلت‌ها و بلکه ارزش‌های رقابت سیاسی محسوب می‌شده و امری عادی در فرایند رقابت بوده است. حال آن در جهان مدرن امروزی رقابت سیاسی مسالمت آمیز خصلت و ارزش تلقی می‌شود و خشونت امری تقبیح شده و ضد فرهنگی است. تفاوت دیگر در هدف از رقابت سیاسی نهفته است که در جهان پیشامدرن امری غریزی و صرفاً برای کسب منابع بوده است.

اما در دنیای مدرن و امروزی هدف امری عقلانی است که آن تحقق شایسته سالاری است. تفاوت دیگر آن است که در رقابت سیاسی پیشامدرن اغلب، محور رقابت مسائل هویتی است. چه هویت قومی - نژادی، هویت دینی، هویت زبانی یا هویت ایدئولوژیک. اما در دوره مدرن اغلب رقابت‌های سیاسی یا بخش بزرگی از آن هویتی نیست. بلکه محور رقابت مسائل اقتصادی و اجتماعی است. تفاوت دیگر توده وار بودن رقابت سیاسی در دوره پیشامدرن و قانونمندی و نهادمندی آن در دوره مدرن است. از دیگر تفاوت‌ها رقابت گریز از مرکز در دوره پیشامدرن و رقابت متمایل به مرکز در دوره مدرن است. تفاوت دیگر که محل بحث است برون سیستمی بودن رقابت در جهان پیشامدرن و درون سیستمی بودن در جهان مدرن است. البته نکته قابل تامل در آن این است که در جهان پیشامدرن به طور اصولی یک سیستم بیشتر وجود نداشته است تا برون و درون سیستمی بودن رقابت معنا یابد.

جدول 1-1: ویژگی‌های رقابت سیاسی در دو عصر پیشامدرن و مدرن¹

ویژگی دوره	پیشامدرن	مدرن
رقابت سیاسی	خشونت آمیز	مسالمت آمیز
	هدف: صرفاً کسب منابع	هدف: شایسته سالاری
	هویتی	اقتصادی و اجتماعی
	توده‌ای	قانون مند و نهادی
	گریز از مرکز	متمایل به مرکز
	برون سیستمی	درون سیستمی

3-2. رقابت سیاسی و مشارکت سیاسی

در سنجش نسبت رقابت سیاسی و مشارکت سیاسی می‌توان گفت که مشارکت سیاسی اعم از رقابت سیاسی است. زیرا تحقق رقابت سیاسی منحصراً در ذیل مشارکت سیاسی صورت می‌گیرد. اما مشارکت سیاسی الزاماً همراه با رقابت سیاسی نیست. چنانچه در مشارکت سیاسی تبعی رقابت سیاسی وجود ندارد یا آن که بسیار کم رنگ است. البته مشارکت سیاسی واقعی و پویا و فعال همواره مبتنی بر رقابت سیاسی است.

امروزه مشارکت سیاسی از مهم‌ترین شاخصه‌های کار آمدی و عدم مشارکت سیاسی به عنوان یکی از نشانه‌های ناکارآمدی دولت‌ها محسوب می‌شود و بدین معناست که دولت مزبور قادر به ایجاد شبکه‌های ارتباطی میان ترتیبات نهادی قواعد بازی و هنجارهای مربوط به مشارکت سیاسی و کار آمدی در سطح کلان و نیز در فرایندهای سیاسی خود نیست. برای مشارکت سیاسی تعاریف مختلفی ذکر کرده‌اند. برخی آن را «عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران و سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی دانسته‌اند. (مایرون واینر) برخی آن را رفتاری که قصد تأثیرگذاری بر نتایج حکومتی را دارد معرفی کرده‌اند. (میل برات) و پاره‌ای آن را کوشش‌های شهروندان غیر دولتی برای تأثیر بر سیاست‌های عمومی انگاشته‌اند. (ساموئل هانتینگتون و جان نلسون)² در هر یک از این تعاریف لازمه یا نتیجه مشارکت سیاسی رقابت سیاسی است.

¹ . برگرفته از کتاب *رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران* تألیف غلامرضا خواجه سروی، ص 50.

² . حسن آب نیکی، *جهانی شدن و چالش‌های مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش سیاست نظری، دوره جدید، شماره دهم، پاییز و زمستان 1390 ص 109 تا 132.

3-3. فرهنگ رقابت

فرهنگ رقابت در واقع زیربنایی ترین مقوم رقابت سیاسی است. فرهنگ رقابت از جهاتی معادل یا مترادف و یا متقارن با فرهنگ سیاسی است. این فرهنگ سیاسی است^۱ که در نهایت به عنوان عامل تسهیل کننده یا بازدارنده رقابت سیاسی می تواند عمل کند. هرگونه حرکتی در جهت تغییر مسیر رقابت سیاسی چه اعتلای آن و چه تقلیل آن وابسته به وضعیت فرهنگ سیاسی جامعه است که البته مبتنی بر سابقه و کیفیت انباشت تجربه سیاسی آن جامعه در طول ادوار مختلف زیست آن جامعه است. ظاهراً نخستین بار «گابریل آلموند» واژه فرهنگ سیاسی را در علم سیاست به کار گرفت. فرهنگ سیاسی مجموعه نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که به فرایند و زندگی سیاسی شکل می‌بخشد. فرهنگ سیاسی شامل تلقی مردم و جهت‌گیری آنها نسبت به نظام سیاسی و کار کردهای آن، ساختارها، نهادها و عملکردهای سیاسی است. برخی دیگر برآنند فرهنگ سیاسی یعنی همه جنبه‌های ذهنی و بینا ذهنی نظام معنایی مرتبط با سیاست که دارای وجه شناختی (تعیین «تعریف و تشریح») و هنجاری (توجیه یا تقبیح) است.^۲

فرهنگ سیاسی آن چنان که پای می‌گوید خود از دو زیر مجموعه فرهنگ سیاسی نخبگان و عموم مردم تشکیل شده است.^۳ هر میزان سطح فرهنگ سیاسی نخبگان بالاتر رود و آنان نیز به نوبه خود در اعتلای فرهنگ سیاسی توده مردم مؤثر باشند و در نتیجه به هم در جهت استعلا نزدیک‌تر باشند رقابت سیاسی قاعده‌مندتری جریان پیدا خواهد کرد. برخی فرهنگ سیاسی را به سه قسم فرهنگ سیاسی محدود یا سنتی، فرهنگ سیاسی تبعی یا منفعل، و فرهنگ سیاسی مشارکتی و فعال طبقه بندی کرده‌اند که در فرهنگ سیاسی مشارکتی امکان بیشترین رقابت سیاسی وجود دارد.^۴

1. برای مطالعه بیشتر. ک: محمد رضا شریف، *انقلاب آرام: درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران معاصر*، تهران، روزنه، ۱۳۸۰؛ علی اصغر کاظمی، *بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر*، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶؛ محمد قالیباف خراسانی، *فرهنگ سیاسی (رویکردی مغفول در فرایند دموکراسی سازی و شناخت جوامع*، انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران، ۱۳۸۹؛ محمود سریع القلم، *فرهنگ سیاسی ایران*، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ایران. تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ رشید جعفرپور کلوری، *فرهنگ سیاسی در ایران*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۹؛ یو، دال سیونگ، *فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی مطالعه تطبیقی کره و ایران*، تهران، خانه سبز ۱۳۸۱.

2. احمد گل محمدی، *درآمدی بر تبیین فرهنگی سیاست*، نگاهی به رهیافت فرهنگ سیاسی در علم سیاست، پژوهشنامه علوم سیاسی، بهار، 1386، شماره ۶.

3. پای، *هویت و فرهنگ سیاسی*، ص 163-161.

4. لوسین پای، *فرهنگ سیاسی*، ترجمه مجید محمدی، نامه فرهنگ، شماره ۵ و ۶، سال دوم، ص 39.

3-4. الگوهای رقابت سیاسی

الگوهای رقابت سیاسی را می‌توان در سه الگوی اصلی توضیح داد. رقابت بر نظام سیاسی، رقابت برای نظام سیاسی و رقابت در چارچوب نظام سیاسی.^۱ در الگوی رقابت بر نظام سیاسی رقابت خصلتی براندازانه و انقلابی دارد و در پی هدم کلیت نظام سیاسی است. در این الگو نظم سیاسی مستقر برافتاده و نظم سیاسی تازه‌ای جایگزین آن می‌شود. در این الگو رقابت میان اپوزیسیون برانداز و غیر قانونی با نظام سیاسی مستقر است. در این قسم، نیروهای رادیکال به دنبال حذف نظام سیاسی و کارگزاران و سیاست‌های آن است. البته این الگو می‌تواند در جاتی داشته باشد. مسالمت آمیز یا خشونت آمیز باشد که در گذشته بیشتر خشونت آمیز بوده است.

در الگوی رقابت برای نظام سیاسی رقابت ارزش ذاتی ندارد، نظام سیاسی دارای خصلتی اقتدارگراست و رقابت تنها در مواقع ضرورت و به صورت کنترل شده، هدایت شده، فرمایشی و تزئینی به منظور ترمیم و تلطیف چهره نظام سیاسی کاربرد دارد. در این الگو رقابت سیاسی هیچ گونه اصالت و عمقی نخواهد داشت و رژیم اقتدارگرا بنا به ضرورت و برای نمایش رفتار مردم سالارانه فضای رقابت را به شکلی صوری مهیا می‌کند.

در الگوی رقابت در چارچوب نظام سیاسی، اصل نظام پذیرفته می‌شود و رقابت در سطح تغییر کارگزاران و برخی سیاست‌ها و رفتارهاست. در این الگو چند اصل به عنوان مفروضات مبنایی به رسمیت شناخته می‌شود. مشروعیت نظام سیاسی، محوریت قانون اساسی، عدم مطلوبیت تغییر رژیم و لزوم بقای آن، حکمیت و حاکمیت آرای عمومی و توافق کلی بر مرزهای رقابت این مفروضه‌ها را تشکیل می‌دهد.

3-5. رقابت سیاسی و ثبات سیاسی:

رقابت سیاسی و ثبات سیاسی رابطه‌ای تنگاتنگ دارند. دهخدا ثبات به فتح ثاء را بر جای ماندن، قرار گرفتن، دوام یافتن، پایدار ماندن، پابرجای، استقرار، ثبوت، پایداری، استواری، بقا، پابرجایی، پافشاری و ایستادن معنا کرده است.^۲ بی‌ثباتی نیز معنای مقابل ثبات را دارد. ثبات در اصطلاح تعاریف گوناگونی یافته است. از دیدگاه لرنر ثبات سیاسی عبارت از حالتی است که در آن بین سه طیف نخبگان در زمینه‌های مختلف تعادل نسبی حاصل از عدم فاصله جدی بین آنها برقرار باشد و هر گاه این تعادل در اثر افزایش فاصله برهم زده شود، بی‌ثباتی

1. اصغر افتخاری، *درآمدی بر نسبت رقابت سیاسی با سرانه ناامنی*، در: مجموعه مقالات و چالش‌های سیاسی در ایران امروز مجموعه مقالات منتشرشده جلد اول. تهران: وزارت فرمنک و ارشاد اسلامی. 1380، ص 77-78.

2. دهخدا، *لغت نامه دهخدا*، 1377 ج 8، ص 726.

سیاسی دا منگیر جامعه خواهد شد.^۱ ملوین بست ثبات سیاسی را در حوزه روابط بین الملل و با عنایت به مفهوم تعادل به شکل زیر تعریف می کند: موقعیت یا شرایط با ثبات بودن، مانند مقاومت در برابر تغییر، انفکاک یا سرنگونی ناگهانی.^۲ ایان لاستیک با هدف مطالعه ثبات در جوامع آن را به شکل ذیل تعریف می کند: ثبات یا ثبات سیاسی به عملیات مداوم الگوهای خاصی از رفتار سیاسی جدا از به کارگیری غیر قانونی خشونت اشاره دارد که عموم مردم نیز آگاهانه با آن همراه شده و انتظار دارند چنین الگوهایی احتمالاً تا آینده‌ای قابل پیش بینی دست نخورده باقی خواهند ماند.^۳

6-3. قاعده‌مندی و بی قاعده‌گی رقابت سیاسی:

فرهنگ عمید قاعده را به معنای بنیان، اساس، پایه، اصل و قانون دانسته است.^۴ برخی دیگر گفته‌اند قاعده بر اصل و قانون و ضابطه دلالت کند و امری کلی می‌باشد.^۵ البته برخی کلمات دیگر مانند هنجار و بسامان مترادف آنند. هنجار در لغت به معنای راه، روش، راه راست، جاده و قاعده آمده است.^۶ همچنین در لغت آراستگی و نظم، آرام و قرار و اندازه از معانی سامان ذکر شده است.^۷ بر این اساس بی قاعده‌گی را می‌توان به معنای بی قانونی، بی هنجاری، نابسامانی، بی روشی، بی نظمی و بی اندازه‌گی و نا آرامی گرفت. بدین ترتیب قاعده‌مندی در رقابت سیاسی به مفهوم رعایت ضوابط و قوانین، هنجارمندی و بسامانی و روشمندی و حاکم بودن آرامش اخلاقی در آن است. بی قاعده‌گی رقابت سیاسی نیز به معنای بی قانونی، ناهنجاری، نابسامانی، بی نظمی، ناآرامی و تلاطم و حرکت در غیر مسیر اصلی رقابت است. بی قاعده‌گی طیفی از رفتار بی قاعده خشونت آمیز فیزیکی مانند ترور تا خشونت کلامی و رفتاری و نیز رفتارهای غیر قانونمند و یا غیر اخلاقی را شامل می‌شود.

4. بازیگران رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی

در جمهوری اسلامی ایران محور رقابت‌های سیاسی عمدتاً جناح بندی‌های سیاسی و سپس احزاب سیاسی بوده است. البته جناح بندی‌های سیاسی صورت بندی گفتمان‌های

1. غلامرضا خواجه سروی، *رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، 1382، ص 83.

2. غلامرضا خواجه سروی، *همان*، ص 87.

3. *همان*، ص 94.

4. *فرهنگ عمید*، ص 967.

5. *فرهنگ أبجدی عربی-فارسی*، ترجمه المنجد الابجدی / [مؤلف فواد افرام البستانی]؛ مترجم رضا مهیار، تهران: اسلامی، 1370، ص: 111.

6. *فرهنگ عمید*، ص 1269.

7. *همان*، ص 761.

سیاسی به شمار می‌رود از این رو پرداخت مختصری از گفتمان‌ها نیز لازم است.

جناح بندی: جناح به فتح جیم در لغت به معنای هر یک از دو طرف لشکر در میدان جنگ است.¹ در اصطلاح تعریف اجماعی برای آن وجود ندارد. اما در سه مفهوم به کار رفته است. به مفهوم گروه بندی در داخل حزب سیاسی، گروه بندی در جنگ داخلی و گروه بندی در درون نظام سیاسی.² در این پژوهش مفاهیم نخست و سوم بیشترین کاربرد را دارد. مفهوم دوم را نیز شاید با تسامح بسیار بتوان بر اوایل دهه شصت تطبیق داد.

هانتینگتون ویژگی‌های مرحله جناح بندی را چنین بر می‌شمارد: یک) اشتراک سیاسی و نهاد مندی سیاسی در سطح پایینی قرار دارد. دو) در این مرحله افراد و گروه‌ها، چارچوب‌های سنتی رفتار سیاسی را در هم می‌شکنند، ولی هنوز سازمان‌های نوین را تغییر نداده‌اند. سه) سیاست جامعه را چند فرد سر شناس تعیین می‌کنند که هر یک از طریق بسیاری از گروه بندی‌ها و ائتلاف‌های گذرا و ضعیف با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. چهار) این گروه بندی‌ها چندان دوامی ندارند و از هرگونه ساختار بی‌بهره‌اند. پنج) این گروه بندی‌های سیاسی را به ظاهر می‌توان احزاب نامید، اما پایداری سازمانی و پشتیبانی اجتماعی را که جوهر هر حزبی است، ندارند.³ برخی منظور از جناح بندی را وجود اختلاف نظر درباره مسایل اساسی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، در حاکمیت در طول زمان که باعث شده است تا دیدگاه‌های نزدیک به هم، حول یک محور جمع شود دانسته‌اند.⁴

برخی دیگر برآنند که جناح (Faction) مجموع گروه یا گروه‌هایی که با اهداف و دیدگاه‌های مشترک در کوتاه مدت و یا بلند مدت به منظور رقابت و کسب قدرت سیاسی، در داخل یک حکومت یا حزب گرد هم می‌آیند، بدون این که دارای ماهیت رسمی و شخصیت حقوقی باشند. جناح را بخشی از یک واحد یا جریان سیاسی دانسته‌اند، لذا برای نمونه به جناح حکومت، جناح حزب، جناح راست و چپ تعبیر می‌شود.⁵

جناح بندی را می‌توان حلقه دوم از حلقات سه گانه محفل گرایی یا باند گرایی، جناح بندی و تحزب بر شمرد. محفل گرایی یا باند گرایی بیشترین حد محوریت شخصی و روابط خصوصی و گاه شغلی را دارد. در جناح گرایی از میزان روابط خاص شخصی و خصوصی کاسته

1. فرهنگ عمید، ص 510.

2. سعید برزین، *جناح بندی سیاسی در ایران*، نشر مرکز، تهران: 1377، ص 5.

3. ساموئل هانتینگتون، *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم، 1370، ص 597.

5. احمد نقیب زاده، غلامعلی سلیمانی، *نوسازی سیاسی و شکل‌گیری احزاب در جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره 39، شماره 4، زمستان 1388، ص 347-368؛ همان، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره 17، تابستان 1388.

5. *جریان شناسی سیاسی*، اینترنت. <http://www.siasi.porsemani.ir>.

می‌شود. در تحزب نیز که عموماً جنبه خصوصی و شخصی وجود ندارد. جناح‌ها معمولاً از یک هسته مرکزی منسجم تشکیل شده و سپس پیرامون خود را شکل می‌دهند و غالباً از درون نظام بر می‌خیزند. در جناح بندی نقش رهبران و شخصیت‌های اثرگذار و شناخته شده پر اهمیت است. تعیین و تبیین هویت اجتماعی، ایجاد زمینه گفت و گوی اجتماعی، تبدیل توافق‌های عمومی به استراتژی‌های ملی، کسب پایگاه اجتماعی، دست یابی به منابع مالی برای پیشبرد اهداف ملی، سازماندهی تشکیلاتی، متقاعد کردن مردم، ایجاد تعادل و خلق شخصیت‌های جایگزین از جمله کارویژه‌های جناح بندی محسوب شده است.^۱ نکته دیگر آن است که جناح بندی هم در شرایط کاملاً باز، هم در شرایط نیمه باز و هم در شرایط بسته امکان شکل گیری دارد.

در مقایسه جناح و حزب ویژگی‌های جناح روشن تر می‌شود. جناح‌های سیاسی فاقد ویژگی یک حزب سیاسی هستند زیرا احزاب اساس نامه و مرام نامه دارند، در حالی که جناح‌ها، اساس نامه و مرام نامه ندارند. احزاب سیاسی دارای برنامه عمل مدون هستند و کادر سازی می‌کنند در حالی که جناح‌ها برنامه عمل مدونی ندارند و می‌توان در طول زمان مواضع متفاوتی از آنها مشاهده کرد. احزاب شبکه‌های گسترده در سراسر کشور دارند که با سازمان‌های مرکزی خود ارتباط دارند، ولی جناح‌ها چنین شبکه‌هایی را ندارند و متمرکز عمل می‌کنند. احزاب به دنبال کسب قدرت هستند ولی جناح‌ها به دلیل این که شرایط و کادر لازم را ندارند، تنها به دنبال اثرگذاری بر قدرت هستند. احزاب از سیاست‌های مشخص پیروی می‌کنند، ولی جناح‌ها بیشتر به صورت یک طیف فکری عمل می‌کنند: یعنی در درون آنها می‌توان گرایش‌های مختلفی را مشاهده کرد و دارای مواضع یکپارچه‌ای نیستند.^۲

احزاب یکی از مهم‌ترین نهادهای رقابت سیاسی است. واژه حزب party از مصدر *partir* به معنای رفتن و قسمت کردن گرفته شده است. در قرون وسطا party معنای نظامی داشت و به دسته‌ای که برای رفتن به صحنه نبرد از دیگران مجزا و اعزام می‌شدند، اطلاق می‌گردید. در قرن نوزدهم، برای مدت‌ها گرایش فکری و طرز نگرش مترادف بود: گرایشی که اندیشه‌های یک طبقه یا گروه اجتماعی را به نمایش می‌گذارد.^۳ برخی گفته‌اند «حزب» عبارت است از: گروهی از مردم که آرمان‌های مشترک و منافع خاصشان آنها را از گروه بزرگ‌تر، که جامعه ملی است، متمایز می‌سازد و با داشتن تشکیلات و برنامه منظم و یاری مردم تلاش می‌کنند قدرت دولتی را به دست گیرند و یا در قدرت دولتی شرکت کنند.^۴ به عبارت دیگر، «حزب» نهاد و سازمانی

1. سعید برزین، *جناح بندی سیاسی در ایران*، ص 34-32.

2. حجت مرتجی، *احزاب سیاسی در ایران امروز*، تهران: نقش و نگار، 1377. ص 1.

3. احمد نقیب زاده، *حزب و نقش آن در جوامع امروز*، تهران: دادگستر و میزان، 1378، ص 13.

4. علی آقابخشی و دیگران، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: چاپار، 1383. ص 493.

منظم در درون یک نظام سیاسی است که از اشخاص حقیقی که دارای یک هدف و آرمان خاصی هستند، تشکیل شده و دارای اساس نامه و مرام نامه خاصی است و در سایه رعایت و پیروی از اصول قانون اساسی در پی فتح قدرت عمومی است.^۱

«برک» حزب را گروهی از افراد جامعه می‌داند که با یکدیگر متحد شده و بر مبنای اصول خاصی که مورد پذیرش همه آنان است برای حفظ و توسعه منافع ملی می‌کوشند.^۲ دوورژه می‌گوید: حزب مجموعه‌ای از گروه‌های پراکنده در اطراف کشور است که در طریق سازمان‌های هماهنگ کننده به هم پیوسته اند.^۳ دیوید رابرتسون به این نکته اشاره ص کند که حزب گروهی سازمان یافته از کسانی است که دیدگاهی مشترک دارند و درصد دستیابی به قدرت سیاسی باشند.^۴ بر این اساس به نظر می‌رسد ویژگی یا شاخص‌های حزب را بتوان در این نکات برشمرد: وجود تشکیلات پایداری، وجود شعبه‌هایی که با مرکز پیوند و ارتباط داشته باشند، پشتیبانی مردم، کوشش برای دست‌یابی به قدرت سیاسی.

سه نوع نظام حزبی در جهان قابل احصاء است که عبارتند از نظام تک حزبی، دو حزبی و چند حزبی و هر یک تقسیمات دیگری نیز می‌پذیرد. واضح است که رقابت در نظام تک حزبی در کم‌ترین حد خود و در دو نظام دیگر گسترده‌تر خواهد بود. رقابت سیاسی در نظام حزبی از شفافیت و پاسخ‌گو سازی بیشتری برخوردار است.

4-1. دوره بندی جناح‌ها در جمهوری اسلامی^۵

در ترسیم دوره بندی جناح‌ها در جمهوری اسلامی تبیین‌های متعددی صورت گرفته است که اکثریت آن‌ها به لحاظ زمانی یا تحلیلی ناقص یا مبهم است. برخی از چهار جناح در دهه‌های 60 و 70 سخن گفته‌اند.^۶ برخی دیگر دوره‌های آنارشیسم، دوره انفعال و محدودیت، دوره قاعده‌مندی و تثبیت و دوره شکوفایی احزاب را ترسیم کرده‌اند.^۷ برخی دیگر از آغاز

1. *قانون فعالیت احزاب جمهوری اسلامی ایران*، بابک سعید، ناشر: نقش اندیشه، نوبت چاپ 3، 1392، ماده 1.
2. حسن محمدی نژاد، *احزاب سیاسی*، تهران: امیرکبیر، 1355، ص 34.
3. موریس دوورژه، *جامعه شناسی سیاسی* «ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: دانشگاه تهران: 1367، ص 426.
4. دیوید رابرتسون، *فرهنگ سیاسی معاصر*، ترجمه عزیز کیاوند، تهران: البرز، 1375، ص 110.
5. برای مطالعه بیشتر ر. ک: حجت مرتجی (صادق زیبا کلام)، *جناح‌های سیاسی در ایران امروز*، ناشر، نقش نگار، تهران: 1377، سعید برزین، *جناح بندی سیاسی در ایران از دهه 60 دوم خرداد 76*، نشر مرکز، تهران: 1377.
6. عباس شادلو، *اطلاعاتی درباره احزاب و گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در ایران امروز*، نشر گستره، تهران: 1379، زیر نظر سید مصطفی میرسلیم، جریان شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران (1357-1380) مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ناشر: انتشارات باز، تهران: 1384.
6. سعید برزین، *جناح بندی سیاسی در ایران*، صص 67-47.
7. کمال اکبری، *نقش احزاب در سیاست پس از انقلاب اسلامی*، مجله علوم سیاسی، شماره 47، پاییز 1388.

انقلاب، دهه 60 تا 76 و پس از دوم خرداد سخن گفته‌اند.¹ پاره‌ای دیگر برآنند که جناح لیبرال دموکراسی در دولت موقت، جناح سوسیال دموکراسی در ریاست جمهوری بنی صدر، جناح چپ سنتی در دوره جنگ، جناح راست میانه در دولت هاشمی رفسنجانی، جناح اصلاح طلبی در دولت خاتمی و اصول گرایی عدالت خواه در دولت احمدی نژاد حضور داشته اند.²

بعضی دیگر از دوران گذار؛ دوران دفاع مقدس؛ دوران سازندگی؛ دوران اصلاحات؛ و دوران اصول گرایی سخن گفته‌اند.³ گروه دیگری از سال‌های 60-57 و پس از سال 60.⁴ پاره‌ای دیگر از ائتلاف نیروی سنت گرای مذهبی با چپ التقاطی و لیبرال‌ها در انقلاب 57، ائتلاف نیروی سنت گرای مذهبی با چپ التقاطی علیه لیبرال‌ها و سقوط دولت موقت؛ تقابل نیروی سنت گرای مذهبی با رادیکال‌های اسلامی و پیروزی مذهبی‌ها؛ ائتلاف مذهبی‌ها و پدید آمدن چپ و راست مذهبی برای تبیین فضای سیاسی دهه اول و دوم استفاده کرده‌اند.⁵

کتاب جریان شناسی سیاسی در ایران اوان انقلاب، دهه 60، دهه 70 و دهه 80 را مطرح ساخته است.⁶ کتاب اسلام سیاسی در ایران سال‌های آغازین انقلاب؛ 60 تا 76؛ و پس از 76 را دوره‌های اصلی دانسته است.⁷ جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران از پنج صورت بندی عصر تأسیس، دفاع مقدس، سازندگی، اصلاحات و اصول گرایی سخن گفته است.⁸

این طبقه بندی‌ها اگر چه همگی قابل استفاده است و بر زوایایی پرتو می‌افکند. اما همان گونه که پیش از این نیز ذکر شد ناقص، مبهم، گاه تحریف شده و یا فاقد چارچوب‌های علمی تعریف شده و یا فاقد مانعیت و جامعیت نسبی است. مثلاً برخی از آنها طول سه دهه را پوشش نمی‌دهد. بر این اساس چارچوبه و صورت بندی رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران را که بر پایه جناح‌ها، جریان‌ها و احزاب صورت گرفته است را طبق نیاز رساله بازخوانی و بازسازی

1. گیتا علی آبادی، *انقلاب اسلامی و گفتمان‌های انتخابات در ایران*، فصل نامه رسانه، شماره 77، بهار 1388.
2. مریم بیژنی، کاظم معتمد نژاد و...، *جایگاه مشروعیت قانونی در گفتمان‌های سیاسی رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران*، فصل نامه علوم اجتماعی، شماره 46، پاییز 1388، 107-138.
3. غلامرضا بهروزلک، و مرضیه صفایی زاده، *جریان شناسی تحولات سیاسی-فکری در جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه علمی _ پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی سال هفتم، زمستان 1389، شماره 23.
4. علیرضا جوادزاده، *نقش هویت ملی ایرانیان در فراز و فرود جریان‌های فکری سیاسی دهه اول جمهوری اسلامی*، مجله معرفت سیاسی، شماره 4، پاییز و زمستان 1389.
5. حسین هرسیج؛ سیدمطهره حسینی، «شکل‌گیری جریان سیاسی چپ در دهه اول پس از انقلاب اسلامی»، فصل نامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مقاله 18، دوره 39، شماره 3، پاییز 1388، صص 361-383.
6. علی دارابی، *جریان شناسی سیاسی در ایران*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، 1388، صص 36-37.
7. سید محمد علی حسینی زاده، *اسلام سیاسی در ایران*، 1386، صص 282-443.
8. غلامرضا بهروزی لک، *جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران*، 1386، 229-236.

می‌کنیم. البته نیک آگاهییم که مانعیت و جامعیت تام بسیار سخت است اما به طور نسبی می‌توان آن را هدف گذاری کرد.

بر این پایه طبق فصول کتاب جناح‌ها، جریان‌ها و احزاب را ذیل چهار دوره تأسیس؛ تثبیت؛ سازندگی و اصلاحات؛ و اصول‌گرایی باز تعریف می‌کنیم. با این توضیح که ترسیم مرزها به گونه‌ای که عدم تداخل را تضمین کند تقریباً غیر ممکن است. این تعریفی نزدیک به تعریف دوره بندی بهروز لک است. با این تفاوت که وی دوره 60 تا 68 را دفاع مقدس نامیده و ما دوره تثبیت. زیرا این دوره منحصر به مسأله جنگ نبوده و ویژگی‌های دیگری نیز دارد که نام تثبیت را برازنده تر می‌سازد.

2-4. معیارهای گزینش افراد:

پژوهش در هر یک از ادوار جمهوری اسلامی دیدگاه‌های برخی شخصیت‌ها را در تبیین مناقشات کلامی سیاسی و یا رقابت‌های سیاسی در چهار دوره بررسی کرده است. در گزینش افراد سعی گردیده تا ملاک‌های مشخصی حاکم باشد تا بتواند علت گزینش را توضیح دهد. بر این اساس ذکر این نکته لازم است که امکان احصای تمامی افراد در این رساله نبوده است. رساله داعیه دار چنین جامعیت بی نظیر و گسترده‌ای نبوده است و تنها به دنبال نشان دادن نسبی تاثیرات مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی است. البته همه این افراد و گروه‌ها هم وزن نبوده و از عمق یکسانی برخوردار نیستند اما از ذکر آن‌ها ناگزیر بوده ایم. بر این پایه در قسمت مناقشات کلام سیاسی در هر یک از ادوار چهارگانه تأسیس، تثبیت، سازندگی و اصلاحات و اصول‌گرایی گزینش افراد بر پایه منطقی بوده است که می‌توان آن را این گونه توضیح داد. دارای تفکر کلامی سیاسی، کنش‌گری سیاسی، تاثیر موثر و ارتباط علنی با گروه‌های سیاسی، و اوج‌گیری در دوره زمانی خاص.

1. **برخوردار از تفکر کلامی سیاسی:** نخستین معیار برخورداری از اندیشه کلامی سیاسی و پرداختن به وجوه کلامی اندیشه نزد این افراد و گروه هاست. این به معنای هم طرازی آنان در گستره و عمق اندیشه کلامی سیاسی نیست. زیرا قطعاً تفاوت‌های جدی در گستره، استواری و عمق اندیشه میان آن‌ها وجود دارد. به طور نمونه تفکرات مطهری، جوادی آملی و مصباح یزدی و یا سروش و شبستری از این منظر تفاوت جدی و فاصله بسیار با اندیشه فرقان، پیمان و برخی افراد دیگر دارد. اما مولفه‌های دیگر ما را ناگزیر از توجهی به اندازه به آنان شده است. داشتن آثار مکتوب و یا آثار در دسترس یکی از شروط در این زمینه است.
2. **واجد کنش‌گری سیاسی:** دومین معیار گزینش کنش‌گری سیاسی افراد و گروه هاست. این که این شخصیت‌ها به طور مستقیم یا غیر مستقیم در صحنه سیاسی

حاضر باشند. به طور نمونه در احزاب سیاسی یا تشکل های سیاسی عضویت داشته باشند یا در جریان رقابت ها کنش گری از خود بروز دهند. له یا علیه نظام سیاسی یا جناح های سیاسی ابراز نظر کنند. تمامی شخصیت ها و افراد ذکر شده در تحقیق دارای کنش سیاسی تاثیر گزار بر رقابت های سیاسی در دوره مورد نظرند.

3. **دارای تاثیر موثر بر رقابت های سیاسی**: این گزاره بر آن است که افراد یا گروه ها دارای برجستگی خاص و عدم امکان نادیده گرفتن باشند. به گونه ای که نتوان آن ها را به کناری نهاد و نادیده گرفتنشان موجب عقیم شدن هر تحقیقی شود. موثریت به جز کنش گری است و میزان بالای تاثیر گذاری و کنش گری را نشان می دهد.

4. **زمان اوج گیری تاثیر**: نکته دیگر در معیارهای گزینش افراد آن است که آن فرد یا گروه در زمان مشخص در اوج تاثیر گذاری سیاسی و کنش گری سیاسی باشد. به طور مثال جوادی آملی از دوره سازندگی تا پایان اصلاحات به طور ممتد دارای اندیشه ورزی سیاسی و کنش گری سیاسی است اما در دوره اصول گرایی دیگر آن اوج کنش گری و تاثیر گذاری را ندارد و به نوعی نیز با جریان مسلط اصول گرایی چندان هم نوا نیست.

یا در مثال مهم دیگری محمد تقی مصباح یزدی را می باید نام برد. وی نقطه اوج حضورش در دوره اصول گرایی است که حرکت وی امتداد می یابد و رئیس جمهور مورد نظرش بر کرسی صدارت است. ضمن آن که اگر مصباح یزدی در دوره سازندگی و اصلاحات آورده شود در دوره اصول گرایی، این جریان بی متفکر خواهد ماند. بر همین پایه مصطفی ملکیان نیز در دوره اصول گرایی آورده می شود زیرا عمده کنش گری سیاسی وی در دوره اصول گرایی است.

5. **دارای تمایز تاریخی، فکری و یا سیاسی**: تمایز تاریخی، فکری و یا سیاسی یکی دیگر از معیارهاست که در برخی موارد مانند اسلام گرایان خط امام با لیبرالیست ها یا اصول گرایان و اصلاح طلبان تا حدود زیادی روشن است. در برخی موارد نیز شاید ابهام وجود داشته باشد. مثل تمایز اصول گرایان عدالت خواه با اصول گرایان. در تفاوت میان آوینی و رحیم پور ازغدی با کلیت اصول گرایان که البته دارای اشتراکات فراوانند اما به لحاظ نوع ارتباط های سیاسی و به لحاظ تاریخی و برخی مبناهای متفاوت فکری تمایز وجود دارد. به طور نمونه ارتباط آوینی با اندیشه های فردید و داوری یا ارتباط میان رحیم پور ازغدی با شریعتی و اندیشه های وی عامل تمایز بخشی است. اگرچه به جهت مباحث کلامی سیاسی نمی توان از این نگره های متفاوت در این تحقیق سخن گفت.

بر این اساس این معیارها موازین منطقی گزینش افراد و گروه ها در ادوار چهار گانه است. افراد و گروه های برجسته تر مطرح با این معیارها در تحقیق بررسی شده اند. بدین ترتیب اندیشه های کلام سیاسی هر شخصیتی تا آن دوره زمانی بررسی شده و بیان می گردد. مثلاً آرای بازرگان تا دوره تاسیس دستخوش تحولی نگردیده است بنابر این آثار او از دهه 40 تا دوره تاسیس مورد استناد واقع شده است. یا آرای مصباح یزدی از دوره اصلاحات تا اصول گرایی در دوره اصول گرایی مورد استناد قرار گرفته است.

بر همین اساس در دوره تاسیس مطهری و بهشتی؛ بازرگان و شریعتمداری؛ طالقانی، شریعتی، بنی صدر، فرقان و مجاهدین خلق؛ خوئی و گلپایگانی با وجود تفاوت سطح از آن جا که دارای برخی آثار توضیح دهنده اند گزینش شده اند.

در دوره تثبیت امام خمینی و هاشمی رفسنجانی؛ در چپ مذهبی، احمد آذری قمی و جامعه مدرسین، در راست مذهبی و نهضت آزادی و بازرگان در لیبرالیزم اسلامی مورد توجه واقع شده اند که مرجع فکری به شمار می روند. در دوره سازندگی و اصلاحات، در دوره سازندگی و اصلاحات می باید از عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری و مهدی بازرگان و مهدی حائری از سویی در جناح لیبرال اسلامی و عبدالله جوادی آملی در جناح راست اسلامی یا اصول گرا از سوی دیگر و حسین علی منتظری در جناح چپ اسلامی یا اصلاح طلب یا نوگرای دینی در جانب دیگر و پیمان در جناح سوسیالیست های اسلامی و آویسی که به جز جریان راست مذهبی متاثر از داوری و فردید است در جناح عدالت گرایان اسلامی نام برد.

در دوره اصول گرایی محمد تقی مصباح یزدی در اصول گرایان؛ محسن کدیور، اسدالله بیات و اکبر هاشمی رفسنجانی در اصلاح طلبان؛ مصطفی ملکیان در لیبرالیزم اسلامی و حسن رحیم پور ازغدی در میان عدالت گرایان اسلامی می توان نام برد.

نکته مهم دیگر آن است که به طور اصولی تحقیق درصدد بررسی و احصای همه اندیشه گران کلام سیاسی یا رخدادها و تمامی اجزا و جزئیات رقابت های سیاسی نیست. بلکه هدف نشان دادن مناقشات و مسئله ها و تاثیرات آن ها بر رقابت های سیاسی به طور مستقیم و غیر مستقیم است.

نکته دیگر آن که دیدگاه های بلند امام خمینی و مقام معظم رهبری به جهت پرهیز از قرار دادن آنان در ذیل جناح های سیاسی پرداخته نشده است. البته برخی دیدگاه های امام خمینی به جهت گذشت بیش از 20 سال از رحلت ایشان اشاره شده است. اما مواضع و دیدگاه های رهبری معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای به جهت حضور ایشان در متن معادلات سیاسی امکان پرداخت نداشته است. با آن که ایشان وجوه کلامی سیاسی اندیشه ایشان بسیار پر رنگ و برجسته است و شخصیت وی توانایی بسیاری در گفتمان سازی و ایده پروری دارد. به گونه ای که از نظر اندیشه ای تمامی جناح های موثر در حاکمیت جمهوری اسلامی امکان بهره

گیری از نظرات کلامی سیاسی ایشان را دارند. ضمن آن که کتاب ها و مقالات مختلفی نیز درباره تفکر سیاسی ایشان از جمله تفکرات کلامی سیاسی وی موجود است.^۱

شماره	معیار گزینش
1	برخوردار از تفکر کلامی سیاسی
2	واجد کنش گری سیاسی
3	دارای تاثیر موثر بر رقابت های سیاسی
4	اوج گیری تاثیر در دوره مورد نظر
5	دارای تمایز تاریخی، فکری و یا سیاسی

گفتار دوم: چارچوب نظری

چارچوب نظری شالوده تحقیق و جهت دهنده آن محسوب می شود. در همین راستا برآنیم تا زنجیره علی سلسله عوامل تأثیرگذار بر تحقیق موجود و مراحل مختلف آن را به صورت کلی بررسی کرده و سپس در فصول پسین بر مفاد پژوهش تطبیق دهیم. در این جهت خود بنیاد این چارچوب را پی ریخته اما در شالوده آن از رهیافتها و نظریه های مختلف یا اجزائی از آنان که ارتباطی داشته باشند بهره می بریم.

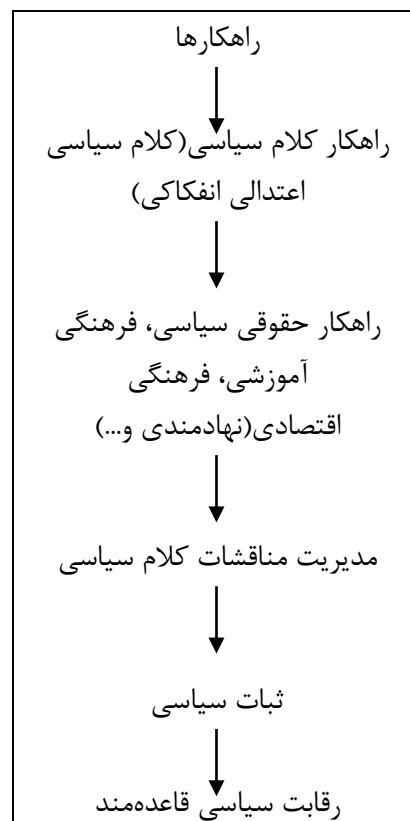
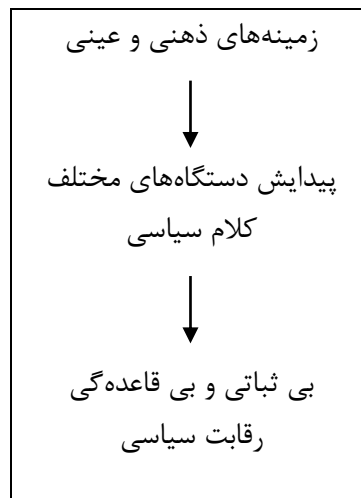
چارچوب نظری رساله حاضر مدلی ترکیبی است که در آن با الهام و وام گیری از دیدگاه های اسکینر و ساندرز به صورت تلفیقی و گزینشی و همراه با تصرف بهره برده شده است. در این مدل با استشهاد به هرمنوتیک قصدگرای اسکینر و نظریات ساندرز و برخی ابداعات می توان مجموع رساله را پوشش داد. بر این اساس می توان گفت که هر جریان و یا دستگاه کلام سیاسی متأثر از زمینه های سیاسی اجتماعی جمهوری اسلامی به تشخیص خاصی

^۱. **ولایت و حکومت**: برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری درباره ولایت و حکومت، مؤسسه جهادی. مرکز صهبا، ۱۳۹۱؛ ن علی اکبر نوابی، **اشاره های روشنی: استراتژی و دوره های تاریخی امامت از منظر مقام معظم رهبری**، تهیه و تدوین: دو ماهنامه اندیشه حوزه (نشریه تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی) // کتابنامه: ص. [۲۷۳]-۲۷۴، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹؛ آیت مظفری، **اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری** (مجموعه مقالات)، زمزم هدایت، بی تا؛ عباسعلی مشکانی سبزواری، **مقدمه ای بر فقه اجتماعی شیعه از نگاه مقام معظم رهبری**، فقه « پاییز ۱۳۸۹ - شماره ۶۵ (۴۱ صفحه - از ۲۳ تا ۶۳) محسن مهاجرنیا، مسائل فلسفه سیاسی در اندیشه مقام معظم رهبری، حصون ۱۳۸۵ شماره ۱۰؛ غلامرضا بهروزلک، **کلام سیاسی در اندیشه مقام معظم رهبری**، حصون، ۱۳۸۵، شماره ۱۰؛ **نگاهی کلی به اندیشه ی مقام معظم رهبری حول محور امامت**، اندیشه حوزه فروردین و اردیبهشت و خرداد و تیر ۱۳۸۹ شماره ۸۱ و ۸۲.



از بحران ذهنی یا عینی در جامعه می‌رسد و در پی علت یابی و ترسیم شرایط مطلوب برای خروج از بحران است. این مسأله منجر به سبک تفکر و بینشی تازه در کلام سیاسی شده و سپس به هندسه جدیدی از کلام سیاسی منجر می‌شود. آن گاه خود آگاهی جدیدی شکل می‌گیرد که منجر به تحولات تازه سیاسی اجتماعی می‌شود و این تحولات تازه رقابت‌های سیاسی جدیدی را رقم می‌زند و صورت بندی آن را تغییر می‌دهد. شدت و ضعف مناقشات کلام سیاسی بر شدت و ضعف بی‌قاعده‌گی رقابت‌های سیاسی در اشکال گوناگون تأثیر می‌گذارد.

نمودار 1-1. اجمالی چارچوب نظری



1. تفصیل مراحل چارچوب نظری

1-1. زمینه‌های ذهنی و عینی جدید

به اعتقاد اسکینر به جای تکیه صرف بر خود متن و یا تکیه صرف بر زمینه‌های سیاسی اجتماعی شکل گیری متون، باید در یک تعامل چند جانبه میان متن و زمینه‌های زبان شناختی عام از جمله زمینه‌های فکری - فرهنگی و شرایط و زمینه‌های سیاسی اجتماعی به مطالعه و فهم تفکر سیاسی اندیشمندان بپردازیم.¹

بنابراین بر اساس الگوی روشی اسکینر، متون متفکران هر دوره تاریخی به مثابه کنش گفتاری مقصود رسان آنها، زمانی برای ما به صدا درمی آیند که ما آن متون را به عنوان عمل ارتباطی قصد شده ایشان در فضای زبان شناختی گسترده اعم از بستر فکری فرهنگی و سنت‌ای فکری حاکم قرار داده و آنها را با در نظر گرفتن زمینه‌های سیاسی اجتماعی که این متون بی توجه به سوال و معضلات برخاسته از آن شرایط نبوده اند مورد مطالعه قرار بدهیم. لازمه این کار آن است که فضای فکری - فرهنگی و زمینه‌های سیاسی اجتماعی آن عصر را نیز برای فهم متون مذکور باز آفرینی نماییم.

در هر دوره در طول مدت زمان معینی تحولات جدید فکری و فرهنگی و سیاسی اقتصادی و اجتماعی در جامعه رخ می‌دهد که نتیجه پویایی‌های جامعه و دولت است. این زمینه‌ها و بسترها شرایط گذار از یک دوره به دوره دیگر را به تدریج فراهم می‌کند. این بسترها تأثیرات متنوعی بر ذهن اندیشه گران، جریان‌ها و طیف‌های گوناگون فکری سیاسی می‌گذارد و آنان را به تفکر وا می‌دارد. در این بین متفکران و مکاتب کلام سیاسی نیز برکنار از این زمینه‌های تازه نیستند و تحت تأثیر آن قرار دارند.

اندیشه کلامی پدیده محسوب می‌شود و پدیده‌های فکری در ظرف جامعه شکفته می‌شوند. دانش‌ها و امور اندیشگی جز در ظرف زمان و مکان اجتماعی پدید نمی‌آیند البته نه بدان معنا که اندیشه و علم هیچ گونه عینیتی نداشته باشد. بلکه بدین معنا که از ساختارها و جریان‌ات جامعه تأثیر جدی می‌پذیرد. هیچ متنی در خلأ متولد نمی‌شود و طبعاً به طور مستقیم یا غیرمستقیم نظارتی بر واقعیات فرهنگی و اجتماعی زمانه خویش دارد. تأثیر واقعیات فرهنگی زمانه پیدایش متن بر محتوای اثر هم از طریق زبان (حضور برخی عناصر فرهنگی در بافت زبان) میسر است و هم از طریق اثرپذیری باورها و جهت گیری‌های مؤلف از اقتضائات

1. کوئینتن اسکینر، *ماکیاولی*، ترجمه ی عزت الله فولادوند، تهران: طرح نو، 1372، ص 86؛ جیمز تولی، *روش شناسی اسکینر در تحلیل اندیشه سیاسی*، غلامرضا بهروزلک، فصلنامه علوم سیاسی، شماره 28.

فرهنگی و اجتماعی زمانه خویش.^۱

چنان چه به اعتقاد اسکینر از آنجا که هر متنی به عنوان تجسم کنش گفتاری و عمل ارتباطی قصد شده در فضای فکری فرهنگی و زمینه‌های اجتماعی خاصی شکل می‌گیرد و در آن فضا پرسش‌ها و پاسخ‌هایی رایج است و نیز مجموعه‌ای از مفاهیم و واژگان و معانی خاص در دسترس مولف قرار دارد، بنابراین برای فهم آن متن باید آن فضای فکری فرهنگی و زمینه‌های اجتماعی را بازسازی و باز آفرینی نماییم. چون با باز آفرینی آن فضا و قرار گرفتن در آن است که هم می‌توانیم معنای متن و روابط بین عبارات مختلف در آن فضا وهم قصد و نیت مؤلف را از تدوین آن متن به عنوان عمل و کنش ارتباطی قصد شده دریابیم.^۲

زمینه‌های ذهنی و فرهنگی دارای چند قسم است. تراث کلام سیاسی، نخستین آن است. میراث متراکم برجای مانده از سنت‌های مختلف در کلام و کلام سیاسی نخستین دست مایه یک متفکر یا مکتب فکری سیاسی است. ایدئولوژی‌ها یا به تعبیر بهتر مکاتب و جریان‌های کلامی سیاسی رقیب موجود در فضای جامعه دومین است که بی توجهی بدان ناممکن است و خواه و نا خواه بخشی از فضای ذهنی متفکران را به خود مشغول می‌سازد. ایدئولوژی‌های وارداتی بخش دیگری از زمینه‌های ذهنی است که متفکران ناگزیر از مواجهه با آنهاند. ایدئولوژی‌هایی مانند آن چه امروزه از مغرب زمین به دنیای ذهنی ایرانیان وارد شده است. دموکراسی، لیبرالیسم، سوسیالیسم، اگزیستانسیالیسم، مدرنیسم، پست مدرنیسم، هرمنوتیک و... که هر یک تأثیرات عمده‌ای گذاشته است.

زمینه‌های عینی و عملی نیز شرایط اقتصادی مانند شیوه‌های تولید، وضعیت تولید، اقتصاد سیاسی و مانند آن است. نیز شرایط اجتماعی مانند وضعیت طبقاتی، میزان تحصیلات جامعه، وضعیت عدالت اجتماعی و مانند آن است. همچنین شرایط سیاسی چون آرایش سیاسی قدرت، وضعیت دولت، منافع سیاسی کنش گران و.. است.

مجموعه زمینه‌های ذهنی و عینی جدید موجود در جامعه مسائل، مشکلات و یا به تعبیر اسپریگنز بحران‌ها و به تعبیر هیوز^۳ و اسکینر معضلاتی را به وجود می‌آورد. اسکینر می‌گوید:

من معتقدم زندگی سیاسی خود معضلات عمده‌ای را پیش روی نظریه پرداز سیاسی قرار داده و سبب می‌شود طیف خاصی از مسائل مسأله انگیز گردیده و

1. احمد واعظی. نقد تقریر نصر حامد ابوزید از تاریخ مندی قرآن. قرآن شناخت، سال سوم، شماره دوم، پیاپی 6. پاییز و زمستان 1389، صفحه 41 - 65.

2. J- Quentin Skinner, Meaning and Understanding in the History of Ideas, in History of Theory. Vol. 8. No. 1 (1969). P. . P. 48. 49.

3. استیوارت هیوز، آگاهی و جامعه، مترجم، عزت‌الله فولادوند، چاپ دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1373، ص 194.

طیف مرتبگی از سوالات به موضوعات مهم مناظره تبدیل شوند!

اسپریگنز نیز بر آن است که «نظریه پرداز از بحران‌های سیاسی که جامعه با آنها درگیر است آغاز می‌کند. او می‌کوشد که ابعاد و سرشت بحران‌های اجتماعی را دریابد و در عین حال به دنبال ارائه شیوه‌های حساب شده است».^۲ بر این اساس متفکرین و یا جریان‌های کلام سیاسی در پی احصاء بحران‌های ذهنی و عینی و سپس مشکله المشاکل، مسأله المسائل، معضله اصلی و یا بحران اساسی بر می‌آیند. تا آن گاه به ریشه یابی آن در زمینه‌های ذهنی و عینی جدید، ترسیم شرایط مطلوب و چگونگی دست یابی به آن پردازد. متفکرین و یا جریان‌های کلام سیاسی نیز می‌توانند بحران یا مشکل را داخل یا خارج از کلام سیاسی تشخیص دهند اما پاسخ به آن را از درون کلام سیاسی یا با بهره گیری از آن می‌جویند.

1-2. افزایش مناقشات و پیدایش دستگاه‌های مختلف کلام سیاسی

پس از تجمیع زمینه‌های ذهنی و عینی جدید و پدیدار شدن بحران و مشکل به تدریج اندیشه یا در موضوع ما کلام سیاسی مسلط یا غالب به دلیل عدم توانایی کافی در پاسخ گویی به بحران و پرسش‌ها، خود دچار چالش و بحران موقت یا دائمی می‌گردد. هرچه دامنه و شدت بحران و ناتوانی کلام سیاسی مسلط بیشتر باشد بر عمق بحران افزوده می‌شود و ضعف کلام سیاسی مسلط بیشتر به چشم می‌آید. ادامه بحران در آن موجب فرو ریختن سیطره و قدرت هژمونیک آن شده و به فترت و تشتت آن می‌انجامد. این تشتت به خودی خود حداقل امکان طرح اندیشه‌های دیگری از کلام سیاسی را مهیا می‌سازد. البته ممکن است بی آن که دچار ضعف کلی شود بتواند الگوهای دیگر را در کنار خود بپذیرد. هرگاه کلام سیاسی مسلط دچار بحران شود به طور طبیعی مناقشات پیرامون اجزا و عناصر و هندسه کلام سیاسی افزایش می‌یابد و اجزا و عناصر و هندسه‌های جدید یا بازسازی شده متعددی از آن ارائه می‌گردد. زیرا فضای غالبی و قالبی پیشین شکسته شده و فضای طرح دیدگاه‌ها به وجود آمده است. این در حالی است که هم چنان کلام سیاسی مسلط از خود مقاومت نشان می‌دهد و چه بسا دوباره فائق آید. بر این اساس مناقشات سیری تصاعدی پیدا کرده و خصلتی درگیرانه می‌یابند.

با به چالش کشیده شدن کلام سیاسی مسلط و افزایش مناقشات و طرح رهیافت‌های کلام سیاسی به تدریج برخی از این رهیافت‌ها که توانمندی بیشتری دارند منسجم تر شده و به طور نسبی به دستگاه‌ها یا جریان‌های کلام سیاسی جدید تبدیل می‌شوند. بدین صورت که ابتدا

1. کوئینتن اسکینر، «ماکیاولی»، 1372، ص 86؛ جیمز تولی، «روش شناسی اسکینر در تحلیل اندیشه سیاسی»، غلامرضا بهروزلک، فصلنامه علوم سیاسی، شماره 28.

2. توماس اسپریگنز، «فهم نظریه های سیاسی»، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه، چاپ دوم، 1370، ص 43.

عناصر و اجزا بازخوانی می شوند. آن گاه گزینش و تلفیق تازه صورت گرفته و بینش نو شکل می گیرد و سپس سبک تفکر و هندسه جدیدی از کلام سیاسی رخ می نماید. این دستگاه‌های مختلف کلام سیاسی هر یک می تواند دارای رویکردهای گوناگونی باشد.

گاه دارای رویکرد نوپردازانه است؛ بدین معنا که بازسازی کلام سیاسی گاه از طریق مفروض گرفتن بنیادها اما با ادبیات روشی تازه و زنگارزدایی و غبارروبی از میراث کلامی کهن امکان پذیر است. ادبیات تازه نیز از دل پوییش تاریخی و موقعیت مندی اجتماعی خاص پدید می آید. گاه دارای رویکرد نوسازانه است؛ بدین معنا که کلام جدید که کلام سیاسی بخشی از آن است به دنبال فرو گذاری و نادیده انگاشتن تمامی قلمروهای کلام کهن نیست بلکه نسبت به بخش‌هایی از آن که نسبت بیشتری با اوضاع زمانه دارد و افق گشا و بن بست شکن است حتی به دیده تحسین می نگرد. مثلا در کلام سیاسی می توان با آشکار سازی دوباره امامت در بعد انسانی همان گونه که امامان شیعه خود آن را به تصویر کشیده اند به ویژه در عصر غیبت که عنصر عصمت و علم به غیب رخت بر بسته است و در سطح اجتماعی حضوری ندارد از هم آمیزی مفاهیم فوق بشری با مفاهیم اجتماعی پرهیز کرد و از دل امامت پیراسته ترین نظریه‌ها و الگوهای سیاسی اجتماعی را برای انسان و جامعه امروز اصطیاد نمود.

گاه دارای رویکرد نوگزینی است: بدین معنا که در میان خوانش‌های کهن از مسأله‌ای واحد آن را که تطابق بیشتری با روح زمانه دارد و گره گشایی برتری از مشکلات بشری دارد از نو گزینش کنیم و بر صدر نشانیم. نوزایی رویکرد دیگر است؛ بدین معنا که نوزایی و تولید گری نخست از روحیه بسنده نکردن به بر ساخته‌های پیشینیان و جسارت در آفرینندگی و آن گاه از آشنایی کامل و فحص جامع و درک تام از نصوص و سپس فهم استوار از موقعیت اجتماعی و فرهنگی برمی خیزد. این تلاش از راه برقراری رابطه‌ای دوسویه (دیالکتیک) میان خوانش زمانی و مکانی نصوص و خوانش زمان و مکان در نصوص میسر است. بدین معنا که هم زمان و مکان را به نصوص عرضه کنیم و هم نصوص را در زمان و مکان بازخوانی کنیم. رویکرد دیگر نیز تلفیق رویکردهای پیش گفته است.

1-3. بی ثباتی و صورت بندی رقابت‌های سیاسی جدید

با شکل گیری دستگاه‌ها یا جریان‌های کلام سیاسی تازه نوعی بی ثباتی در فضای رقابت‌های سیاسی شکل می گیرد. البته بی ثباتی ممکن است حاد و طولانی یا غیر حاد و موقت باشد. این به واسطه آن است که ورود نیروهای سیاسی جدید حول مفصل بندی‌های تازه‌ای از کلام سیاسی آرایش سیاسی صحنه رقابت را تغییر می دهد و صورت بندی آن را به هم زده و صورت بندی دیگری ایجاد می کند.

این مسأله نوعی فضای گذار ایجاد می کند که موجب تزلزل موقعیت‌ها، ابهام در وضعیت

آینده و تلاش برای تحمیل و یا سیطره جریانی بر فضای رقابت است. امری که اساس آن طبیعی است اما می‌تواند روندهای غیر طبیعی نیز بیابد. از این رو تا تثبیت صورت بندی جدید از رقابت‌های سیاسی شاهد درجاتی از بی ثباتی خواهیم بود. بر این اساس هنگام زایش جریان‌ها یا گفتمان‌های نوین کلام سیاسی و در آستانه پیوند آن با کنش‌گری‌های سیاسی معمولا شاهد افزایش بی ثباتی‌های سیاسی در اشکال گوناگون بوده ایم.

1-4. بی قاعده‌گی رقابت‌های سیاسی

تغییر آرایش سیاسی و بی ثباتی اصولا سامان و نظم و انتظام سیاسی را دستخوش تغییر می‌کند و پدیده بی قاعده‌گی را موجب می‌شود. بر این اساس هنگام تغییر صورت بندی رقابت‌های سیاسی و زایش جریان‌ها یا گفتمان‌های نوین کلام سیاسی چنانچه زیر ساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مستحکم نباشد رقابت سیاسی دستخوش بی قاعده‌گی‌هایی خواهد شد. شدت آن نیز تا حدود زیادی علاوه بر زیر ساخت‌ها به میزان تنافر و تباعد دستگاه‌ها، جریان‌ها و گفتمان‌های کلام سیاسی بستگی دارد.

دیوید ساندرز در برشمردن چهره‌های بی ثباتی - که به لحاظ مفهومی نزدیک و از نظر مصداقی انطباق نسبی با بی قاعده‌گی دارد و اگرچه وی آن را در بحث بحران‌ها مطرح کرده است اما به جهت تقارب مفهومی و مصداقی این دو می‌توان از آن در بحث رقابت استفاده نمود- از پنج پیامد تغییر رژیم، تغییر حکومت، تغییر جامعه، چالش‌های خشونت آمیز، و چالش‌های مسالمت آمیز همراه با شاخص‌ها و مصادیقی نام می‌برد که با اضافه نمودن برخی موارد دیگر برای کامل تر شدن می‌تواند برای این بخش تحقیق مفید باشد.

وی شاخص‌های تغییر رژیم را تغییر در هنجارهای رژیم، تغییر در نوع نظام حزبی و تغییر در وضعیت نظامی - غیرنظامی؛ شاخص‌های تغییر حکومت را تغییر در قدرت اجرایی مؤثر و تغییرات کابینه؛ شاخص‌های تغییر جامعه را اقدامات تجزیه طلبانه‌ی موفق؛ شاخص چالش‌های خشونت آمیز را ترور، جنگ تروریستی، تروریسم سیاسی، مرگ ناشی از خشونت سیاسی، شورش و تلاش برای کودتا و شاخص چالش‌های مسالمت آمیز را اعتصابات سیاسی یا تهدید به اعتصاب، تظاهرات اعتراض آمیز، تحرکات انتقادی مخالفان، سخنرانی‌های ضدحکومتی به وسیله‌ی رهبران فکری می‌داند.¹

البته تمام این جزئیات در این بحث ما مفید نیست. زیرا ارتباط وثیقی با تاثیرگذاری مناقشات کلام سیاسی پیدا نمی‌کند. به جای آن از تقسیم بندی تاثیرات مسالمت آمیز به مستقیم و غیر مستقیم و در چهار شکل تاثیر بر مواضع و رویکردها، تاثیر بر مرام نامه‌ها، تاثیر

1. دیوید ساندرز، *الگوهای بی ثباتی سیاسی*. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1380، صص 126-127.

بر شکل گیری احزاب جدید و گسست ائتلاف ها، و تاثیر بر رخدادها و حوادث استفاده می کنیم.

بر این پایه با اشاره به تاثیر گزاری به معنای مقارنه میان مناقشات کلام سیاسی و رقابت های سیاسی، رقابت برای تغییر رژیم، تغییر حکومت و رقابت خشونت آمیز را چالش و رقابت غیر مستقیم دانسته و چالش های مسالمت آمیز را که مهم ترین و جدی ترین نمود مناقشات کلام سیاسی است می توان به دو صورت تصویر و تفریر کرد. گاهی چالش های مسالمت آمیز به صورت مستقیم است و گاهی در شکل غیر مستقیم ظاهر می شود. البته در هر دو صورت میان مناقشات کلام سیاسی و چالش های مسالمت آمیز رابطه ای معنا دار وجود دارد. اما در شکل مستقیم این ارتباط کاملاً عینی و ملموس است و در شکل غیر مستقیم عموماً چندان ملموس نیست.

بر این اساس اگر بتوان از تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر چهار صورت تاثیر گزاری سخن گفت آن گاه می توان با تقسیم بندی تأثیرات مستقیم به دو صورت حداکثری و حداقلی بدین ترتیب تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر مواضع و رویکردها بدان جهت که به هر حال امکان تأثیر سایر عوامل وجود دارد تأثیر مستقیم حداقلی و تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر مرام نامه ها را بدان روی که امکان تأثیر سایر عوامل کم تر وجود دارد تأثیرات مستقیم حداکثری محسوب داشت.

بر همین اساس تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر شکل گیری احزاب جدید، و تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر رخدادهای سیاسی را تأثیرات غیر مستقیم مناقشات کلامی سیاسی خواند. آن گاه تأثیرات غیر مستقیم را به دو شکل حداکثری و حداقلی تصور نمود. تأثیرات غیر مستقیم حداکثری که در بردارنده بیشترین ارتباط غیر مستقیم با مناقشات است را تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر شکل گیری احزاب جدید و تأثیرات غیر مستقیم حداقلی که حاوی میزان خلوص و ارتباط غیر مستقیم کم تری با مناقشات است را تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر رخدادهای سیاسی به شمار آورد.

با تقسیم بندی تأثیرات مستقیم به دو صورت حداکثری و حداقلی بدین ترتیب تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر مواضع و رویکردها بدان جهت که به هر حال امکان تأثیر سایر عوامل وجود دارد تأثیر مستقیم حداقلی و تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر مرام نامه ها را بدان روی که امکان تأثیر سایر عوامل کم تر وجود دارد تأثیرات مستقیم حداکثری محسوب داشت. در چالش های مسالمت آمیز مستقیم به لحاظ ذهنی و عینی هیچ واسطه ای به چشم نمی آید. اما در چالش های مسالمت آمیز غیر مستقیم برخی واسطه ها نمایان است. ضمن آن که چند عاملی بودن این تأثیرات امری مشخص و بدیهی است. با این حال می توان در این دسته تأثیر گزاری ها نیز تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم را مشاهده کرد اما این جداسازی تا حدودی

سلیقه ای خواهد بود که از آن می پرهیزیم. البته به چالش‌های مسالمت آمیز می توان خروج از اخلاق سیاسی و ورود بی ضابطه نیروهای مسلح به عرصه سیاست، ائتلاف‌های ناپایدار، بحران سیاسی، احزاب نارس، باندهای غیر شفاف را نیز افزود. البته تغییر جامعه و اقدامات تجزیه طلبانه اصولا خارج از بحث است.

تاثیر مناقشات کلام سیاسی بر چالش‌های خشونت آمیز را نیز اصولا روندی غیر مستقیم در هر صورت آن محسوب می داریم. چالش‌های خشونت آمیز در رقابت سیاسی چالش‌هایی هستند که موجب برون رفت از هنجارها و ایستارها و قواعد رقابت سیاسی می شوند و البته متاثر از عوامل متعددی هستند. شکاف‌های متعدد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی بر آن تاثیر گذار است.^۱ خشونت سیاسی رابطه ای دیالکتیک با بی ثباتی سیاسی دارد.^۲ اما از دیدگاه تحقیق یکی از مهم ترین شکاف‌ها شکاف کلامی سیاسی و تبدیل آن به منازعه اجتماعی سیاسی است.

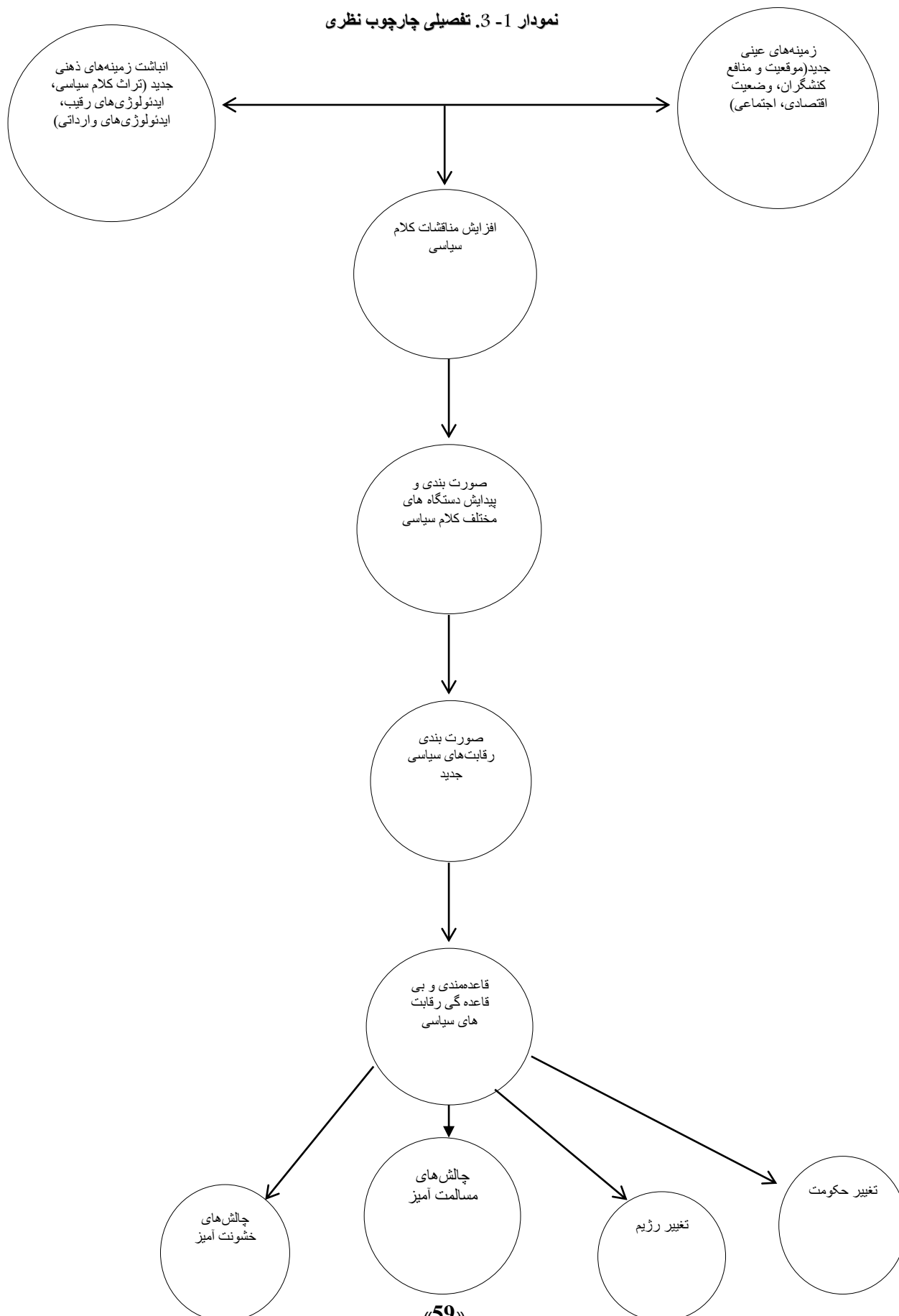
اما روند تبدیل آن به ثبات سیاسی و رقابت قاعده‌مند آن است که از راهکارهای معطوف به ساختار کلامی سیاسی، حقوقی سیاسی، فرهنگی آموزشی، و فرهنگی اقتصادی که ارتباط وثیقی با هم دارند استفاده برد. در راهکار کلامی سیاسی از کلام سیاسی اعتدالی انفکاکي بهره برد که امکان تئوریک مدیریت بر مناقشات کلام سیاسی را مهیا می کند. این پهنه نظری فراورده‌های عملی می تواند به بار آورد. مواردی نظیر نهادمدی ارکان نظام و گذار از شخصی بودن سیاست به نهادگرایی، تکثر احزاب قوی قانونمند، حرکت به سمت نظام حزبی منعطف، شفافیت و قانونمندی. این دو راهکار می تواند به مدیریت و کاهش غیر آمرانه مناقشات کلام سیاسی بینجامد که آن نیز به نوبه خود به رقابت سیاسی قاعده مند و ثبات سیاسی منتهی شود.

هم چنین در تحلیل داده های مربوط به زمینه ها، مناقشات و رقابت ها باید به مشخصه های چندی توجه کرد. این مشخصه ها عبارتند از : بیشترین تاثیر گذاری در میان شرایط عینی ها، بیشترین تاثیر گذاری در میان شرایط ذهنی، بیشترین تاثیر گذاری در میان مناقشات کلام سیاسی ، کم ترین تاثیر گذاری در میان مناقشات کلام سیاسی، بیشترین تاثیر پذیری در میان انواع چالش های مسالمت آمیز رقابت سیاسی، و کم ترین تاثیر پذیری در میان انواع چالش های مسالمت آمیز رقابت سیاسی.

^۱ . محمد تقی آل غفور، پیامد سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران بر مشارکت سیاسی، *تحزب و ثبات سیاسی*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۷.

^۲ . همان، ص ۲۴۲-۲۳۷.

نمودار 1-3. تفصیلی چارچوب نظری



قاعده‌مندی و بی
قاعده‌گی رقابت
های سیاسی

چالش های
خشونت آمیز

چالش
های مسالمت آمیز

تغییر رژیم

تغییر
حکومت

چالش
های مسالمت آمیز
مستقیم

چالش
های مسالمت آمیز
غیر مستقیم

چالش
های مستقیم
حداکثری

چالش
های مستقیم
حداقلی

چالش
های غیر مستقیم
حداکثری مواضع
و رویکردها

چالش
های غیر مستقیم
حداقلی

مرام
نامه های احزاب

مواضع و رویکردها

احزاب
جدید

رخدادها
و حوادث

